

**مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما**

# کد

۲۲ بهمن دومین سالگرد  
انقلاب شکوهمند  
خلقهای ایران را گرامی بداریم

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۹۶-۲۸ صفحه- ۳۰ ریال

((اكثریت))

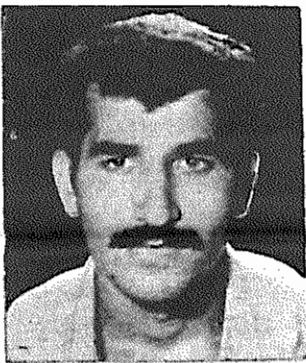
سال دوم - چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۹

## توطئه جدید امپریالیسم امریکارا در بلوچستان در هم شکنیم

کیسینجر مشاور ریگان اعلام کرد: " با همکاری پاکستان باید امریکا و دوستانش پیشقدم شوند و به کمک اهل تسنن در نقاط سنی نشین خراسان و بلوچستان و بندرعباس ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند. !!"

در صفحه ۱۸

## سنگرهای مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است



فدایی خلق رفیق شهید  
★ عباس آقاپور

سرتاسر میهن سنگری است که خلقی بپا خاسته در آن در برابر هر توطئه و تجاوزی به مقاومت ایستاده است. امروز نام ایران انقلابی در اذهان مردم ترقیخواه جهان یادآور مبارزات قهرمانانه خلق ویتنام در برابر تجاوزات امپریالیسم امریکاست و فردا تاریخ درباره مردم میهنمان می نویسد: برخاستند و پیروز شدند. در این شماره یاد فدائیان خلق رفقای شهید: ★ تقی اسکویی و ★ عباس آقاپور را گرامی می داریم. رفقائی که با وفاداری به آرمان طبقه کارگر در جبهه مقدم مبارزه با تجاوزگران رژیم صدام جانهای پاک خود را فدا کردند تا استقلال میهن و دستاوردهای انقلاب را پاسداری کنند و آن را تعمیق بخشند.

در صفحه ۲۰

## افشای ایدئولوژی و سیاست های سرمایه داری شرط لازم تعمیق انقلاب

در میهن انقلابی ما ظرف یک سال گذشته بخشی از مردم جذب نمایندگان سرمایه داری شده اند. و این در شرایطی است که توده های زحمتکش سراسر جهان میلیون میلیون جذب سوسیالیسم می شوند. و هر روز زحمتکشان بیشتری در گوشه و کنار جهان، سرمایه داری را به گور می سپرند. قطعا بخش بزرگی از کسانی که زیر علم و کتل نمایندگان سرمایه داری سینه می زنند، خود از طبقه سرمایه دارند، از زمینداران بزرگ و از کسانی که در رژیم گذشته راضی بوده اند، تشکیل شده است. اما بدون تردید بخشی از نیروئی که به دنبال نمایندگان سرمایه داری راه افتاده اند، زحمتکشاند، حتی کارگرند، پرسنل جز ارتشاند، معلم، پیشه ور، کارمند و غیره هستند. اینها مردمند. مردمی که به حکم سرشت طبقاتی شان آنچه را می خواهند و در پی اش هستند، دقیقا متناقض آن چیزی است که نمایندگان سرمایه داری می خواهند. چنانکه در گذشته تاکید کرده ایم، قبل از هر چیز بی پاسخ ماندن برخی از نیازهای اساسی انقلاب است که شرایط عینی رشد نارضائی مردم را فراهم ساخته و بخشی از کسانی را که ...

بقیه در صفحه ۲۴

## آیا جمهوری اسلامی نسبت به جنایاتی که توسط باندهای سیاه در خرم آباد اتفاق افتاده است همچنان بی اعتنا باقی می ماند

در صفحه ۳

## از جبهه میهنی عراق برای

## سرنوشتی رژیم صدام

## قاطعانه حمایت کنیم

منشور جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق

در صفحه ۱۳

## زحمتکشان ترکمن صحرا

## نگران روزهای آینده هستند

با نزدیک شدن نیمه دوم بهمن سالروز جنگ برادرگشی ترکمن صحرا و شهادت رهبران خلق ترکمن و با گسترش تبلیغات و حرکات کینه جوینانه و تنگ نظرانه، سایه های از نگرانی، مردم ترکمن صحرا را فرا گرفته است.

در صفحه ۷

## در این شماره

ویژه بزرگداشت انقلاب ایران و حماسه سیاهکل  
دوشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۹ منتشر می شود

### جنبش دهقانی ایران

در صفحه ۷

فئودال های مرتجع کهنوج و جیرفت به تاراج زحمتکشان مشغولند

### جنبش کارگری ایران

کارگران کارخانجات میراث فرانسه، از پیام کارگران ایران

در صفحه ۶

استقبال کردند

### چگونه ویتنام انقلابی بی سواد را ریشه کن کرد؟

در صفحه ۸

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

### افشای ایدئولوژی

#### ●●● سیاست‌های

..... از حداقل آگاهی‌های طبقاتی برخوردار نبوده‌اند، به دنبال بنی‌صدری‌ها و لیبرال‌ها کشانده‌است. اما این تنها یک بیان کلی است. آنانکه آگاهی طبقاتی داشته باشند، در اثر ناپیگیری‌ها و تردیدها و تنگ‌نظری‌های خط‌امام، به دنبال نمایندگان سرمایه‌داران روان نمی‌شوند. آنها در هر حال راه ادامه و تعمیق انقلاب را در پیش می‌گیرند و در جهت گسترش و تداوم انقلاب در جهت تحقق نیازهای اساسی انقلاب مبارزه می‌کنند. رشد نسبی لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها را در شرایط مشخص ما، شرایطی که برخی از نیازهای اساسی انقلاب بی‌پاسخ مانده و خط‌امام همچنان در اتخاذ یک سیاست خارجی و داخلی رادیکال، تردید از خود نشان می‌دهد، باید قبل از هر چیز نتیجه عدم تحقق خواست‌های اساسی مردم دانست. اما بلافاصله باید این پدیده را نتیجه عدم حداقل آگاهی طبقاتی بخشی از مردم و امکان وسیع و گسترده لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها در تبلیغ سیاسی میان این‌بخش از مردم بدانیم.

امروز روزنامه‌های انقلاب اسلامی که سه‌جهانی‌های از فرنگ آمده بیشترین صفحات آن را پر می‌کنند، و آغشته به مسموم‌ترین سموم ضدکمونستی و تئوری‌های نزدیکی با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی است، میزان، ارگان رسمی لیبرال‌ها و غیره، از طریق شبکه وسیع توزیع مطبوعات در سراسر ایران پخش می‌شوند و نظرات و عقاید نمایندگان سرمایه‌داران را که در زورق‌های رنگارنگ ارائه می‌شوند، به میان توده‌های وسیع مردم می‌برند.

شبکه وسیعی از سرمایه‌داران، تجار بزرگ بازار زمینداران بزرگ و روحانیون طرفدار سازش در سراسر ایران وسیعاً برای بنی‌صدری‌ها و لیبرال‌ها تبلیغ می‌کنند، تا در توده‌های مردم این توهّم را ایجاد کنند که گویا نمایندگان سرمایه‌داران پاسخگوی مسایل و دشواری‌هایی هستند که خود سرمایه‌داران، تجار و زمینداران بزرگ عامل آنند.

هم اینک هم امپریالیست‌ها، و هم سرمایه‌داران وابسته، تجار بزرگ و زمینداران بزرگ داخلی با سیاستی کاملاً هشیارانه و هماهنگ با بهره‌گیری از وابستگی اقتصاد ایران، گرانی را افزایش می‌دهند. بردامنه بیکاری می‌افزایند، در تولید صنایع اخلاص می‌کنند، به انواع حیل‌ها در کشت و کار زمین‌های بزرگ مانع ایجاد می‌کنند، باعث کمبود کالاهای ضروری مردم می‌شوند تا بدین‌وسیله در بستر نارضایی عمومی، ترویج و تبلیغ سیاست‌های سرمایه‌داری تسهیل شود، تا نمایندگان سرمایه‌داری فرصت یابند مبارزات ضدامپریالیستی را امری پوچ و حتی مغایر مصالح مردم جلوه دهند، راه چاره را در گسترش روابط با امپریالیست‌ها وانمود سازند و خلاصه ایدئولوژی و سیاست‌های خود را در ابعاد میلیونی میان توده‌های مردم تبلیغ کنند.

ریگان همین چند روز پیش پس از ورود به کاخ سفید در کمال صراحت اعلام داشت که در ایران باید:

" افرادی که از اندکی عقل برخوردار باشند، افرادی که میانه‌رو باشند، ( میانه‌رو اصطلاحی است که امپریالیست‌ها برای لیبرال‌ها به‌کار می‌برند )، به قدرت رسند."

او با این حرف نشان می‌دهد که مثل کارتر به لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری تا چه حد امیدوار است. این سخن ریگان نشانه امید امپریالیست‌ها به نمایندگان سرمایه‌داری ایران است. سیاست تحریم اقتصادی، افزایش سرسام‌آور قطعات یدکی مورد نیاز صنایع وابسته ایران و غیره نیز همگی برای افزایش گرانی و بیکاری و ایجاد نارضایی میان مردم است تا بر بستر آن‌مبلغین تئوری گسترش رابطه با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی فرصت یابند در میان مردم چنین تبلیغ کنند که علت همه این دشواری‌ها " انزوای ما یعنی قطع روابط با امپریالیسم آمریکا و تیره‌گی روابط با امپریالیست‌های

اروپائی و ژاپنی است. تا آنها فرصت یابند ایدئولوژی و سیاست سرمایه‌داری را در میان توده‌ها تبلیغ کنند.

هم اینک لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری به‌انواع حیل با هزاران تناقض‌گوئی و حرف‌های رنگ‌وارنگ و حتی با پنهان شدن زیر شعارهای فریبنده با مخدوش کردن مفاهیم استقلال و آزادی، با مخدوش کردن مفهوم وابستگی، مفهوم لیبرال مفهوم استثمار، با تبلیغات کینه‌توزانه و اشاعه جعلیات عوام‌فریبانه علیه جنبش کمونستی ایران و علیه دول سوسیالیستی جهان، با علم کردن بحث‌هایی چون " القاء ایدئولوژی" عنوان کردن تئوری ورشکسته دو " ابرقدرت"، با تبلیغ سیاست‌هایی که بر تئوری ارتجاعی و ورشکسته "سه‌جهان" قرار دارند. با ترفیخواه جلوه دادن سرمایه‌داری و نمایندگان آن و مرتجع خواندن نیروهای ضدامپریالیست، امری که برخی از نیروهای دمکرات نیز در دام آن اسیر گشته‌اند، وسیع‌ترین تبلیغات را علیه ارتقاء آگاهی توده‌ها، و به منظور جلوگیری از معرفی دوست و دشمن انقلاب، جلوگیری از رشد و تشکل طبقه کارگر مانع از تعمیق انقلاب اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی و صنایع، گسترش رابطه با کشورهای سوسیالیستی و دول ترفیخواه جهان، و غیره... هدایت می‌کنند.

آنها بآبهره‌گیری از زمینه‌های عینی رشد نارضایی‌های مردم - که سرمایه‌داران عامل آنند - و عدم آگاهی کافی طبقاتی بخش‌هایی از مردم توانسته‌اند، در یک سال گذشته گروه‌هایی از مردم را به سوی خود جلب کنند. آنها هم اینک وسیع‌ترین مبارزه تبلیغاتی را در جهت جذب مردم به ایدئولوژی سرمایه‌داری، به عقاید و اندیشه‌هایی که در سرشت خود متناقض مصالح مردم، متناقض تداوم انقلاب و فقط خواست سرمایه‌داران و سازشکاران است، به پیش می‌برند و حرکات و اعتراضاتی را که ماهیتاً متناقض مصالح انقلاب است دامن می‌زنند.

قطعا همانگونه که در سرمقاله‌های "کار" تاکید کرده‌ایم، راه درهم شکستن تهاجم لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم عبارتست از مبارزه پیگیر با وابستگی، ملی کردن تجارت خارجی، اجرای بند ج اصلاحات ارضی، گسترش روابط اقتصادی با دوستان جهانی انقلاب و استقلال ایران، مبارزه پیگیر با گرانی و بیکاری، ملی کردن همه صنایع وابسته آزادی‌های سیاسی نیروهای مردمی، گشایش دانشگاه‌ها، به رسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد، احترام به حقوق کامل پیروان همه مذاهب، تامین حقوق صنفی سیاسی کارگر، دهقان، دانش‌آموز، معلم، استاد، دانشجو و غیره... آری، راه‌جلب هرچه بیشتر توده‌ها به حمایت همه‌جانبه از انقلاب و راه درهم شکستن جبهه سرمایه‌داران لیبرال و زمینداران بزرگ علیه انقلاب همین است.

لیکن در اینجا صحبت از وظیفه میزمی است که ما در همین شرایط مشخص کنونی در قبال مقابله با تبلیغ ایدئولوژی و سیاست سرمایه‌داران به عهده داریم.

کمونست‌ها قطعاً باید در پیکار طبقاتی علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ همواره به وجه مبارزه ایدئولوژیک این پیکار طبقاتی توجه کافی و همه‌جانبه مبذول دارند. به‌ویژه در شرایط مشخص امروز میهن ما، این وجه از مبارزه طبقاتی بیش از پیش اهمیت یافته و بدون شک از مهم‌ترین وجوه مبارزه طبقاتی ماست.

طبقه کارگر و سایر زحمتکشان تشنه آگاهی‌های سیاسی و افزایش شعور طبقاتی خویشند. آنها همانگونه که گفتیم به‌حکم ماهیت طبقاتیشان اهدافی را دنبال می‌کنند که کاملاً متناقض ایدئولوژی سرمایه‌داران، متناقض هدف‌ها و آرزوهای نمایندگان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ است. کافی است مردمی که فریب لیبرال‌ها و سایرین را خورده‌اند، مردمی که جذب روزنامه‌های مبلغ سرمایه‌داری شده‌اند، دریابند این ره که می‌روند به مسلخ امپریالیسم است تا به راه خویش بازگردند.

اما مردمی که جذب لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری می‌شوند، به آسانی به چنین درکی نمی‌رسند. این وظیفه پیشرو انقلابی، وظیفه کمونست‌ها و از مبرم‌ترین وظایف آنان است که با تمام توان در هرکجا که هستند مبارزه علیه ایدئولوژی و سیاست سرمایه‌داری را به پیش برند. اندیشه‌ها و عقاید نمایندگان سرمایه‌داری را از درون هر نوع

زورق‌ها که در آن بیچیده شده‌باشند بیرون بیاورند، با صبر و دقت آن را افشاء کنند تا بتوانند ایدئولوژی و سیاست طبقه کارگر یعنی راه استقلال و آزادی واقعی، راه زهائی از ستم و استثمار را به مردم بشناسانند. این راهی دشوار و سخت است، راهی است که رهروان راستین آن همواره مورد کینم توزانه‌ترین و اهانت‌آمیزترین جعلیات دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان قرار می‌گیرند، در این راه چه بسیار اندیشه‌های ضدکمونستی، ضدکارگری و ضدانقلابی که در پوشش‌های انقلابی و حتی مارکسیستی پنهان می‌شوند تا به رهروان راستین صلح، استقلال، آزادی و سوسیالیسم یورش برند. شرط انقلابی بودن شرط وفادار ماندن به جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم آن است که ما بدون تردید و تزلزل همه سختی‌ها را به جان بخریم، از اتهامات بیشمارانه دشمنان جنبش کمونستی و جنبش خلق نهراسیم و در راه آرمان طبقه کارگر که امروز آرمان همه زحمتکشان است، با قاطعیت مبارزه علیه ایدئولوژی سرمایه‌داری را ادامه دهیم.

هرنوع کم‌بها دادن به اهمیت مبارزه ایدئولوژیک پرولتاریا علیه طبقه سرمایه‌دار و علیه زمینداران بزرگ و علیه اندیشه‌های رنگارنگ نمایندگان آنان، سازش با دشمنان طبقاتی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. و به نمایندگان سرمایه‌داران فرصت می‌دهد توده‌ها را بفریبند و انقلاب را به شکست کشانند. طبقه کارگر در مبارزه ایدئولوژیک نیز باید هم خود را قبل از هرچیز مصروف مبارزه علیه ایدئولوژی سرمایه‌داری کند.

"چپ‌روها" نه‌تنها علیه ایدئولوژی سرمایه‌داری که هم‌اکنون در ابعاد میلیونی تبلیغ می‌شود تا انقلاب را تخریب کند هیچ‌کاری نمی‌کنند بلکه به بهانه‌های مختلف به دنبال نمایندگان سیاسی سرمایه‌داران راه افتاده و مستقیم و غیرمستقیم از آنان حمایت می‌کنند و عملاً در اشاعه ایدئولوژی و سیاست‌های ضدکمونستی و ضدکارگری سرمایه‌داری به لیبرال‌ها کمک می‌کنند.

"چپ‌روها" در برابر انتقاداتی که نیروهای آگاه بر آنها وارد می‌سازند، کودکانه ادعا می‌کنند که اگر بجای افشای هدف‌های نمایندگان سرمایه‌داری آنها هم در همین حرکات و اعتراضاتی که خواست لیبرال‌ها است شرکت کنند، اگر همان تبلیغاتی را که لیبرال‌ها وسیعاً به پیش می‌برند، دامن زنند توده‌ها جذب لیبرال‌ها نمی‌شوند. الان بیش از یک سال است که "چپ‌روها" عملاً با این اندیشه سطحی و کودکانه و درعین حال عجیب و غریب که به‌هیچ‌وجه ماهیت طبقاتی حرکات و اعتراض را درک نمی‌کند، که نمی‌فهمد فلان حرکت و اعتراض مشخص در شرایط مشخص از کدام ماهیت و اهداف طبقاتی سرچشمه می‌گیرد، چنین سیاستی را دنبال می‌کنند. طبیعتاً نتیجه این کار تقویت لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها و ترغیب و تشویق برخی از مردم در پذیرفتن ایدئولوژی و سیاست‌های نمایندگان سرمایه‌داری بوده است. امروز کار برخی چپ‌روها به جایی رسیده است که نه‌تنها مبارزه ایدئولوژیک با نمایندگان سرمایه‌داری را کنار گذاشته‌اند بلکه با ابتذال کشاندن مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کمونستی و جنبش خلق به حاملان سیاست‌ها، اندیشه‌ها و شایعات لیبرال‌ها علیه جنبش کمونستی و جنبش خلق بدل شده‌اند. آنها با سرمایه‌داری مبارزه نمی‌کنند بلکه علیه جنبش کمونستی و جنبش خلق تبلیغ می‌کنند.

ما از اعضا و هواداران سازمان و نیز از هر نیروی آگاه و انقلابی دیگری مصرا می‌خواهیم که وظیفه مبرم مبارزه علیه ایدئولوژی مسموم سرمایه‌داری را که امروز در بسته‌های رنگارنگ و پر زرق و برق به مردم ارائه می‌شود، وجهه همت خویش قرار دهند. هیچ امری نباید ما را از انجام این وظیفه مبرم بازدارد. هواداران سازمان به‌ویژه باید با بهره‌گیری از مطالبی که در کار (اکثریت) در این زمینه آمده و یا خواهد آمد، در محیط کار خود، در محیط خانواده، فامیل، دوست و آشنا و در هرکجا که فرصت یابند ماهیت عقاید و اندیشه‌هایی که علیه انقلاب علیه جنبش خلق، علیه جنبش کمونستی دیوانه‌وار تبلیغ می‌شوند و سد راه انقلاب ایرانند، برای مردم افشاء کنند. مبارزه ایدئولوژیک علیه نمایندگان سرمایه‌داران افشای سیاست‌ها و تبلیغات آنها در شرایط مشخص امروز از مهم‌ترین وجوه مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی آن است. این وظیفه امروز از وظایف مبرم ماست.



## آیا جمهوری اسلامی نسبت به جنایاتی که

### توسط باندهای سیاه در خرم آباد اتفاق افتاده است

#### همچنان بی اعتنا باقی می ماند؟

مسئولیت خطیری که در این مرحله از تکامل انقلاب بر عهده دارد، بارها نسبت به خطراتی که انقلاب مردم ما را تهدید می کند، نسبت به انحرافات که در خط امام مشاهده می شود، نسبت به انحرافات که در گروه های "چپرو" وجود دارد، هشدار داده است. اکنون نیز

بار دیگر اعلام می داریم: ۱- باندهای جنایتکاری که در خرم آباد لرستان به کشتار مردم دست زده اند، هرچه سریع تر با قاطعیت تمام باید مورد شناسائی قرار گیرند. مزدوران جنایتکاری مانند "شیخ مهدی قاضی" و "غلام زریان" باید محاکمه شوند و قاطعانه به کیفر اعمال جنایتکارانه خود برسند.

۲- دولت جمهوری اسلامی ایران باید با صراحت و قاطعیت تمام، سیاست خود را در قبال باندهای سیاه، سرکردگان، سازمان دهندگان و حامیان آنان اعلام دارد. مردم می خواهند بدانند که دولت آقای رجائی چه سیاستی در قبال اعمال جنایتکارانه این باندها در پیش می گیرد. مردم می خواهند بدانند که آیا دولت آقای رجائی نیز در قبال جنایاتی که در خرم آباد اتفاق افتاده است، همچنان بی اعتناء باقی می ماند؟

۳- مجلس شورای اسلامی ایران باید به فوریت موضع خود را در قبال موجودیت و فعالیت باندهای سیاه، رهبران و حامیان آنان اعلام دارد و مشخصا نظر خود را درباره جنایاتی که اخیرا در خرم آباد صورت گرفته است بیان کند و دولت را مکلف به رسیدگی فوری و عاجل این جنایات نماید.

۴- شورای عالی قضائی بعنوان عالی ترین مرجع قضائی کشور باید به مجلس و مردم توضیح دهد که چرا علیرغم وقوع مکرر چنین جنایاتی، عاملان، رهبران و حامیان چنین جنایاتی با وجود آنکه بسیاری از آنان شناخته شده اند از پیگرد قانونی مصون مانده اند و بدتر از آن مرتکبین چنین جنایاتی با آزادی کامل به ارباب و قتل مردم مشغولند ۵- شایسته است حزب

بقیه در صفحه ۵

نسبت دروغ و افترا به نفع و مصالح طبقاتی معینی را دنبال می کنند، این قشر از سرمایه داری ایران با تمام توان خود خواستار توقف و شکست انقلاب است و تشنج و بی ثباتی سیاسی، به شخصیت ها، محافل و احزاب سیاسی که منافع این گروه را نمایندگی می کنند، اجازه می دهد که از آب گل آلود بیشترین بهره را بگیرند. سیاستمداران لیبرال که این روزها یورش به "خط امام" را در ابعادی تازه آغاز کرده اند و از هیچ تلاش مذبوحانه ای برای بی اعتبار کردن "خط امام" و تضعیف دولت رجائی و تمامی جناح های ضد امپریالیست حاکمیت فروگذار نمی کنند، بیشترین بهره برداری را از این اقدامات به عمل می آورند. اعمال جنایتکارانه این قبیل افراد و باندهای مربوط به آنان مورد پشتیبانی آشکار و نهان برخی مسئولان و دست اندرکاران ونهادهای جمهوری اسلامی است. تعدادی از این مسئولین عوامل نیروهای مورد حمایت امپریالیسم و از جمله لیبرالها هستند و بسیاری از آنها در شمار طرفداران خط امامند که بر اثر تعصب، کوردلی، شناخت غلط نسبت به دوست و دشمن انقلاب و سرانجام انحصارطلبی سیاسی آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند و منشاء ضربات مهلکی به انقلاب هستند. از جمله "مشکینی" مدیرکل آموزش و پرورش لرستان، "معصومی" معاون فنی آموزش و پرورش، "دادستان انقلاب" و مقامات و کسانی در سپاه پاسداران لرستان و خرم آباد - که لیست اسامی آنها موجود است - مسئولان حزب جمهوری اسلامی و... عملا و در مواردی با صراحت به دفاع از جنایتکاران برخاسته اند و با جعل حقایق

خود، خودسری را به آنجا رسانده اند که به جمعیتی که در مراسم شب هفت "بهرام کردستانی" در مزارش گرد آمده بودند، یورش آوردند و ۳ زن بی دفاع را به شهادت رساندند. جالب این است همه می دانند او با شانی که به قبرستان حمله کرده و ۳ تن را کشته اند زیر فرمان و سرکردگی شخصی بنام "غلام زریان" سازماندهی شده اند. در عین حال "غلام زریان" با آسودگی خیال در شهر جولان می دهد و کسی را پروای تعقیب او نیست و باز جالب خواهد بود اگر خاطر نشان کنیم که قتل دانشآموز پیشگام "محمود جنتی" در میتینگ سازمان در بزرگداشت سالروز ۱۹ بهمن ماه در سال گذشته توسط دار و دسته همین عنصر جنایتکار یعنی "غلام زریان" صورت گرفته بود. هم اکنون اطلاعاتی در دست داریم که نشان می دهد این دار و دسته برای ۱۹ بهمن ماه امسال جنایات تازه ای تدارک دیده اند و مصممند که آن را به اجرا گذارند.

اطلاعات حاکی از آن است که سازمانده اصلی غالب این باندها سرمایه داران و به ویژه تجار و بازاریان ثروتمندی هستند که بیشترین دشمنی را با پیشرفت انقلاب از خود بروز می دهند. اینان مخالفین دو آتشه اقداماتی از قبیل ملی شدن تجارت خارجی هستند بعنوان نمونه در راس گروه های ترور و باندهای سیاه خرم آباد، تاجر و سرمایه دار معروف خرم آباد "شیخ مهدی قاضی" قرار دارد. "شیخ مهدی قاضی" و کسانی مانند او که اگر بخواهیم دقیق تر سخن بگوئیم نیروی طبقاتی که اینان از آن برخاسته اند و بدان تعلق دارند در ایجاد بی ثباتی سیاسی و در برافروختن جنگ داخلی

پس از گذشت دو سال از انقلاب، قدرت عمل باندهای سیاه وابسته به محافل راستگرای حکومت در آنچنان حدی باقی مانده است که عملا قادرند در هر کجا که پیشوایان شان فتوا دهند، فضای سیاسی کشور را دستخوش اغتشاش و آشوب سازند.

باندهای سیاه که طی دو سال جنایات هولناک متعددی مرتکب شده اند اکنون نیز بدون کوچکترین هراسی از بازداشت و محاکمه، بدون آنکه کوچکترین پروائی از حساب و کتاب پس دادن داشته باشند و بدون آنکه هیچ مقام قضائی و یا انتظامی در جمهوری اسلامی آنها را تحت پیگرد و یا در مظان اتهام قرار دهد، با خودسری خیره کننده ای مخالفان سیاسی و مرامی خود را می ربایند، به گروهان می گیرند، مورد ضرب و شتم و شکنجه های وحشیانه قرار می دهند و حتی به قتل می رسانند.

در این دو سال استان های شمالی، کرمانشاه، آذربایجان، لرستان و بالاخره تهران مناطقی بوده اند که در آن باندهای سیاه بیشترین جنایات را مرتکب شده اند.

یک بررسی اجمالی نشان می دهد که اکثر قربانیان این باندها کسانی بوده اند که در ارتباط نزدیک با سازمان های نظیر سازمان ما و مجاهدین خلق ایران قرار داشتند. ما به آسانی می توانیم نام رفقائی را ذکر کنیم که در این مناطق توسط مزدوران که در این باندها فعالند مورد آزار و شکنجه قرار گرفته اند و تعدادی از آنان نیز به شهادت رسیده اند. تنها در یک ماه پیش از این در خرم آباد که اکنون عرصه تاخت و تاز این باندهای جنایتکار است، "مژگان اسدی" دانش آموز پیشگام به طرز فجیعی به شهادت رسید و اخیرا نیز دانش آموز "مجاهد" بهرام کردستانی روز روشن در وسط خیابان آماج گلوله های این مزدوران شد و در خاک و خون غلطید.

مزدورانی که بدون هراس از هرگونه پیگردی "بهرام کردستانی" را به شهادت رساندند به پشتوانه حامیان

به مناسبت دومین سالروز بازگشت آیت الله خمینی

## «سرنوشت مردم به دست مردم است»

بازگشت ایشان به ایران در پیروزی انقلاب بهمن قابل توضیح است.

استقبال عظیم میلیونی از آیت الله خمینی به سراسر جهان مخابره شد و همه مردم جهان به چشم خود دیدند که برخلاف ادعای امپریالیست‌ها، رژیم سرسپرده امپریالیسم در ایران هیچ پایگاهی ندارد و همه مردم یکصدا خواهان سرنوشتی آن‌اند.

آیت الله خمینی بلافاصله بعد از ورود به خاک وطن، برای احترام به شهدای خلق به بهشت زهرا رفت و در آنجا در برابر انبوه عظیم جمعیت سخنرانی معروف خود را ایراد کرده و فریاد زد:

"با یاری ملت توی دهن این دولت می‌زنم". این نطق آخرین امیدهای سازشکاران و لیبرال‌هایی را که می‌کوشیدند با دولت بختیار و در واقع با امپریالیسم آمریکا - به مصالحه برسند و از انقلاب مردم جلوگیری کنند، برباد داد. تنها چند روز بعد خلق قهرمان ایران با قیام شکوهمند خود، انقلاب بهمن را آفرید. و نه تنها "توی دهن" دولت بختیار زد، بلکه رژیم فاسد و سرسپرده شاه آمریکایی را برای همیشه خرد کرده درهم شکست و ضربات کوبنده‌ای بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت.

سازمان ما دومین سالروز بازگشت آیت الله خمینی به میهن را گرامی می‌دارد و بار دیگر از مردم قهرمان ایران و همه نیروهای ترقیخواه و میهن‌پرست دعوت می‌کند تا برای حفظ انقلاب و برای پاسداری از خون هزاران شهید به خون خفته خلق، علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صفوف خود را منسجم و متحد سازند.

۱۲ بهمن مصادف با سالروز بازگشت آیت الله خمینی، به ایران بود. آیت الله خمینی که ۱۵ سال دور از وطن، در تبعید به سر می‌برد، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در میان استقبال پرشکوه و غریو شادی میلیون‌ها هم‌میهن مبارز ما که از مهرآباد تا بهشت زهرا نمایشی عظیم و تحسین‌انگیز از اتحاد و یکپارچگی را به تماشا می‌گذاشت، به ایران بازگشت.

بازگشت آیت الله خمینی در شرایطی صورت گرفت که خلق کبیر ما پس از ماهها مبارزه خونین با مزدوران رژیم، با نثار هزاران شهید و در جریان شکوهمندترین قهرمانی‌ها، شاه جلاد را از ایران بیرون کرده بود و اینک با ورود آیت الله خمینی به ایران، که سخت مورد مخالفت لیبرال‌ها و موجب وحشت امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آن بود، به پیروزی دیگری دست می‌یافت. چرا که بازگشت خمینی از نظر مردم ما نشانه قدرت و عظمت خلق یکپارچه و زبونی امپریالیست‌ها و نوکرانش بود. نزدیک به پنج میلیون هم‌میهن ما که در مسیر حرکت آیت الله خمینی، عظیم‌ترین اجتماع ضد امپریالیستی تاریخ ایران را به نمایش می‌گذاشتند، همه امید امپریالیست‌ها و متحدان داخلی‌شان را در نگهداری رژیم بی‌اختیار بختیار برباد دادند.

بازگشت آیت الله خمینی قطعا در برانگیختن هرچه بیشتر توده‌های ارتش برای پیوستن به صفوف مردم و عدم اطاعت از دست‌سوز فرماندهان مزدور در تقویت هرچه بیشتر روحیه پیکارجوی توده‌ها و تضعیف ضدانقلاب تأثیری به‌سزا داشت و از همین رو است که قطعا تأثیر

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

## به جبهه آزادیبخش ملی - فارابوندومارتی و خلق حماسه آفرین سالوادور

رفقای رزمنده!

خلق دلاور سالوادور!

شادباش‌های ما را به مناسبت پیروزی‌های عظیم انقلاب خلقی و دمکراتیک سالوادور بپذیرید. خلق قهرمان سالوادور تحت رهبری جبهه دمکراتیک انقلابی که بحق نام "فارابوندومارتی" رزمنده انترناسیونالیسم و انقلابی سالوادور و امریکای لاتین را بر تارک خود نشانده، توانسته است با ایجاد اتحادی آهنین در صفوف خود و برخورداری از حمایت و همبستگی اردوگاه جهانی انقلاب و اتخاذ راه مبارزه مسلحانه توده‌ای، ضربات قاطعی بر پیکر لرزان "خونتای" نظامی و امپریالیسم یانکی متحدش وارد آورده و گام‌های عظیمی در جهت کسب آزادی، استقلال و برقراری قدرت خلق به پیش بردارند.

انقلاب سالوادور در شرایطی خیز نهائی به سوی پیروزی را برمی‌دارد که در سطح جهان تغییرات شگرفی به سود نیروهای صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم به وقوع پیوسته است. اردوی جهانی انقلاب، سیستم جهانی سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش‌های آزادیبخش ملی هر روز سنگر جدیدی را در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا فتح می‌کند و آن را هر روز بیشتر و بیشتر و به عقب در ورطه نابودی کامل می‌راند.

پس از شکست امپریالیسم یانکی در هندوچین و پیروزی انقلابات ویتنام، لائوس و کامبوج خلقهای آنگولا، موزامبیک، گینه بیسائو، زیمبابوه و... در آفریقا استقلال خود را بازیافتند و خلقهای نامیبیا و آفریقای جنوبی مبارزه برای رهائی از یوغ آپارتاید و استعمار را تشدید نموده‌اند. در امریکای لاتین پس از انقلاب کوبا و استقرار اولین دولت سوسیالیستی در خاک امریکا انقلاب نیکاراگوئه پوزه رژیم دیکتاتوری "ساموزا" را بر خاک مالید و اکنون خلق سالوادور می‌رود تا رژیم سرسپرده به امپریالیسم را به گور بسپارد و خود سرنوشت خویش را به دست گیرد. مبارزات خلق سالوادور با نثار هزاران شهید و با فداکاری و از خودگذشتگی بی‌نظیر فرزندان راستین خلق سالوادور اکنون گام‌های بزرگی را در جهت پیروزی به پیش برمی‌دارد. ما ایمان داریم که توطئه‌ها و دسایس امپریالیسم یانکی با مقاومت و مبارزه دلاورانه خلق شما که مورد حمایت تمامی نیروهای انقلابی قاره و سراسر جهان است، درهم شکسته خواهد شد و خلق سالوادور پیروزی خود را در آینده نزدیک جشن خواهد گرفت. جشنی که خلق ما نیز خود را در آن سهم می‌داند.

رفقای رزمنده!

در این سوی اقیانوس در خاورمیانه نیز تحولات وسیعی به وقوع می‌پیوندد. انقلاب ایران علیرغم تمامی تلاش‌های مذبوحانه امپریالیسم امریکا و مرتجعین منطقه توانسته است ضربات عظیمی بر امپریالیسم تجاوزگر امریکا وارد آورده و رژیم شاه، این پاسبان منافع امپریالیسم را سرنگون ساخته، گام‌های قاطعی در جهت کسب استقلال و آزادی به پیش بردارد. خلقهای مبارز منطقه از فلسطین تا خلیج فارس صفوف خود را بیش از پیش به هم فشرده می‌کنند و در اتحاد با نیروهای انقلاب جهانی گام‌های قاطعی علیه امپریالیسم و نوکرانش در منطقه به پیش برمی‌دارند. توطئه‌ها، تجاوزات و تهدیدات نظامی امپریالیسم امریکا مسلما نمی‌تواند خللی در اراده محکم خلقهای منطقه ایجاد کند. اتحاد نیروهای انقلابی در سالوادور و وحدت و همبستگی خلقهای منطقه مسلما درسهای گرانبهایی برای مردم ما و خلقهای خاورمیانه دربر دارد. ما نیز به سهم خود کوشش داریم این درسها را به مردم میهنمان معرفی کرده و از آن بیاموزیم.

رفقای انقلابی!

اعضای سازمان‌های انقلابی متشکل در "جبهه آزادیبخش ملی"!

خلق رزمنده سالوادور!

خلقهای دو کشور ما در مقابل دشمن مشترکی قرار دارند که دشمن تمامی خلقهای جهان است. در این مبارزه، خلقهای دو کشور ما و تمامی نیروهای انقلاب جهانی متحد طبیعی یکدیگر بوده و حمایت و همبستگی هر یک از ما با دیگری، وظیفه تخطی‌ناپذیر انترناسیونالیستی ماست که انقلاب برعهده ما گذاشته است. با اعتقاد راسخ بر این وظیفه گرم‌ترین درودها را از این سوی اقیانوس‌ها، از مردمی که دلشان برای پیروزی انقلاب می‌تپد، پذیرا باشید! خلق سالوادور پیروز است و امپریالیسم یانکی و نوکرانش را آینده‌ای جز شکست و نابودی در انتظار نیست.

دست شما را به گرمی می‌فشاریم

با ایمان به پیروزی خلقهای سراسر جهان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

## خرید محصول کشاورزان مناطق جنگ زده جبهه انقلاب را تقویت می کند

دولت باید سیاست خرید محصولات کشاورزی را در تمام مناطق جنگ زده پیش برد

نعلداران جنوب امسال برای جمع آوری و فروش محصول با مشکلات بزرگ دست به گریبانند. یورش تجاوزکارانه رژیم صدام بسیاری از آنها را واداشته است تا محصول را جمع نکرده، رها کنند. عده‌ای نیز محصولشان را چیده‌اند، بی آنکه بتوانند آن را بفروشند. در خونین شهر تا همین اواخر بیش از سی هزار تن خرما به بسته بندی شده بر زمین مانده بود. بعلاوه مقدار زیادی از محصولات بر درختها رو به خرابی است. خوشبختانه هفته پیش مقامات مسئول در خوزستان، اعلام کردند که کل این محصولات را به قیمت مناسب خریداری می کنند. روزنامه کیهان در همین رابطه نوشت: "روز جمعه سوم بهمن ماه فرورنده معاون سیاسی استانداری خوزستان به خرمشهر وارد و ضمن بازدید از جبهه های جنگ در قسمت شرقی خرمشهر دستور خریداری خرما کشاورزان را

صادر کرد." معاون استاندار خوزستان همچنین از مسئولین خواست که: "حتی خرماهایی را که نخلداران نتوانستند بچینند و خراب شده است برآورد قیمت و از آنان خریداری کنند." کشاورزان جنگ زده خونین شهر از این اقدام دولت بسیار خرسندند. آنها نظیر زحمتکشان سایر نقاط خط اول جبهه، بیشترین بار مصائب جنگ را به دوش کشیده‌اند. روستائیان به ویژه همه هستی شان را در این راه نهاده‌اند. از این رو ترمیم ضربات اقتصادی و اجتماعی وارد بر آنها از اهم وظایف انقلاب است. باید عمیقاً به مسائل و مشکلات آنها توجه نمود. باید زندگیشان را تامین کرد. خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت را در حد معقولی برایشان فراهم آورد. در حدود امکان به وضع کاری آنها رسیدگی نمود. آموزش

بچه‌هایشان را روبراه کرد و خلاصه آنچنان کرد که این قربانیان جنگ تجاوزکارانه صدام جنایتکار، طعم شیرین حمایت انقلابی دولت، مجلس و هم میهنان خود را بچشند. این گامی به سود تقویت بنیه دفاعی میهن است. در این صورت هزاران نسان زحمتکش انقلابشان را سر مردمک دیده جای می دهند. و بقای آن را به جان می‌کشند. خرید محصول کشاورزان خونین شهر چنین اثر مثبتی برجای می‌گذارد. کارگران، زحمتکشان و همه مبارزان راه استقلال و آزادی میهن حمایت خود را پشتوانه اینگونه اعمال مردمی قرار می‌دهند. آنها از دولت و مجلس می‌خواهند که چنین ابتکارات انقلابی را با برنامه، همه جانبه و فوری در هر جا که امکان باشد، به کار بندند. باشد که خلق متحد و مصمم گام دیگری به پیروزی نهائی نزدیک شود.

## هلا... شما که بد اندیشه و جهان‌خوارید

همیشه می‌گفتم:

دلی به وسعت دریا باید داشت

و در مسیر ستم سوز انقلاب

قدم به خون و صداقت باید -

گذاشت

و از میان تمامی واژه‌های عزیز

به یک لغت و به یک واژه عشق ورزیدم

همیشه می‌گفتم:

زبان روشن شعرم، زبان استقلال

زبان "آزادی" ست.

زبان زحمت آن زن کزرون شالیزار

زبان مادر پیری که هفت دشمن را

به جرم جنگ و جنایت به مرگ - دارویی

به مرگ واصل کرد.

زبان مردم در جبهه

زبان توده در کارخانه و کار است

که با تداوم تولید و کار

سرود سرخ و دل‌انگیز رستگاری را

به پشت جبهه یاران عشق می‌خوانند

و در برابر دشمن، درون جبهه جنگ

به سربلندی تاریخ

به عاشقانه‌ترین شیوه، قد می‌افرازند.

من این زمان به صدای بلند می‌گویم:

هلا... شما که بد اندیشه و جهان‌خوارید

و قتل و غارت و کشتار در سرشت شماست

اگر که خرمشهر

ز خون پرطپش هر شهید خونین است

و گر که آبادان

خراب‌پنجه بیداد جانیان شماست

درون سینه معصوم کودکان جنوب

به انتظار ستم سوز انتقام پدر

دلی به کینه بسیار می‌طپد از شوق

و بر لبان درخشان مادران جنوب

سرود پیروزی ست.

## مردم شوروی برای تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست آماده می‌شوند

در روز ۴ اسفند سال جاری (۲۳ فوریه) بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست شوروی آغاز به کار خواهد کرد و این روزها در حالیکه کمونیست‌ها و مردم شوروی خود را برای برگزاری هرچه با شکوه‌تر این کنگره آماده می‌سازند و انتخابات برای تعیین نمایندگان شرکت کننده در کنگره در جریان است، بحث و اظهار نظر پیرامون متن پیش‌نویس "جهت اساسی پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ و برای دوره بعد تا سال ۱۹۹۰" که به وسیله کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برای کنگره ۲۶ تهیه و تنظیم گردیده است، با خلاقیت تمام جریان دارد.

استقلال ملت‌ها و در راه کاهش وخامت اوضاع بین المللی "به پیشرفت‌های عظیم اقتصادی - اجتماعی شوروی در طی برنامه ۵ ساله دهم (۱۹۸۰ - ۱۹۷۶) اشاره شده است و آنگاه سند منتشره وظایف رهبری حزب را در توسعه اقتصاد شوروی در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ و دوره بعدی تا سال ۱۹۹۰ برمی‌شمارد. براساس طرح مذکور مهم‌ترین وظیفه برنامه ۵ ساله یازدهم ارتقاء باز هم بیشتر زندگی مادی و معنوی مردم شوروی براساس ترقی پیوسته و مداوم اقتصاد ملی، تسریع در پیشرفت علمی و فنی، استفاده پرثمرتر از نیروهای بالقوه تولیدی کشور، بهبود شرایط کار و... می‌باشد. در متن پیش نویس گفته می‌شود که در برنامه ۵ ساله یازدهم، تولید محصولات صنعتی ۲۶ الی ۲۸ درصد، کالاهای مصرفی ۲۷ الی ۲۹ درصد و تولید وسایل تولیدی ۲۶ الی ۲۸ درصد افزایش خواهند یافت. پیش‌بینی می‌شود که بازدهی کار اجتماعی در شوروی معادل ۱۷ الی ۲۰ درصد افزایش یابد که در این صورت حداقل ۸۵ تا ۹۰ درصد بر میزان درآمد ملی افزوده خواهد شد. همچنین بازدهی کار در صنایع ۲۳ الی ۲۵ درصد فزونی می‌یابد که این امر باعث می‌شود اضافه تولید محصولات به ۹۰ درصد برسد. در نظر است که در دوره ۵ ساله یازدهم، تولید متوسط سالیانه محصولات کشاورزی ۱۲ الی ۱۴ درصد افزایش یابد و میزان بازدهی کار در اقتصاد اجتماعی کشاورزی ۲۲ الی ۲۴ درصد بیشتر شود. همچنین براساس این طرح پیش‌بینی می‌شود که درآمد سرانه واقعی مردم ۱۶ الی ۱۸ درصد افزایش پیدا کند.

در این طرح پس از اشاره به توسعه و گسترش اتحاد و دوستی میان شوروی و کشورهای سوسیالیستی و مبارزه پیگیر این کشور در راه "صلح همگاری بین‌المللی و آزادی و

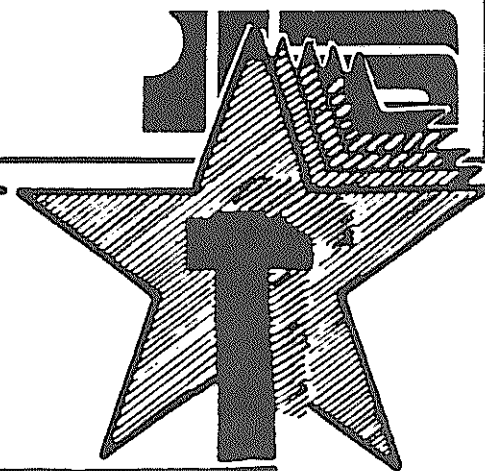
## آیا جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران و شورای فرماندهی سپاه پاسداران موضع خود را نسبت به اعمال جنایتکارانه باندهای سیاه اعلام دارند و نیز رسماً اعلام کنند که در مورد مزدورانی که دست به چنین جنایاتی می‌زنند و خود را منتسب به آنان می‌خوانند، سیاستشان چیست و با آنان چگونه رفتار می‌کنند؟ ع- ما از تمامی هواداران سازمان و نیروهای ترقیخواه

بقیه از صفحه ۳



جنبش کارگری ایران



کارگران کارخانجات میراث فرانسه، از پیام کارگران ایران

استقبال کردند

در صفحه ۲۷

چرا طرح اشتغال بیکاران در "تعاونی های تولید" نمی تواند به هدف هایش دست یابد؟

برای نمونه در استان اصفهان که فعالیت این شرکتها چشمگیرتر بوده است، تا آخر مهرماه ۵۹، جمعا ۳۲۵ شرکت ایجاد شده که از آن میان ۲۲۱ شرکت (۶۶ درصد) در بخش کشاورزی به وجود آمده اند.

**۳- مشکلات این طرح:**  
این شرکت های "تعاونی" که در واقع شرکت های سهامی خاص هستند، و نه تعاونی، در جریان عمل با مشکلات متعددی روبرو شدند، مشکلاتی که در اکثر موارد، این شرکتها را در عمل به ناکامی کشاند. برای بررسی اجمالی مشکلات این طرح، این مشکلات را می توان از دو دیدگاه مرتبط به هم مورد بررسی قرار داد:

الف - از نظر اعضای این شرکتها و  
ب - از نظر مسئولین و طراحان طرح

الف - در رابطه با  
اعضاء شرکت آنچه که حائز اهمیت است، راه اندازی و توسعه فعالیت های شرکت و کسب درآمد لازم برای تامین هزینه های آن و هزینه های مصرفی اعضا و خانواده هایشان است. این هدف خود با موانع متعددی از قبیل فقدان برنامه کار، فقدان تخصص، نداشتن اعتبار مالی کافی، گرانی مواد اولیه و ماشین آلات، عدم همکاری مسئولین و اختلاف نظر بین اعضا شرکت و ... مواجه است. از نظر تخصص، اکثر اعضای این شرکتها، تخصص و تجربه لازم را دارا نیستند. مثلا در بخش

بقیه در صفحه ۲۷

میلیارد تومان، در سه مرحله پیاپی، از محل سازمان برنامه (از محل سپرده های بانک سپه) اختصاص یافت که با ضوابط معینی به ۲۴ استان تخصیص داده شد. از میان استان هایی که بالاترین میزان اعتبار به آنها اختصاص یافت می توان خوزستان (۳۷۵ میلیون تومان)، اصفهان (۳۰۰ میلیون تومان) و خراسان (۲۸۰ میلیون تومان) را ذکر کرد و استان هایی که کمترین میزان اعتبار به آنها تخصیص یافته کردستان (۱۴۰) سیستان و بلوچستان (۲۰٪)، چهار محال بختیاری (۱۰۰ میلیون تومان) بودند. به تهران نیز برای جلوگیری از تراکم بیشتر فعالیتها، علیرغم تعداد زیاد بیکارانش ۱۲۰ میلیون تومان اختصاص داده شد. از کل اعتبارات تصویب شده تا ۱۵ آبان ماه سال جاری، مبلغ دو میلیارد و یکصد میلیون تومان (حدود ۵۰ درصد کل اعتبار) بین ۲۲ استان توزیع شده و در ارتباط با آن ۲۳۵۰ شرکت تعاونی در بخش های مختلف ایجاد شده است که در حدود ۲۶ هزار نفر را به کار گرفته است. از میان اطلاعاتی که در مورد ۲۲۰۰ شرکت در دسترس است، تعداد ۹۶۰ شرکت (حدود ۴۳ درصد) از کل شرکت های ایجاد شده در بخش کشاورزی، ۵۱۵ شرکت (۲۳ درصد) در بخش صنعتی، ۴۷۳ شرکت (۲۱ درصد) در امور عمرانی و بالاخره ۲۵۲ شرکت (۱۱ درصد) در بخش خدمات تاسیس شده اند. به این ترتیب بیشترین تعداد و درصد فعالیتها در بخش کشاورزی متمرکز شده است.

مالکیت ابزار کار بوده و در آن از تکاثر (تراکم سرمایه و ثروت) جلوگیری شود. به همین منظور است که در اساسنامه این شرکتها پیش بینی شده است که "سهام اعضا شرکت مساوی بوده و کلیه سهامداران بایستی بطور تمام وقت در شرکت مشغول فعالیت باشند" در ایجاد شرکت های "تعاونی" اولویت خاصی نیز به مناطق روستائی داده شده و از آن جمله پیش بینی شده است که در هر استان "لااقل ۶۰ درصد اعتبارات در مناطق روستائی صرف شود" و ۳۰ درصد برای شهرستانها و حداکثر ۱۰ درصد برای مراکز استانها اعتبار اختصاص یابد. بعلاوه در پرداخت این اعتبارات، "اولویت خاصی برای گروه های کم درآمد جامعه" در نظر گرفته شده است. با توجه به نکات فوق، هدف های این طرح را به اختصار می توان در سه هدف "کاهش بیکاری"، "کاهش وابستگی" و "توسعه و عمران روستائی" خلاصه کرد. معیارها و ضوابطی نیز که برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده اند، عبارتند از "جلوگیری از استثمار و جلوگیری از تکاثر" براساس همین هدفها و معیارهاست که باید موفقیتها و شکست های این طرح مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲- عملکرد یک ساله طرح: به استناد آمارها و اطلاعات موجود، عمده ترین جنبه های عملکرد این طرح را به ترتیب زیر می توان خلاصه نمود:

برای اجرای این طرح، اعتباری به مبلغ ۴/۵

تجارت بزرگ و ... در بررسی این طرح خواهیم دید که چگونه و چرا طرح مزبور در مرحله اجرا به موانع و بنیست های اساسی برمی خورد، و چرا مسئولین این طرح چنانچه راغب به اجرای آن باشند ناگزیرند اهمیت عینی شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ را به مثابه یک ضرورت مبرم درک نمایند.

بررسی و جمع بندی جوانب منفی و مثبت عملکردها و تجارب این طرح و نشان دادن علل ناکامی آن می تواند گام موثری باشد در ارزیابی صحیح مشکلات و راه اصولی مقابله با آن. لذا در اینجا کارنامه یکساله این طرح را در چار قسمت به ترتیب زیر مورد نقد و بررسی قرار می دهیم:

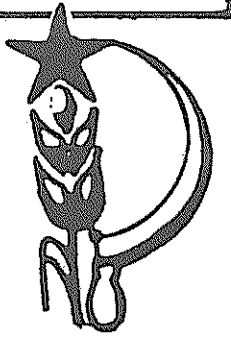
- ۱- هدف طرح،
- ۲- عملکرد یکساله آن،
- ۳- مشکلات این طرح،
- ۴- شرایط موفقیت آن.

۱- هدف طرح:  
در هدف های تعیین شده برای مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی، در نشریه "راهنمای شرکت های تعاونی" تاکید شده است که این مراکز در جهت "جذب عوامل بیکار در هر استان" تشکیل می شود تا بتوانند این نیروها را "در جهت رفع کمبودها بخصوص در زمینه کاهش وابستگی و خروج از سلطه استثماری کشورهای خارجی ... سوق دهند. به علاوه در مقدمه همین نشریه، اشاره می شود که در تعاونی ها که "قسمت اعظم نیروی انسانی بیکار" را باید به کار مشغول دارد، "نیروی کار باید مشارکت داشته" و این مشارکت "همراه با

در آذرماه سال گذشته، به دنبال گسترش دامنه بیکاری، شورای انقلاب طرحی را به عنوان "طرح اشتغال فارغ التحصیلان بیکار" (که بعدا به "طرح اشتغال بیکاران تغییر نام یافت) به تصویب رساند. برطبق این طرح در همه استانها می بایست تعدادی از بیکاران (حداقل ۱۰ نفر) بطور مشترک فعالیت اقتصادی مشخصی را در زمینه های تولید کشاورزی، صنعتی، خدماتی و عمرانی به "مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی" پیشنهاد نمایند که پس از تصویب پیشنهادشان توسط مرکز مربوطه، یک شرکت "تعاونی" (و در واقع سهامی خاص) تاسیس کنند و با تامین اعتبار لازم، زیر نظر استانداریها، شروع به کار نمایند. هم اکنون یکسال از تصویب و اجرای این طرح می گذرد. این طرح که از اولین ابتکارهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در زمینه اشتغال، عمران و آبادانی و کاهش فشار کمربند وابستگی اقتصادی بود، طی یک سال اخیر موجب تاسیس صدها شرکت "تعاونی" در استان های مختلف با چند میلیارد ریال اعتبار مالی و اشتغال ۲۶ هزار تن از میلیون ها بیکار گردید. مهم ترین خطای مسئولین این طرح در نادیده گرفتن وزیرپا نهادن اساسی ترین تجارب و اصول انقلاب بود، یعنی ندیدن این مسئله که سرمایه های بزرگ سدره گسترش و تعمیق انقلابند و تحقق و اجرای یک طرح نوین و مترقی امکان پذیر نیست مگر با تحقق شعار ملی کردن صنایع، بانکها،

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## جنبش دهقانی ایران

### فئودال های مرتجع کهنوج و جیرفت

#### به تاراج زحمتکشان مشغولند

جهاد سازندگی را به رگبار مسلسل بستند؟ اکنون که یکی دیگر از فرزندان خلق زحمتکش کارگزار چند پیشه شهرستان کهنوج " اکبر پناهنده" به دست دار و دسته جلال مالکی به شهادت رسیده است، مردم زحمتکش منطقه می پرسند: سهل - انگاری و مفاشات مسئولین امور در دستگیری و مجازات این ضدانقلابیون تا کی بایستی ادامه یابد؟ تا کی باید شاهد چپاول و تعرض خوانین به مال و جان روستائیان زحمتکش بود؟ تا کی عناصر ضدفئودال و زحمتکشان و دهقانان روستاها باید به خاطر سهل انگاری مسئولین به خون درغلطند؟

آیا زمان آن نرسیده است که قاطعانه برعلیه نفوذ اقتصادی و سیاسی این سرسپردگان امپریالیسم آمریکا در روستاها مبارزه شود؟ آیا وقت آن نیست که دست این سرسپردگان رژیم گذشته از جان و مال روستائیان کوتاه گردد؟

● اکنون که مبین انقلابی ما از هر سو در معرض امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی صدام قرار دارد، خوانین جیرفت و کهنوج چون مالکی ها، مهبمی ها، ناروئی ها... این دوسان سرسپرده امپریالیسم، زمان را بیش از پیش برای ضربه زدن به انقلاب مناسب یافته اند.

عدم قاطعیت در اجرای کامل طرح واگذاری زمین و عدم حمایت قاطع از ارگان های انقلابی، کار را به جانی کشانیده که این نوکران امپریالیسم هراز گاهی، خون دهقانان و زحمتکشان و حامیان آنان را به منظور حیات ننگین خود به زمین می ریزند.

مگر چند ماه پیش نبود که دو پاسدار از اهالی اسلام آباد کهنوج به دست همین خوانین به شهادت رسیدند؟ مگر یک ماه پیش نبود که دو دهقان زحمتکش به دست جلال مالکی، خان قلدر منطقه با شلیک گلوله به شهادت رسیدند؟ مگر چند روز پیش نبود که ماشین

### نگران روزهای آینده هستند

بود اعتراض نموده و گفت: آقای سپهری! شما درباره عضویت در شورا اصلا به سرمایه داران و فئودال ها اشاره نکردید کما اینکه در این جمع نیز از این قبیل افراد حضور دارند. در جواب حجت الاسلام سپهری گفت: ما انواع و اقسام سرمایه دار و فئودال داریم. اگر از راه جلال آورده باشند ما کاری نداریم؟! بدین ترتیب انتخاب شورا بدون اینکه مشخص شود به روز دیگری موکول شد. این حرکات جز تشدید نفاق و و تخاصم در میان مردم راه به جایی نخواهد برد. اکنون زحمتکشان ترکمن صحرا نگران روزهای آینده هستند. روزهایی که ممکن است به ویرانی، فلاکت، بی خانمانی و دربدری زحمتکشان بینجامد و ما از قبل در این مورد به مسئولین جمهوری اسلامی هشدار می دهیم.

در یکی از محلات گنبد را در زیر می آوریم: صبح روز جمعه ۱۲ دی ماه ۵۹ طی اطلاعیهای از مردم محل خواسته شده بود که جهت انتخاب شورای محلی در مسجد حضور بهم رسانند. ساعت ۳/۵ بعد از ظهر همان روز، با حضور فرماندار و حجت الاسلام سپهری نماینده امام جمعه شهر گنبد حدود ۲۰۰ نفر از مردم محل در مسجد اجتماع می کنند. ابتدا نماینده امام جمعه سخنرانی کوتاهی ایراد کرد و در آن تاکید زیاد نمود که این اولین شورای اسلامی واقعی بعد از انقلاب است و با اشاره به پیوند اهل تسنن و تشیع خواستار حفظ دستاوردهای انقلاب گردید. سپس وی ضوابط کسانی را که در شورای محلی انتخاب می شوند چنین اعلام کرد:

- ۱- معتقد به دین اسلام باشد.
- ۲- در خط امام باشد.
- ۳- به انقلاب اسلامی معتقد باشد.
- ۴- به هیچ گروهی وابسته نباشد.

ضمنا بعد از انتخاب درباره هریک از آنها از طرف دادگستری تحقیق خواهد شد. وی اضافه کرد که شورای محلی با شورای مرکزی شهر در رابطه بوده و وظایفش توزیع نفت، روغن... اسفالت خیابان، ساختن مدرسه، تعمیر مسجد و غیره می باشد. همچنین پیشنهاد می شد هر مسجد هم بطور انتصابی عضو اصلی شورا است و برای انتخاب اعضای دیگر شورا اهالی محل باید نام کاندیداها را نوشته به ستاد بسیج اقتصادی مستقر در شهرداری گنبد ارائه دهند که بعدا با شرکت مردم محله اعضا علی البدل نیز انتخاب خواهند شد. در اینجا یکی از اهالی محل به شرایطی که نماینده امام جمعه برای اعضا شورا تعیین کرده

● در هفته های اخیر سایه های از نگرانی و تشویش توده های مردم ترکمن صحرا را فرا گرفته و با نزدیک تر شدن نیمه دوم بهمن ماه این وضع با تبلیغات جریان ها و عناصر ضدانقلابی ( لیبرال ها - خلق مسلمانی ها، زمینداران بزرگ، اقشار مرفه شهری) و حرکات آنارشیستی گروه های چپ رو و مجاهدین و برخورد تنگ نظرانه پاسداران تشدید می شود. مردم در ادامه این حرکت ها و نزدیکی نیمه دوم بهمن ( سالروز شهادت ۲۰ بهمن ۵۷ گنبد، سالروز جنگ برادرکشی دوم ترکمن صحرا، سالروز شهادت رهبران خلق ترکمن، سالگردهای قیام و سیاهکل، سالروز تاسیس کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن) احتمال آغاز جنگ خانمانسوز دیگری را می دهند و این امر موجب تشدید نگرانی شان شده و هر چه بیشتر خواستار امنیت و آرامش هستند.

از طرف دیگر کمبود مایحتاج عمومی، گرانی و بیکاری فشار روزافزونی را بر مردم ترکمن صحرا و به ویژه زحمتکشان وارد می سازد. در شهرها هر روز صف های طولی برای خرید مایحتاج عمومی تشکیل می شود که وقت زیادی را از مردم گرفته و عده ای هم موفق به تهیه چیزی نمی گردند و این امر موجب تشدید ناراضیاتی می گردد. البته این مسئله در مناطق غیرترکمن نشین شهرها کمتر به چشم می خورد و مایحتاج عمومی عمدتا از کانال شوراهای محلی به دست مردم می رسد. اما علیرغم تبلیغات و تلاش هواداران سازمان هنوز شوراهای محلی در مناطق ترکمن نشین تشکیل نشده است. حرکاتی هم که از طرف مسئولین در این رابطه انجام گرفته با ناراضی ها و اشکالاتی همراه است که برای آشنائی بیشتر، بطور نمونه گزارشی از انتخابات شورای محلی

### دهقانان زحمتکش روستای مهدی آباد (اراک):

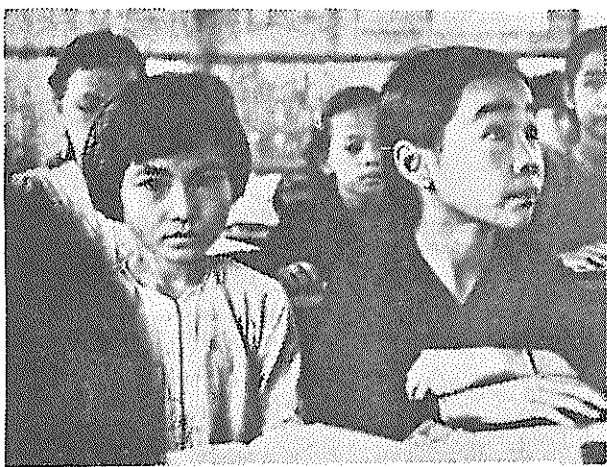
” دست های پینه بسته ما سند زمین است، نه ورق پاره باقی مانده از دوره طاغوت “

دکتر گرجی، استاندار اراک و برخی روحانیون مرتجع حامی زمین داران بزرگ روبرو شدند. هم اکنون وضع زمین های این ارباب فراری مشخص نیست و دهقانان روستای مهدی آباد خواهان مصادره زمین های وی می باشند. آنها می گویند: ” دست های پینه بسته ما سند زمین است. نه ورق پاره باقی مانده از زمان طاغوت “.

انقلاب اهالی زحمتکش "مهدی آباد" در صدد بازپس گرفتن زمین های ارباب برآمدند. روستائیان ابتدا برعلیه "عزت الله خان بیات" که اکنون فراری است و در آمریکا به سر می برد، به دادگاه انقلاب اراک شکایت بردند اما متأسفانه دادگاه به شکایت آنها ترتیب اثر نداد. هیئت هفت نفره نیز علیرغم دفاع از خواست روستائیان با کارشکنی بزرگ مالکان و حامیان آنها در ارگان های دولتی از جمله

● "مهدی آباد" روستای نسبتا کوچکی است که در ۴۰ کیلومتری اراک واقع است. بیش از نیمی از حاصلخیزترین زمین های روستا در تصرف "عزت الله خان بیات" است که توسط مباشر وی کشت می شود و مابقی را نیز به روستائیان اجاره داده است. اکثر اهالی این روستا به علت نداشتن زمین یا کمی زمین هر سال برای کار به تهران یا شهرستان های دیگر مهاجرت می نمایند. بعد از

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



فرانسه و امریکا، عواقب وخیمی برجای گذاشته بود: شهرها ویران شده بودند، روستاهای زیادی با خاک یکسان گردیده بود، وسایل تولید هم در دهات و هم در شهرها کم بود، بیکاری و فساد بیداد می کرد و... علاوه بر تمام اینها اقدامات خرابکارانه نیروهای ضدانقلابی پس از پیروزی شکوهمند خلق ویتنام نیز ادامه داشت اما خلق ویتنام اینک دیگر چیزی در اختیار داشتند که به وسیله آن می توانستند بر تمام این مشکلات و از جمله بیسوادی غلبه کنند و آن حکومت زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر بود.

### آخرین مرحله پیگار با بیسوادی

دولت انقلابی ویتنام ابتدا در مناطق آزاد شده از یوغ تجاوزگران امپریالیست و سپس در تمام کشور، با موفقیت به بسیج تمام امکانات برای محو بیسوادی اقدام نموده و با کمک جانانه و همه جانبه مردم، امر آموزش معلمین، تدارک کلاسها، لوازم التحریر و کتابهای درسی را به پیش برد. آموزش جوانان، کارگران، دهقانان و سایر شاغلین در اولین فرصت آغاز گشت و آموزش سایرین به مراحل بعدی موکول شد.

تمام مردم در پیامی که از طرف دولت صادر شد به شرکت در امر سوادآموزی دعوت شدند. همچنین در ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ شکاری که مردم را به ریشه کن ساختن بیسوادی قبل از روز انجام انتخابات دعوت می کرد در جامعه مطرح شد. میلیونها نفر از مردم این دعوت را با جان و دل پذیرفتند. جبهه وسیعی با شرکت سازمانهای توده ای متعدد گشوده شد که صدها هزار تن از آموزگاران که انبوه کثیری از جوانان، دانشجویان راهبانان بودائی و کشیشهای کاتولیک به آنها پیوسته بودند، در آن شرکت داشتند. هزاران تن از آنها برای انجام وظیفه انقلابی خود راهی مناطق کوهستانی شدند. در کنفرانسی که در پایان سال ۱۹۷۶ برای بررسی نتایج این پیگار عظیم برگزار شد، اعلام شد که در این مدت مجموعاً ۷۷۵/۰۰۰ نفر با سواد شده اند و بیسوادی در ۱۲۸۰ کمون و ۷۷ ناحیه و ۴ ایالت از بین رفته است.

کوششهای بازهم عظیم تری در مناطق کوهستانی و مرزی کشور به عمل آمد تا بیسوادی بطور کامل محو شود. این کوششها را "وزارت آموزش" "اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین" بطور مشترک رهبری می نمودند. سرانجام در ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ بیسوادی بطور کامل در ۲۱ ایالت و شهر ویتنام جنوبی از بین رفت و ۹۴/۱۵% مردم ویتنام از موهبت سواد برخوردار شدند.

ویتنام سوسیالیستی امروزه بیسوادی را بطور کامل در سراسر کشور از بین برده است و با کوشش تمام و وجدانه در مسیر ارتقاء سطح دانش علمی و فنی و فرهنگی تمام مردم به پیش می رود تا آنها را هرچه بیشتر برای انجام وظیفه خطیر ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم آماده نماید.

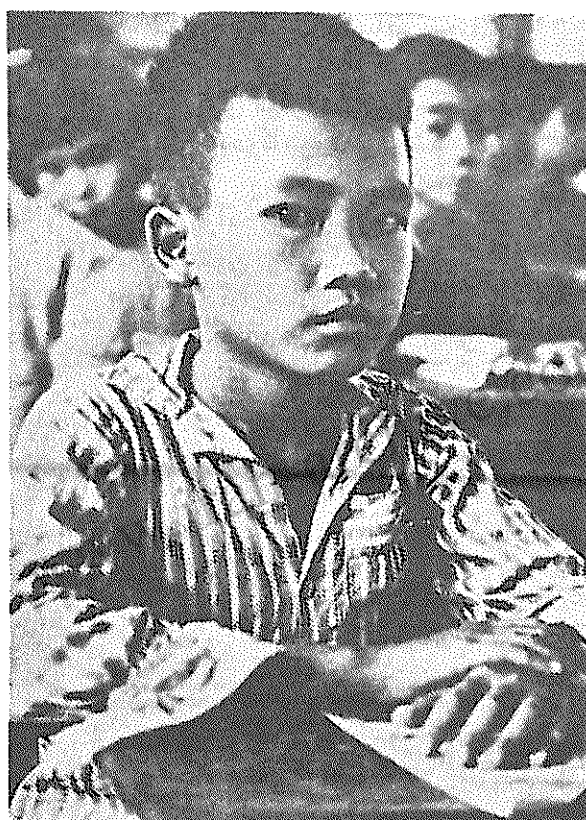
## چگونه ویتنام انقلابی بی سوادی را ریشه کن کرد؟



ویتنام سوسیالیستی امروزه

بیسوادی را بطور کامل

در سراسر کشور از بین برده است



(۶۵ - ۱۹۶۰) جمهوری دمکراتیک ویتنام بیسوادی را کاملاً از بین برد و از این لحاظ در بین کشورهای عقب مانده و فقیر بی همتا بود.

ویتنام جنوبی: مبارزه با بیسوادی در طول مقاومت در مقابل تجاوز امریکا

اما ویتنام جنوبی، در دوره حاکمیت استعمار نوین امریکا بر این قسمت از ویتنام بیشترین میزان بیسوادی را در بین تمام کشورهای جنوب شرقی آسیا دارا بود. ۲۰% مردم ویتنام جنوبی بیسواد بودند و این رقم در بعضی مناطق روستائی به ۸۰% نیز می رسید. در این دوره مدارس که از طرف میهن پرستان احداث شده بود توسط امپریالیستهای وحشی امریکا و دست نشانده ویتنام جنوبی برچیده شدند. بدین خاطر در مدت بیست سال اشغال ویتنام از طرف امریکا، میزان بیسوادی آنها کاهش نیافت بلکه از ۲ میلیون نفر به ۳/۶ میلیون نفر رسید.

در تمام مدت اشغال، در پایگاههای مقاومت علیه اشغالگران یا مناطق آزاد شده، مبارزه با بیسوادی ادامه یافت. اعضای ارتش رهایی بخش و وظیفه آموزگاران را نیز برعهده داشتند و در ضمن سازماندهی مبارزه علیه تجاوزگران، مبارزه با بیسوادی را نیز پیش می بردند. ۳۰ سال جنگ علیه دو قدرت امپریالیستی

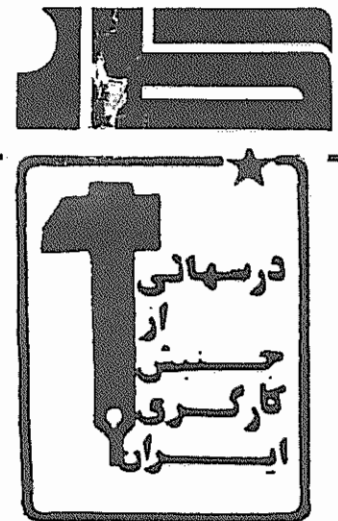
● هنگامی که استعمارگران فرانسوی پس از صد سال سلطه همراه با قتل و غارت، مجبور به ترک ویتنام شدند، میراث فرهنگی شوم و دهشتناکی را برای مردم این سرزمین به جای گذاشتند: در آن زمان حدود ۹۵% مردم ویتنام بیسواد بودند و جهل و خرافات بیداد می کرد.

انقلاب اوت ۱۹۴۵ قدرت استعماری را سرنگون ساخت و مردم را حاکم بر سرنوشت کشور خود گردانید. یکی از وظایف مرم انقلاب، از بین بردن بیسوادی در سراسر کشور بود. مبارزه با بیسوادی تنها یک وظیفه فرهنگی به شمار نمی رفت بلکه اصولاً برای اینکه مردم بتوانند سطح آگاهی سیاسی خود را بالا برده و به صورت صاحبان واقعی سرنوشت خویش امور میهن خود را اداره نمایند، باید بیسوادی از بین می رفت. این امر هم برای دفاع از میهن و هم برای ساختمان جامعه ای نوین ضروری بود.

در آن موقع شورای حکومتی جمهوری دمکراتیک ویتنام پس از صدور اعلامیه استقلال تصمیم گرفت یک تهاجم سراسری علیه بیسوادی در سراسر کشور آغاز نماید. بلافاصله لایحه ای درباره لزوم استقرار "خدمات آموزشی خلقی" به امضای هوشی مین رسید. این اقدام مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. برای اینکه هم به یکی از ضروریات پیشرفت انقلاب و هم به یکی از آرزوهای دیرین مردم پاسخ می گفت. مردم ویتنام از زن و مرد، پیر و جوان، شهرنشینان و روستائیان و اقلیت های ملی - مذهبی همه در رفتن به مدرسه با هم به رقابت پرداختند. با سوادان به بیسوادی، کودکان به بزرگترها، شوهران به همسران خود و همسایگان به همدیگر خواندن و نوشتن آموختند. در همه جا، کارخانه، مزرعه، اداره و مدارس کلاسها دایر شدند و از ابتدائی ترین امکانات برای پیشبرد آموزش استفاده شد. تمام وسایل ارتباطی از جمله رادیو، مطبوعات، تئاتر برای کمک به امر سوادآموزی بسیج شدند.

بعد از یکسال موفقیت بزرگی به دست آمد. بیش از دو میلیون نفر از مجموع ۲۵ میلیون بیسواد خواندن و نوشتن آموختند. و این آغاز تحسین انگیز مبارزه ای بود که در تمام دوره جنگ علیه امپریالیستهای فرانسوی در فاصله سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۵۴ ادامه یافت. مبارزه ای که به موازات مبارزه علیه تجاوزگران به پیش می رفت. در هر کلاس درس، آموزگاران به شاگردان خود در کنار درسهای معمولی، درس مبارزه در راه پیروزی انقلاب و کینه به امپریالیستها و استثمارگران را می آموختند. در ۹ سالی که جنگ علیه استعمارگران فرانسوی ادامه داشت مجموعاً ۷/۵ میلیون نفر با سواد شدند. بطوریکه در سال ۱۹۵۴ که ویتنام موقتاً به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد تنها سه میلیون بیسواد در ویتنام شمالی باقی مانده بود. در اثر ادامه پیگار با بیسوادی، تا ژانویه ۱۹۵۴ بیسوادی در بین ۹۳% زحمتکشان بین سنین ۱۲ تا ۵۰ ساله از بین رفت و بالاخره با اجرای اولین برنامه پنجساله





# شورا، سندیکا و اتحادیه های کارگری

(قسمت سوم)

۲- اتحادیه ها در نظام های اجتماعی مختلف :

الف : اتحادیه در کشورهای سرمایه داری : قبل از بررسی اتحادیه در ممالک سرمایه داری ، لازم است نکاتی را که در شماره های گذشته در خصوص مضمون کلی اتحادیه ها و رابطه اتحادیه با سیاست برشمردیم ، بار دیگر تاکید کنیم :  
گفتیم که اتحادیه کارگری ، تشکل طبقاتی ، توده ای و دمکراتیک پرولتاریاست . شکلی که بر مبارزه اقتصادی طبقاتی کارگران مبتنی بوده و وظیفه مقدم آن دفاع از حقوق و منافع صنفی کارگران است .

به اعتبار این تعاریف می توان گفت :

اولا - مبارزه اتحادیه ای نه تنها یک مبارزه اقتصادی ، بلکه مبارزه ای اقتصادی طبقاتی است . از این رو این مبارزه فی النفسه حاوی جوهر سیاسی و تاریخی نیز هست .

ثانیا - دفاع از حقوق و منافع اقتصادی و بهبود شرایط کار ، تنها وظیفه مقدم اتحادیه هاست و نه وظیفه نهایی آن . و این دو نکته که نه رفرمیست ها می توانند آن را درک کنند و نه آنارشیست ها ، بیانگر آن است که سیاست با اتحادیه های کارگری همواره آمیخته و عجین است و درست در درک کیفیت این رابطه ، یعنی رابطه میان خصوصیت اقتصادی و خصوصیت طبقاتی مبارزه اتحادیه ای است که انواع نظرگاه های انحرافی و ارتجاعی در جنبش کارگری ظاهر می شوند : رفرمیسم ، سندیکالیزم ، اکونومیسم و آنارشیسم ... که همه آنها را می توان در دو انحراف کلی خلاصه کرد : رفرمیسم و آنارکوسندیکالیزم .

رفرمیسم مبارزه اقتصادی طبقاتی را با محدود کردن آن به اهداف و منافع روزمره و آنی ، آنچنان مبتدل می کند که وظایف تاریخی و طبقاتی اتحادیه ها در تحقق تدریجی حوائج اولیه صنفی خلاصه شود . و جوهر سیاسی و طبقاتی مبارزه اتحادیه ای قربانی منافع آنی اقتصادی گردد .

آنارشیسم ، همواره اقتصادی برای تحقق خواست های صنفی را آنچنان بی مقدار جلوه می دهد که تشکل اتحادیه ای ، دیگر ضرورت وجودی اش را از دست می دهد . زیرا وظیفه مقدم هر تشکل اتحادیه ، سازماندهی مبارزات اقتصادی کارگران است . بطور خلاصه ، رفرمیست ها از "رسوخ سیاست در اتحادیه ها" هراس دارند و مبارزه اتحادیه ای را از مبارزه سیاسی جدا می پندارند . و آنارشیست ها به خاطر آنچه که در اتحادیه ها جریان دارد و فرسنگ ها از سیاست طبقاتی پرولتاریا فاصله دارد ، در شان خود نمی دانند که خود را بدان آلوده کنند . حال آنکه چه قبول کنیم و چه نکنیم " سیاست همواره در اتحادیه ها حضور دارد " و هر چه اتحاد مبارزاتی کارگران افزون تر گردد ، مبارزه صنفی و خصالت اقتصادی مبارزه نیز ، بیش از پیش ( به واسطه اتحاد اراده و تمرکز خواست های کارگران ) خصالت سیاسی بارزتری کسب می کند . آری ، سیاست همواره در اتحادیه ها حضور دارد ولی همواره سیاست طبقه کارگر نیست . می تواند این سیاست ، سیاست پرولتاریا باشد و یا سیاست

بورژوازی و ... نکته اصلی در همین جاست . سندیکالیزم ها نیز که از "رسوخ سیاست به درون اتحادیه ها" هراس دارند ، یا عوامفریبند یا ساده لوح . چه ، سندیکالیزم نیز خود ، نوعی سیاست است . سیاستی که مبارزات روزمره سندیکائی را در چارچوب نظم بورژوائی هدایت می کند و معتقد است که بهره ربری سندیکا ( و نه حزب طبقه کارگر ) به تدریج می توان بر سرمایه داری و استثمار غلبه کرد . ولی این سیاست ، سیاست طبقه کارگر نیست ، بلکه نهایتا نوعی از اشکال سیاست بورژوائی است . مبارزه سندیکائی ( و نه سندیکالیزم ) بخش مهم و تفکیک ناپذیری از مبارزه طبقاتی پرولتاریا بوده و به قول انگلس " مکتب کمونیسم " است و متقابلا ( در راستای سیاست پرولتری ) تکامل می یابد . مارکسیسم ثابت می کند که چنین سیاستی ( سیاست پرولتری ) در چارچوب مبارزات سندیکائی تبلور نمی یابد بلکه باید از خارج یعنی از جنبش کمونیستی به درون جنبش کارگری و اتحادیه ها رسوخ یابد . و در پاسخ به این ضرورت سترگ است که پیشروان کمونیست وظیفه خود می دانند : به سیاست اتحادیه ها خصالت پرولتری ببخشند . و اتحادیه را بر بنیادهای سیاست طبقه کارگر ( مارکسیسم - لنینیسم ) استوار گردانند .

رفرمیست ها در آرزوی تحقق تدریجی اهداف شان به سندیکاهای زرد ( به مثابه تشکل مطلوب خود ) تمکین می کنند و بدین ترتیب سعی می کنند مانع از رسوخ سیاست پرولتاریا به درون اتحادیه ها شوند و آنارشیست ها با بی بها شمردن مبارزات سندیکائی و نفی اصولیت آن می کوشند انقلاب را از پشتوانه نیروی جنبش سندیکائی محروم سازند .

" اگر نقطه نظر عناصر "چپ" در مورد بی خاصیت بودن سندیکاها درست بود ، نتیجه اش خط کشیدن به دور انقلاب اجتماعی و محصور کردن آن می شد ، زیرا انقلاب اجتماعی بدون شرکت این میلیون ها توده کارگری که در سندیکاها متشکل می شوند ، عملا غیر ممکن است ."

" سندیکاهای سرخ ، اسناد کمینترن برخلاف رفرمیست ها و آنارشیست ها ، کمونیست ها برای اعتقادند که :

" باید به هرگونه فداکاری تن در داد و بزرگترین موانع را برطرف ساخت تا این که بتوان بطور سیستماتیک و با سرسختی ، مصرانه و صبورانه ، درست در آن موسسات و در بین آن جمعیت ها و اتحادیه ها و ... و ارتجاعی ترین آنها ، که توده پرولتر یا نیمه پرولتر در آنجا هست ، به تبلیغ و ترویج پرداخت ."

( لنین ، "چپ روی ... " )

\* \* \* اتحادیه ها در کشورهای سرمایه داری اکنون در نتیجه تعمیق روند بحران عمومی سرمایه داری ، و تشدید بهره کشی غارتگرانه انحصارات محتضر امپریالیستی ، وخامت مزمن شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان جوامع سرمایه داری ، شتاب فزاینده ای یافته است . هرچند انقلاب علمی و

فنی ، پروسه اجتماعی شدن ابزار تولید را تسریع نموده است ، لیکن این موضوع در شرایط سلطه انحصارات به تشدید تضادهای طبقاتی در مقیاس هرچه وسیع تری منجر می شود ، بطوری که حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری نیز ، طبقه کارگر و توده های وسیع زحمتکش با بی کاری ، تورم و گرانی و ... روبرو هستند . در چنین شرایطی مبارزه به خاطر افزایش سطح دستمزدها و بهبود شرایط کار ، حدت بی سابقه ای می یابد و در پرتو آن ، مضمون مبارزاتی سازمان های اتحادیه ای نیز تعمیق یافته و صفوف میلیونی کارگران را فشرده تر می کند . درهم آمیزی مبارزه به خاطر مطالبات عاجل اقتصادی با مبارزه در راه تحولات عمیق دمکراتیک ، تشکل های اتحادیه ای را به مثابه بزرگترین سازمان های توده ای زحمتکش به مقیاس روزافزون به جبهه عظیم نبرد ضد انحصارات می کشاند . این مبارزه از چنان دامنه ای برخوردار است که حتی برخی مراکز سندیکائی رفرمیست را نیز علیرغم مماشات طلبی ها و "بی طرفی" سیاسی شان به اتخاذ مواضع ضد انحصاری سوق داده است . حضور رو به گسترش کارگران کشورهای سرمایه داری در عرصه های مختلف پیکار ضد انحصاری ، وحدت عمل سازمان های اتحادیه ای این کشورها را به یک ضرورت مبرم بدل کرده است . در طی سال های اخیر علیرغم مقاومت مذبحخانه رهبران رفرمیست و محافظه کار آن دسته از اتحادیه های کارگری که زیر نفوذ ارتجاعی ترین محافل بورژوازی انحصاری قرار دارند ، روند تفرقه راندی و وحدت طلبی در صفوف جنبش اتحادیه ای شتاب بیشتری یافته است . گسترش مبارزات سندیکائی ایجاب می کند که مبارزه وقفه ناپذیری علیه لیدرهای ارتجاعی ای که منادی " تفاهم " میان کار و سرمایه و " برادری جهانی " میان کارگران و سرمایه دارانند ، اوج تازه ای بیابد . بدیهی است که وحدت عمل جنبش اتحادیه ای نمی تواند و نباید بر زمینه سازش طبقاتی تحقق یابد . این امری است که برنامه عمل بین الملل سندیکاهای سرخ نیز بر آن تاکید می کند :

" کارگران انقلابی همیشه خواهان جبهه واحد هستند ولی نمی توانند آن را بر زمینه سازش طبقاتی به وجود بیاورند . تا زمانی که رهبران سندیکاهای رفرمیستی بر نظریات خود سماجت می کنند ، وحدت تحقق ناپذیر است زیرا هیچ کارگر انقلابی زیر بار چنین وحدتی نخواهد رفت . ما صرفا بر زمینه مبارزه طبقاتی و مقاومت در برابر بورژوازی در جهت تشکیل جبهه واحد پیش خواهیم رفت ."

هرگونه تلاش برای وحدت سازمان های اتحادیه ای که بدون در نظر گرفتن مصالح عالیه جنبش کارگری و نیازهای عینی بسط و تکامل مبارزه طبقاتی انجام گیرد حاصلی جز تشدید پراکندگی و انشقاق در صفوف جنبش اتحادیه ای نخواهد داشت . تاریخ جنبش کارگری حاوی نمونه های فراوانی از این گونه تلاش هاست . که ادغام " فدراسیون آمریکائی کار " و " کنگره سازمان های صنعتی " که در سال ۱۹۵۵ انجام گرفت از آن جمله است . با بین المللی شدن هرچه بیشتر ابزار تولید ، زمینه عینی همبستگی بین المللی کارگران نیز بسط و تکامل می یابد و به موازات گسترش دامنه عمل انحصارهای چند ملیتی و تشدید بهره کشی از نیروی کار در مقیاس بین المللی ، کارگران کشورهای سرمایه داری نیز هرچه بیشتر بر لزوم تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی خود وقوف می یابند و در راه آن مساعی جمعی خود را به کار می بندند . این همبستگی از طریق وحدت عمل سازمان های سندیکائی ممالک مختلف سرمایه داری تأمین

بقیه از صفحه ۹

### شورا، سندیکا...

می شود و در تشکیلات بین المللی توده های طبقه کارگر تبلور و تجسم می یابد که یگانه مظهر واقعی آن در زمان ما "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" است.

این فدراسیون که در سال ۱۹۴۵ به ابتکار کشورهای سوسیالیستی و سازمان های مترقی اتحادیه های موجود آمد، همه اتحادیه های مترقی جهان و اتحادیه های کارگری ممالک سوسیالیستی را در برمی گیرد و متجاوز از سه چهارم کارگران اتحادیه های کارگری جهان در آن عضویت دارند. چنین وحدتی، مساعی پراکنده کارگران کشورهای مختلف را در مبارزه برای بهبود شرایط زندگی شان و در نبرد به خاطر دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم پرتوان خواهد کرد. و این چیزی است که مارکس توجه اکید بدان را در اولین کنگره انترناسیونال هشدار داد:

"تجربه گذشته نشان داد که بی اعتنائی نسبت به اتحاد برادرانه ای که میان کارگران کشورهای مختلف موجود باشد و آنان را به پشتیبانی محکم از یکدیگر در نبرد برای رهایی شان برانگیزد با شکست های عمومی تلاش های پراکنده آنان، کيفر داده می شود" از این گذشته، وحدت عمل توده های و بین المللی کارگران، امروز از زمره عوامل مهم و تعیین کننده در سد کردن راه محافل جنگ افروز امپریالیسم و تحکیم مبانی صلح در مقیاس جهانی است.

سالم است که انحصارات امپریالیستی و به ویژه ارتجاعی ترین محافل آن تلاش می کنند تا در مقابل مجامع کارگری اصیل و مورد اعتماد کارگران سازمان های اتحادیه ای محافظه کار و زیر نفوذ خود را چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس بین المللی ایجاد کرده و تقویت کنند. تا به این ترتیب صفوف جنبش بین المللی کارگری و اتحادیه های را دچار تفرقه و پراکندگی سازند. لیکن هم روند با گسترش پیکار علیه انحصارات و تشدید مبارزات اتحادیه ای در کشورهای سرمایه داری، مراکز کارگری ملی و بین المللی رفرمیست نیز هرچه بیشتر اعتبار و نفوذ خود را در میان توده کارگران این کشورها از دست داده و پایه های رهبری محافظه کار آن بیش از پیش متزلزل می گردد. که "فدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری" که در سال ۱۹۴۹ از سوی محافل امپریالیستی برای مقابله با "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" تشکیل شد، از آن جمله است. در طی سال های اخیر در نتیجه تعمیق مبارزه اتحادیه ای در مقیاس بین المللی، این فدراسیون از درون دچار شکاف شده و بخش هایی از آن به سوی "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" جذب می شوند. این امر به انضمام بی اعتباری دائم التزاید رهبری رفرمیست "فدراسیون بین المللی... موجب شده است که تشکیلات آمریکائی "ای. اف. ال. سی. آی. آر." در ۱۹۶۹ از آن خارج شده و بدین ترتیب زمینه فعالیت مساعدتری برای اتحاد نیروهای مبارز درون "فدراسیون بین المللی... به وجود آید.

ارتجاع امپریالیستی همواره کوشیده است تا از طریق مراکز اتحادیه ای بین المللی زیر نفوذ خویش در جنبش های اتحادیه ای کشورهای زیر سلطه رخنه کرده و آن را به انحراف و شکست کشاند. لیکن در چند ساله اخیر، تشدید مبارزه طبقاتی و تکامل جنبش کارگری در این کشورها،

### از میان اعلامیه ها و نشریات شاخه ها و هواداران سازمان

ترور ناجوانمردانه بهرام کردستانی جنایت جدید باندهای سیاه!

● شاخه خوزستان سازمان در اعلامیه ای با عنوان فوق حوادث اسفناک و جنایات هول انگیزی راکه توسط دسته های اوپاش و باندهای سیاه در خرم آباد به وقوع پیوسته است، محکوم کرده اند.

"متحد شویم، درگیری نیروهای ضد امپریالیست را محکوم و سیاست های نفاق افکنانه را افشا و طرد نمائیم."

● شاخه مازندران سازمان در اعلامیه ای با عنوان فوق ضمن شرح حوادث چند روز اخیر شهر بابل که به مضر و ساختن زنان زحمتکش، دریدن لباس آنان، حمله به خانه های مردم و ایجاد رعب و وحشت منجر شده است، این حوادث و عاملین آن را محکوم کرده اند.

### آوارگان جنگ رایاری دهیم

● هواداران سازمان در کارزون با انتشار اعلامیه ای از مسئولین و نهادهای انقلابی (به ویژه بسیج مستضعفین) خواسته اند به وضعیت آوارگان جنگ و اسکان آنها توجه کنند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: "برای جلوگیری از هرنوع سودجویی سرمایه داران و محتکرین می بایست شرکت های تعاونی توزیع مایحتاج اولیه آوارگان را به عهده بگیرند."

### مرزها را کنترل کنید

● هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان تراکتی تحت عنوان "مرزها را کنترل کنید" منتشر کردند.

نقشه های امپریالیستی را در بسیاری موارد درهم ریخته و سازمان های اتحادیه ای مترقی و مبارز طبقه کارگر را از مواضع استوارتری برخوردار نموده است. طی سال های اخیر، بیش از پیش شاهد افزایش نقش انقلابی سازمان های اتحادیه ای در کشورهای زیر سلطه بوده و هستیم در سال ۱۹۷۴ فدراسیون اتحادیه های کارگری اتیوپی با توسل به اعتصاب عمومی، حکومت مزدور هایلند سلاسی را به بن بست کشانید. اعتصابی که متجاوز از صدهزار کارگر عضو اتحادیه در آن شرکت داشتند، کارخانه های قند، پالایشگاه ها و کارخانجات نساجی و... از کار باز ایستادند و راه های آهن و وسایل حمل و نقل عمومی تعطیل شدند. این حرکت سازمان یافته فدراسیون اتحادیه های اتیوپی در پیروزی های آتی انقلاب اتیوپی سهم نمایانی داشت.

امروزه تحکیم موقعیت سازمان های اتحادیه ای در حیات اجتماعی - سیاسی کشورهای در حال رشد و گسترش نقش آنها در پروسه انقلابی این کشورها به نحو روزافزونی در گروی تأمین همبستگی بین المللی آنها با خلق ها، طبقه کارگر و

در قسمتی از این تراکت چنین می خوانیم: "۰۰۰ مزدوران صدام امریکائی اگر در غرب و جنوب کشورمان متحمل تلفات سنگینی - برای تجاوز و عبور از مرز - می گردند در عوض از مرزهای پاکستان و ایران بدون هیچگونه مانعی آمد و شد می کنند. تاکنون صدها وابسته رژیم سابق (خوانین، ساواکیها، افسران کودتاچی) زیر چتر حمایت فرماندهان ژاندارمری و یا سهل انگاری سایر مسئولین دولتی به پاکستان گریخته اند."

"نتیجه بخشی از سهل انگاری ها و خیانت ها عبارت است از: شهادت دهها پاسدار و درجه دار و انسان بیگناه و بی سلاح توسط راهزنان، فرار تیمسار مدنی جاسوس امریکا و بنی عامری افسر کودتاچی، فرار صفدری آتش افروز جنگ اول کردستان، حاکم شرع و آرمان، دادستان ضدانقلابی زاهدان با پنج میلیون تومان وجه به پاکستان، ورود صدها جاسوس و ساواکی فراری و ضدانقلابیون افغانی، زیر پوشش افغانی مهاجر برای ایجاد ناامنی، بمب گذاری، شایعه پراکنی و تبلیغ علیه انقلاب و دولت."

### اعلامیه کارگران پیشرو «هما»

● "آیا "ادیبی فر" ها بخاطر این شهید شدند که "بوئینی" ها به کار بازگردانیده شوند؟! " عنوان اعلامیه ای است که کارگران پیشرو هواپیمائی ملی ایران "هما" منتشر کرده اند. در این اعلامیه ضمن افشاء لیبرال ها و محکوم کردن سیاست های ضدانقلابی آنان آمده است: "آخرین اقدام این آقایان تشکیل هیئت تجدیدنظر پاکسازی" بوده که بجای تجدید نظر برای بازگردانیدن کارگران انقلابی به تجدید نظر برای بازگردانیدن "عوامل ساواک" و مدیران وابسته ای چون "بوئینی" ها بوده است. " با بررسی هایی که ما کارگران پیشرو درباره سوابق و عملکرد مدیر عامل جدید شرکت آقای "محمد باقریان" به عمل آوردیم، امیدوار بودیم که حداقل خط لیبرالی، ضد کارگری "نقی فراچی" مدیر عامل منتخب آقای رئیس جمهور در "هما" تکرار و ادامه نیابد."

بقیه در صفحه ۱۹

سازمان های اتحادیه ای کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری است. این وحدت امری است که بسیاری از مراکز کارگری کشورهای در حال رشد، براهمیت و ضرورت آن تاکید دارند و خود را موظف به اجرای پیگیرانه آن می دانند. از جمله "کانون اتحادیه های کارگری هند" در اساسنامه خود خاطر نشان می کند که "کانون...، همبستگی بین المللی و اتحاد با کارگران سایر کشورها را در پیکار مشترک برای نیل به سوسیالیسم ارتقاء می بخشد، روابط برادرانه و رشته های عمیق اتحاد با کارگران و مردم ممالک سوسیالیستی را گسترش می دهد، به خلق ها در نبرد علیه سلطه و تجاوز امپریالیسم کمک می کند و هرگونه مساعدت را از جنبش های آزادیبخش ملی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به عمل می آورد. هم اکنون بخش مهمی از اتحادیه های کارگری جهان زیر پرچم "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" و جنبش کمونیستی دوشادوش اردوگاه سوسیالیسم و جنبش های رهائی بخش ملی در راه پیروزی نهائی بر امپریالیسم گام برمی دارند.

ادامه دارد

# چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت دوم)

## وابستگی نتیجه قرار گرفتن اقتصاد کشورهای

### زیر سلطه در شبکه جهانی انحصارات

#### امپریالیستی است

دهد. بدین ترتیب واژه وابستگی عجیب است با مفهوم امپریالیسم و سلطه آن بر اقتصاد جوامع وابسته. از این روست که وجود اقتصادهای وابسته و زیر سلطه شرط حیات و دوام نظام سرمایه داری امپریالیستی است. و از این روست که وابستگی به معنای فقر اکثریت مردم، عقب ماندگی جوامع زیر سلطه است.

موضوع را بیشتر بشکافیم. امپریالیسم جهانی که امپریالیسم آمریکا در مقام سرکردگی آن قرار دارد و امپریالیست های اروپائی و ژاپنی اجزای همان پیکرند. مجموعه ای است از اقتصادهای

روابط متقابل با اقتصادهای سوسیالیستی و مترقی، مشارکت در تقسیم کار بین المللی با دول سوسیالیستی که ماهیتا براساس روابط متقابل است در جهت رشد نیروهای تولید ملی و تامین نیازهای زحمتکشان است.

سرمایه داری که طی سه قرن گذشته تکامل یافته و بخش هایی از جهان را هنوز زیر سلطه خود دارد.

تحول این جوامع به جوامع امپریالیستی و زیر سلطه درآمدن کشورهای زیر سلطه، تابع قوانین حرکت و رشد سرمایه است. سرمایه رابطه ای است میان کار و مالک وسایل تولید. رابطه ای است میان استثمارگر و نیروی کار تحت استثمار. سرمایه دار سرمایه خود را به کار می اندازد تا سود ببرد، تا به سرمایه اش بفزاید، تا بازم سود بیشتر برد. بنابراین حرکت سرمایه حرکتی است مداوم که انباشت و تراکم آن را به همراه دارد. سرمایه پیوسته بزرگتر می شود، چرا که پیوسته ارزش اضافی ایجاد شده توسط نیروی کار را تصاحب می کند و به آن (به سرمایه) می افزاید. چرا که اگر چنین نکند در اثر فشار رقیبان از بین می رود. همچنان که بسیاری از سرمایه ها در این راه از بین می روند. حرکت سرمایه حرکتی است تمرکز یابنده، بدین معنی که سرمایه های بزرگتر پیوسته در مراکز معدودتری و در دست سرمایه داران قدرتمندتری تجمع می یابند. از این روست که سرمایه ها در تلاش برای کسب سود بیشتر در تقابل با یکدیگر، در رقابت با هم،

در مقاله پیشین گفتیم که امپریالیست ها می کوشند این نظر را رواج دهند که در جهان امروز همه جوامع وابسته اند و هیچ کشوری نمی تواند مستقل باشد. آنان می گویند کشوری که به غرب (بخوان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) وابسته نباشد، به "شرق" (بخوان کشورهای سوسیالیستی) وابسته است. سپس به زعم آنان مبارزه با امپریالیسم، مبارزه در جهت قطع وابستگی، مبارزه با خورشید درخشان است که در مبارزه با آن پیروزی متصور نیست. بدین ترتیب، این مروجان نظریه های امپریالیستی می کوشند بر مبارزه خلق های جهان در راه قطع وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، خط بطلان بکشند. در این مقاله و مقاله های بعدی، نشان خواهیم داد که:

۱- وابستگی نتیجه قرار گرفتن اقتصاد کشورهای زیر سلطه در شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی است و بطور کلی، نتیجه قرار گرفتن در تقسیم کار بین المللی تحمیلی امپریالیسم.

۲- وابستگی جوامع زیر سلطه، فقر، عقب ماندگی های همه جانبه برای توده های مردم و سودهای کلان برای انحصارات امپریالیستی، سرمایه داران وابسته و ایادی آنها در کشورهای زیر سلطه به بار می آورد.

۳- داشتن رابطه متقابل با اقتصادهای سوسیالیستی و مترقی، و به عبارتی دیگر، مشارکت در تقسیم کار بین المللی، با دول سوسیالیستی که ماهیتا براساس روابط متقابل است، دقیقاً در جهت رشد بخشیدن به نیروهای تولید ملی و تامین نیازهای روزافزون کارگران و زحمتکشان میهن است. این رابطه متقابل نه تنها وابستگی نیست بلکه نخستین و مهمترین ضامن استقلال یک کشور و شرط لازم برای از میان بردن وابستگی است. به عبارت دیگر گسترش رابطه با امپریالیست ها، گسترش وابستگی و گسترش رابطه با کشورهای سوسیالیستی به مفهوم حرکت در جهت از میان بردن وابستگی است.

#### وابستگی نتیجه اعمال سلطه سرمایه های امپریالیستی است

بهتر است نخست این سؤال را مطرح کنیم که وابستگی چیست؟ وابستگی اقتصادی به معنای مورد وضعی است که در آن اقتصاد کشوری در نسبت انحصارات امپریالیستی قرار می گیرد. بدین معنی که رشد آن، تغییر و تحولات در آن متأثر از نیازهای سرمایه های انحصاری کشورهای امپریالیستی و در جهت تامین نیازهای آنها است. پیوندهائی که در این وضع میان جوامع وابسته و انحصارات امپریالیستی به وجود می آید، حلقه های زنجیری است که ثمره کار کارگران و زحمتکشان را به این انحصارات منتقل می کنند تا این سرمایه ها و نیز نظام سرمایه داری امپریالیستی جهان بتواند به حیات خود ادامه

قرار می گیرند. هر یک از سرمایه ها می کوشد بخش بیشتری از ارزش اضافی ایجاد شده در جامعه را به چنگ آورد. سرمایه دارانی که زیرکتر بی رحم تر و بزرگتر هستند، سرمایه های کوچکتر و ناتوان تر را از میدان به در می کنند و خود در موقعیتی انحصاری قرار می گیرند. این پروسه ای است که سرمایه در جوامع سرمایه داری طی می کند این حرکت سرمایه برای کسب سود است و پدید آمدن انحصارات نتیجه گریزناپذیر آن است. سرمایه ها پس از رشد در موطن خود و رسیدن به مرحله انحصاری، چون آبی که ظرف را لبریز می کند، به سراسر گیتی سرازیر شدند، و جوامع زیر سلطه را به بند وابستگی کشاندند و زنجیر روابط و پیوندهای امپریالیستی را بر آن قرار دادند. سرمایه های انحصاری که اقتصاد ملی را محدودهای تنگ برای رشد خود یافتند، نخست برای غارت و چپاول منابع طبیعی و حتی برای به بردگی بردن انسان ها (بردگانی که عمدتاً از آفریقا به آمریکای شمالی بردند) و سپس برای استفاده از بازارها و بهره کشی از نیروی کار کارگران و تصاحب ثمره کار زحمتکشان به جوامع زیر سلطه روی آوردند. روابط اقتصادی آنها را در جهت تامین نیازهای سرمایه های انحصاری و تحت تابعیت خود تنظیم کردند و تا به هنگامی که روابط وابستگی مسلط است، نه تنها فقر و عقب ماندگی برقرار خواهد ماند، که پروسه فزاینده تشدید وابستگی ادامه خواهد یافت و فقر اکثریت عظیم مردم و عقب ماندگی و توسعه نیافتگی افزون خواهد شد. بدین ترتیب، وابستگی نتیجه پیوند یافتن روابط اقتصادی در جوامع زیر سلطه با انحصارات امپریالیستی و درآمدن اقتصاد جوامع زیر سلطه تحت تابعیت این انحصارات است.

برخی می کوشند پروسه وابسته شدن اقتصادی های وابسته را با مفاهیمی نادرست چون "زور" و "قدرت" و یا "انگیزه های طبیعی سلطه جوئی انسان" تبیین کنند. آنان می گویند قوی، ضعیف را به زیر سلطه می کشد. آنان مثال دریدن شیر، خرگوش را و خوردن آن را برای تشبیه رابطه میان جوامع انسانی به کار می گیرند. آنان می گویند قانون طبیعت این است که قدرتمندان ضعیفان را در حلقه قدرت خود نگه دارند. آمریکا، ژاپن، فرانسه و... زورمند و قدرتمند هستند و از این رو می توانند بر جوامع ضعیف سلطه یابند.

این صاحب نظران، یا توجیه گران امپریالیسم هستند که می کوشند وابستگی و زیر سلطه بودن جوامع آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را چون قوانین انکار ناپذیر طبیعت وانمود کنند و در واقع بگویند همین است که هست. یا آن که خیال پردازانی هستند که بی آنکه خود بدانند در دام نظریه های امپریالیستی افتاده اند. اینان به خود زحمت نمی دهند که جويا شوند آنان که امروز

بقیه در صفحه ۲۳

کسب و باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



## دو سؤال از رئیس جمهور، یک پرسش از نخست وزیر

● از آغاز کار دولت آقای رجائی ۵ ماه می گذرد. وزرای کابینه دولت یکی پس از دیگری معرفی شده و وزارتخانه مربوط را در تصدی گرفته و به کار مشغول شده اند اما آنچه در این میان برای بسیاری از مردم پرسش انگیز و مبهم می نماید این است که چرا علیرغم ۵ ماه از عمر دولت آقای رجائی می گذرد، هنوز مسئولین سه وزارتخانه کلیدی یعنی وزارت خارجه، اقتصاد و بازرگانی معرفی نشده و آغاز به کار نکرده اند پس از گذشت این مدت نسبتاً طولانی این سؤال برای مردم ما صورت معما به خود گرفته که چرا رئیس جمهور و نخست وزیر نتوانسته اند بر سر وزرای مربوط به این سه وزارتخانه به توافق و تفاهم برسند و چرا دلایل این عدم تفاهم را برای مردم روشن نمی کنند؟

همه مردم ایران و کلیه نیروهای صدیق و وفادار به انقلاب، وضعیت خطیر فعلی و تهدیدات گسترده دشمنان انقلاب را در چهار گوشه ایران درک می کنند. جنگ تحمیلی رژیم عراق و جنایات خوفناکی که دار

و دسته صدام هر روز و شب علیه انقلاب و مردم ما مرتکب می شود، بر کسی پوشیده نیست. هم اکنون امپریالیسم غارتگر آمریکا در مجامع و محافل بین المللی به مدد بلندگوهای تبلیغاتی خود اذهان مردم جهان را برای حملات مستقیم علیه خلق ما آماده می سازد. هیگ ژنرال چندستاره ای که مدال لیاقت گشتار و جنایت در ویتنام را گرفته است، به مردم ما دندان نشان می دهد متحدین مرتجع امپریالیسم در داخل کشور بیورش علیه دستاوردهای انقلاب را گسترش داده اند. فتوادلها و سران خائن عشایر در چهارگوشه کشور بسیج و مسلح می شوند. تجار و محترکان به چپاول و غارت شدت می دهند و سرمایه داران و لیبرال های خیانت پیشه در امر تولید اخلال می کنند...

در چنین شرایطی آنچه در مقابل با این توطئه ها و آتشافروزی ها ضروری می نماید وحدت اراده و تمرکز تصمیم گیری دولت است و وحدت اراده دولت هم تنهائی تواند با اتکاء به شور و توان بیکران ضد امپریالیستی مردم و با

ارائه یک سیاست و برنامه منطبق با مصالح انقلاب و مشی خلقی و دمکراتیک در هر سه عرصه فوق متحقق شود چنین برنامه ای می تواند توطئه های امپریالیسم را خنثی نماید و به نیازهای حیاتی توده ها در این مرحله از انقلاب پاسخ لازم و درخور دهد. فقدان برنامه و سیاست معیبن در وزارتخانه های خارجه، اقتصاد و بازرگانی که عدم انتخاب وزرای مسئول آن را بیشتر به تعویق انداخته است قطعاً به وحدت اراده و تمرکز تصمیم گیری دولت ضربه وارد می آورد و انقلاب را در مقابل با دشمنانش تضعیف می نماید. اکنون روشن است که این بلاتکلیفی بیش از حد طولانی شده است. با توجه به آنکه نخست وزیر چندین بار افرادی را به رئیس جمهور معرفی نموده و مورد تأیید قرار نگرفته، آقای بنی صدر بایستی به این سؤال های مردم پاسخ گویند:

سؤال اول: چرا آقای رئیس جمهور برای مردم روشن نمی کنند که دلایلشان برای رد افرادی که تاکنون برای پست های وزرای امور خارجه،

اقتصاد و بازرگانی معرفی شده اند، چیست؟ در طرز فکر و خصوصیات این افراد چه نکات منفی مشاهده کرده اند که آنها را لایق تصدی این مسئولیت ها نشناخته اند؟ آیا کسانی که برای احراز مقام وزرات امور خارجه معرفی شده اند قابلیت پیشبرد یک سیاست ملی و مستقل و فعال بین المللی را نداشته اند؟ آیا افرادی که کاندیدای مقام های وزارت در رشته اقتصاد و یا بازرگانی بوده اند برنامه ای به نفع مردم و درجهت تأمین خواست های اقتصادی خلق نداشته اند؟ آیا آنها بدین علت پذیرفته نشده اند که نمی خواسته اند تجارت خارجی را ملی کنند؟ آیا آنها بدین علت مورد قبول قرار نگرفته اند که نمی توانسته اند سیاست اقتصادی مستقل و شکوفائی را تدوین و اجرا نمایند؟ آقای بنی صدر باید برای مردم توضیح دهند که خصوصیات افراد معرفی شده چیست و برداشت آنها از سیاست های ناظر بر پیشبرد مشی ضد امپریالیستی چه بوده که نظر مساعد رئیس جمهور جلب

نشده است؟ سؤال دوم: همچنین از آقای رئیس جمهور می پرسیم که کاندیداهای مورد نظر خودشان کیانند؟ آیا ایشان افرادی نظیر سلامتیان را برای احراز پست وزارت امور خارجه در نظر دارند؟! یا امروز برخلاف تمام نقطه نظرات اعلام شده در آستانه انتخابات ریاست جمهوریشان متقاعد شده اند که وزارت خارجه باید در دست افرادی چون سنجابی ها، یزدی ها و قطب زاده ها باشد تا به روال گذشته این وزارتخانه ها کارها را رتق و فتق کنند؟! آیا رئیس جمهور می خواهد افرادی چون رضا صدر در وزارت بازرگانی به کار مشغول باشند تا دست تجار بزرگ و محترکان را در چپاول مردم بازگذارند؟ رئیس جمهور باید به مردم بگوید که بالاخره چه کسانی را شایسته احراز وزارت امور خارجه، اقتصاد و بازرگانی می داند؟ و مهم تر از همه چرا رئیس جمهور یکبار برای همیشه نقطه نظرات و برنامه ها و سیاست هایی را که در رابطه

بقیه در صفحه ۲۲

## علیرغم سیاست های سرکوبگرانه مدعیان حقوق بشر دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا به دفاع از انقلاب ایران ادامه می دهند

● فشار مقامات دولتی آمریکا علیه ایرانیان مقیم این کشور و بخصوص دانشجویان ایرانی ساکن ایالات متحده همچنان ادامه دارد. یکی از هدفهایی که در این رابطه امپریالیسم آمریکا دنبال می کند، کوشش برای رو در رو قرار دادن مردم آمریکا با دانشجویان میهن پرست ایرانی است. امپریالیست های آمریکائی قصد دارند از این طریق جو فاشیستی را در ایالات متحده دامن زده و مردم آمریکا را علیه انقلاب ایران برانگیزند آنها می خواهند از این طریق احساسات "ضد ایرانی" را در میان مردم آمریکا گسترش داده و افکار عمومی را برای اجرای توطئه های جنایتکارانه خود علیه انقلاب ایران آماده گردانند. امپریالیسم آمریکا برای اجرای این نقشه شوم فعالیت های انقلابی دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده را که بمنظور آگاه ساختن مردم آمریکا نسبت به حقایق موجود و

جلب پشتیبانی آنان از انقلاب مردم ما صورت می گیرد، به شدت سرکوب می کند و با اخراج، زندان، شکنجه و بسیج عناصر لمپن و ناآگاه علیه دانشجویان میهن پرست ایرانی با آنها مقابله می کند. امپریالیست ها تاکنون بارها با تطمیع عناصر لمپن و ناآگاه و از طریق پخش پول بین آنها گروه هایی را علیه نمایش ها و تظاهرات ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی و سایر دانشجویان انقلابی جهان که بمنظور دفاع از انقلاب ایران صورت می گیرد تحریک کرده و به ایجاد درگیری پرداخته اند. آنها سپس با استفاده از ماشین تبلیغاتی خود کوشیده اند که

افکار عمومی مردم آمریکا را به دفاع از گروه های اوپاش و مهاجم جلب کرده و به ضدیت با انقلاب ایران بکشانند. اخیراً نیز دادستان کل پیشین ایالات متحده آمریکا اعلام داشته است که: " آمریکا باید به کوشش خود برای اخراج حدود ۶۰۰۰ ایرانی که بطور غیرقانونی در آن کشور بسر می برند، ادامه دهد" البته کاملاً واضح است که این ۶۰۰۰ نفر ایرانی هستند که علیه سیاست های تجاوزکارانه آمریکا نسبت به مردم میهن ما دست به اعتراض و افشاگری زده اند و گرنه از نظر امپریالیست ها سرمایه داران فراری، ساواکیها و همه خائنین به خلق حق دارند " بطور قانونی" ایالات

متحده آمریکا را به کانون توطئه علیه انقلاب ایران تبدیل کرده و مورد حمایت همه جانبه و پذیرائی گرم امپریالیست های آمریکائی نیز قرار گیرند. دولت جمهوری اسلامی ایران باید بگونه ای بسیار فعال تر از حقوق دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا دفاع کند و علیه سیاست فشار و تضییقی که به دانشجویان ایرانی وارد می شود، دست به اعتراض و افشاگری بزند و بدین ترتیب با سیاست امپریالیست های آمریکائی که رو در رو قرار دادن مردم آمریکا در برابر دانشجویان ایرانی و تحریک آنان علیه انقلاب ایران است نیز مبارزه کند. ما بار

دیگر اعلام می کنیم که لازمه مقابله با تهاجمات تبلیغاتی امپریالیسم و دفاع از حقوق ایرانیان میهن پرست مقیم آمریکا، درپیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال و برقراری رابطه گسترده با نیروهای انقلابی جهان و از جمله احزاب، سازمان ها و محافل انقلابی و ترقیخواه ایالات متحده آمریکا می باشد سازمان ما بنوبه خود ضمن پشتیبانی از مبارزات دانشجویان میهن پرست ایرانی در آمریکا، فشارهای وارده نسبت به این دسته از هم میهنان ما را توسط امپریالیست های طرفدار " حقوق بشر" محکوم می کند سازمان ما همه دانشجویان میهن پرست مقیم آمریکا را صرف نظر از اختلافات عقیدتی و مسلکی به اتحاد و تشدید مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و تلاش برای شناساندن حقایق انقلاب ایران به مردم آمریکا دعوت می کند.

# از جبهه میهنی عراق برای سرنگونی رژیم صدام قاطعانه حمایت کنیم

## منشور جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق

### منشور جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق

جبهه ایستاده‌اند و تاکنون موفق شده‌اند حزب الدعوه را به گفتگوی متقابل و برخی همکاری‌ها با جبهه جلب نمایند.

احزاب و گروه‌های تشکیل دهنده جبهه میهنی از سابقه مبارزاتی طولانی برخوردار بوده و بخش بزرگی از مردم عراق را پشت سر دارند که از جمله آن حزب کمونیست عراق با پشتوانه نزدیک به نیم قرن پیکار مداوم علیه امپریالیسم و ارتجاع در عراق است که تاکنون در سنگر دفاع از آزادی و استقلال عراق شهدای بیشماری نثار کرده‌است. نادیده گرفتن وزن و اعتبار نیرومند نیروهای تشکیل دهنده جبهه میهنی در جامعه عراق و تکیه بر تنگ‌نظری‌های گروهی و مسلکی، به وحدت عمل نیروهای انقلابی و ترقیخواه در عراق آسیب وارد کرده و پیوند مبارزاتی انقلاب ایران و عراق را تضعیف می‌نماید. متأسفانه سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران در برخورد با نیروهای متشکل در جبهه میهنی عراق از چنین جنبه‌هایی برخوردار است. این سیاست تمام هم خود را متوجه حمایت از نیروهای نظیر حزب الدعوه و پیکار اسلامی عراق نموده و در موارد متعدد دیگر جریان‌های را مورد حمایت قرار داده که از کمترین پایگاه مردمی در عراق برخوردار نیستند و به صرف ادعای اسلامی و طرح شعارهای مذهبی بخش قابل ملاحظه‌ای از کمک‌های رژیم جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند. ما چنین سیاستی را که در برخورد با انقلاب افغانستان ماهیتی کاملاً ارتجاعی داشته است شایسته انقلاب بزرگ مردم ایران نمی‌دانیم و دولت جمهوری اسلامی را دعوت می‌کنیم که با درک نقش و اهمیت هریک از نیروهای انقلابی و ترقیخواه تشکیل دهنده جبهه میهنی فارغ از تعصبات و تنگ‌نظری‌های گروهی و با توجه بدین واقعیت بسیار روشن که در جامعه عراق حزب الدعوه و سایر نیروهای اسلامی به تنهایی هیچگاه نمی‌توانند امر سرنگونی رژیم صدام را به انجام رسانند، جبهه میهنی عراق را مورد حمایت همه‌جانبه خود قرار داده و به سهم خود در تامین وحدت عمل نیروهای انقلابی عراق کاملاً برآورد. جبهه میهنی با توجه به نقش و اهمیت انقلاب ایران، حمایت همه‌جانبه از انقلاب ایران را وظیفه مبرم خود می‌داند. بدین لحاظ در منشور جبهه ماده جداگانه‌ای بدین امر اختصاص یافته است و اعلام شده است که: تحکیم روابط و پیوند مبارزاتی با انقلاب ایران و تقویت آن در مبارزه با امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بقایای نظام شاهنشاهی سرنگون شده برای تحقق کلیه هدفهای آن در پیشرفت اجتماعی و دمکراتیک و در تضمین حقوق ملی و دمکراتیک برای کلیه خلق‌هایی که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند؛ اهداف جبهه میهنی است.

از آنجا که منشور جبهه میهنی در ایران انتشار نیافته و نظر به اهمیت این منشور بعنوان یک سند تاریخی در مبارزات آزادی‌بخش مردم منطقه، جهت تحکیم همبستگی و پیوند با آرمان جبهه میهنی-دمکراتیک ملی عراق ما متن کامل منشور جبهه را منتشر می‌نمائیم.

این سند همچنین بیانگر برنامه کامل دمکراتیک ملی و نمونه‌ای از وحدت عمل رشد یافته نیروهای تشکیل دهنده جبهه است که باید سرمشق تمام مبارزان راه آزادی و استقلال ملی در تمام کشورها قرار گیرد.

نیروهای انقلابی و ترقیخواه عراق پس از سالها مبارزه علیه رژیم‌های مرتجع حاکم عراق و در ادامه تلاش تاریخی خود جهت تامین وحدت عمل همه مبارزین راه آزادی و استقلال ملی، در آخرین گردهمایی خود در سوریه (دمشق) موفق شدند جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق را تشکیل دهند. احزاب و گروه‌های عراقی تشکیل دهنده جبهه عبارتند از: حزب سوسیالیست بعث عراق (جناح ترقیخواه و مخالف رژیم صدام)، حزب کمونیست عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق، حزب سوسیالیست متحد کردستان، جنبش سوسیالیستی عرب، کنگره ملی سوسیالیستها، ارتش آزادیبخش عراق، دمکراتهای مستقل و حزب مستقل دمکرات عراق.

تشکیل این جبهه بدون شک در مبارزه مردم عراق علیه سلطه امپریالیسم، یک رخداد بزرگ تاریخی است که نقش قاطعی در سمت‌گیری ترقیخواهانه انقلاب عراق برجای می‌گذارد.

مردم ایران که در نتیجه تجاوز امریکائی رژیم صدام لطافت شدیدی متحمل شده‌اند عمیقاً درک می‌کنند که رژیم‌های ارتجاعی و دست نشانده همچون حربه‌ای در دست امپریالیسم جنایتکار امریکا علیه نیروهای ترقیخواه و علیه جنبش‌ها و انقلابات رهایی‌بخش عمل می‌کنند. مردم ما عمیقاً درک می‌کنند که چگونه شکست و نابودی رژیم‌های مرتجع منطقه استقلال و آزادی را به این کشورها باز می‌گرداند. انقلاب ایران که از جانب رژیم‌های ارتجاعی و دست نشانده در منطقه محاصره شده‌است، باید با تمام نیرو از مبارزه مردم این کشورها و کشورهای ترقیخواه و از بند رسته منطقه علیه چنین رژیم‌هایی قاطعانه حمایت کند. در این میان با توجه به نقشی که رژیم صدام علیه انقلاب ما به عهده گرفته است، حمایت از مبارزه مردم عراق بخاطر سرنگونی رژیم صدام در درجه اول اهمیت قرار دارد. حمایت همه‌جانبه از جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق و سایر نیروهای ملی و ترقیخواه در عراق یک وظیفه اساسی است که باید بر اساس حفظ استقلال و احترام به حق حاکمیت مردم عراق بر سرنوشته خویش انجام پذیرد.

سازمان ما ضمن حمایت قاطعانه از جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق طرفدار آن است که صفوف جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق تحکیم یافته و نیروهای بیشتری از مدافعین آزادی و استقلال ملی را در خود جای دهد.

ما می‌دانیم که مبارزه در راه تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی با مشکلات بزرگی مواجه است. اختلافات فرعی، تنگ‌نظری‌های گروهی و عدم شناخت کافی از دوستان و دشمنان انقلاب، می‌تواند به وحدت عمل نیروهای انقلابی و ترقیخواه در مبارزه علیه دشمن مشترک لطافت بسیار جدی وارد نماید. در اینجا نیروهای انقلابی که در پیشاپیش تحولات مترقی جامعه قرار دارند، باید تمام هم خود را صرف این نمایند که همه نیروهای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیست در جبهه واحد گرد آیند. جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق در این راه به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته و تاکنون موفق گردیده است که بیشترین نیروهای مدافع آزادی و استقلال ملی در عراق را متحد سازد. اما بر سر راه گسترش همه‌جانبه جبهه مشکلات چندی وجود دارد. حزب الدعوه که در میان مردم شعیب عراق از نفوذ و اعتبار برخوردار است، هنوز حاضر به شرکت در جبهه میهنی دمکراتیک ملی عراق نشده و رهبران آن همچنان بر جدائی حزب الدعوه از جبهه اصرار می‌ورزند. از طرف دیگر احزاب و گروه‌های متشکل در جبهه میهنی دمکراتیک ملی بر ضرورت شرکت حزب الدعوه در

### مقدمه:

مسئله هم‌پیمانی و جبهه میهنی مقام مهمی در تاریخ جنبش میهنی عراق اشغال کرده‌است و هنوز با توجه به ماهیت و سرشت وظایف میهنی و ملی و اجتماعی که تحقق آن نیاز به تجهیز همه امکانات و بسیج همه گروه‌های اجتماعی مخالف امپریالیسم و پیشاهنگان آن دارد، از جانب کلیه گروه‌های سیاسی، نیروها و احزاب میهنی و ملی ترقیخواه به مسئله جبهه اهمیت زیادی داده می‌شود. تجارب مبارزاتی خلق ما و جنبش ملی ثابت کرده‌است که پیروزی‌ها و دستاوردهائی که خلق ما به آن رسیده، همواره ناشی از هماهنگی، همکاری و هم‌پیمانی فی‌مابین احزاب و نیروهای ملی بوده‌است. عقب‌نشینی‌ها و شکست‌های جنبش نیز همیشه بر اثر عدم هماهنگی و هم‌پیمانی و همکاری و اختلافات و درگیری‌های درونی احزاب و نیروهای ضد امپریالیسم با هم و یا مشغول شدن آنان به مسائل درجه دوم و غیر اصولی بوده‌است، به نحوی که این اختلافات بر مبارزات نیروها و احزاب بر ضد استعمار جدید و صهیونیسم و ارتجاع اثر منفی گذاشته است.

رژیم‌های کهنه‌پرست و دیکتاتوری که یکی پس از دیگری در عراق قدرت را به دست گرفته‌اند و به ویژه رژیم دیکتاتوری حاکم، از این اختلافات بهره برداری کرده و برای ضربه زدن و نفوذ به داخل احزاب و گروه‌ها برای تضعیف وحدت نیروهای ملی و تخریب و تشدید ترور و سرکوب احزاب و گروه‌ها به اختلافات دامن زده‌اند. هم‌پیمانی و تشکیل جبهه همیشه بخاطر وجود دشواری‌هایی که جنبش ملی با آن مواجه بوده و استمرار و تشدید توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بر ضد جنبش آزادیبخش میهن عربی به ویژه علیه خلق عرب فلسطین به صورت یک وظیفه میهنی و فوری درآمده است.

جنبش میهنی عراق به عنوان جزئی از جنبش آزادیبخش میهن عربی و جنبش انقلاب جهانی، از انقلاب ژوئیه ۱۹۶۸ با مبارزات پیگیر و از خودگذشتگی‌های توده‌های مردم کشورمان اعم از کرد و عرب و دیگر اقلیت‌های ملی به رهبری سازمان‌های میهنی و ملی که در این مبارزات شریک بوده‌اند به پیروزی‌ها و دستاوردهای مهمی دست یافته است ولی هنوز در برابر جنبش میهنی وظایف ملی، اجتماعی و میهنی بزرگی قرار دارد و تحقق این وظایف به یک پیمان مشترک که طبقه کارگر، کشاورزان، خرده - پوزروازی شهری و گروه‌های ملی ترقیخواه پوزروازی متوسط را در برگیرد، نیاز دارد. چنین پیمانی امکانات، انرژی و کوشش همه نیروهای خلق: احزاب، سازمان‌های میهنی و ملی ترقیخواه را بدون استثنا و بدون کم‌بها دادن به نقش هر یک از گروه‌ها سازمان‌ها و احزاب بسیج می‌کند زیرا هیچ یک از احزاب به تنهایی نمی‌توانند در شرایط کنونی کشور پیروزمندانه وظایف انقلابی میهن دمکراتیک را انجام دهند و آرمان‌های خلق عراق را با واژگون کردن رژیم دیکتاتوری مخالف مصالح عراق با برپائی یک رژیم دمکراتیک در عراق و اعطای خودمختاری حقیقی به کردستان، انجام دگرگونی‌های اجتماعی عمیق، شرکت در نبرد ملی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آزادی کلیه اراضی اشغالی و غصب‌شده عربی و فلسطین، حمایت از خلق عرب مبارز فلسطین، فراهم کردن امکانات بازگشت خلق فلسطین به میهنش و حق



**مشهور جبهه میهنی** ...  
تعیین سرنوشت خویش به دست خود، ایجاد یک دولت ملی مستقل در مسیر وحدت عربی بر پایه های دموکراتیک و مبارزه پیگیر و سرسختانه با امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع را تحقق بخشد.

**بحران سیاسی و اجتماعی**  
نتیجه حتمی سیاست رژیم حاکم است

رژیم دیکتاتوری بعنوان دشمن مصالح خلق که اساسا نماینده بورژوازی بوروکرات طفیلی است و وابسته به استعمار نو می باشد، با سیاست های خائنه (میهنی و ملی) موجب شده که عراق نتواند در مبارزه خلق های عرب علیه دشمنان مشترک یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع نقشی داشته باشد. سیاست های این رژیم سبب شده که کشور ما در بحرانی سیاسی و اجتماعی غوطه ور شود که از مظاهر آن سلب حقوق مردم عراق در اداره امور خود و قبضه کردن قدرت سیاسی و تسلط بر ارگان های دولتی از جانب گروهی است که جدا از توده مردم عراق است و در میان مردم پایگاهی ندارند. از دیگر مظاهر این حاکمیت ایجاد موج سرکوب، خفقان و ارباب فاشیستی است که بر مردم عراق و همه نیروهای مترقی، احزاب سیاسی، میهنی، دموکراتیک، سوسیالیستی و انقلابی تحمیل شده است. رژیم حاکم کلیه حقوق و آزادی های دموکراتیک را مورد تجاوز قرار داده و برای حفظ قدرت انحصارطلبانه و ترور و ارباب فاشیستی از وحشیانه ترین قوانین استفاده می کند. هیئت های تحقیق و دادگاه های ویژه ای که این قوانین را اجرا می کنند، از رعایت ساده ترین اصول و امکانات عدالت و قانون خودداری می کنند. رژیم حاکم به جنگ ناپودکننده علیه خلق کرد، ستم ملی، کوچ اجباری آنان از سرزمین خود ادامه می دهد و حق طبیعی خلق کرد را در داشتن خودمختاری نادیده گرفته است. رژیم سیاست تبعیض دینی و مذهبی را در برابر اکثریت قاطع توده مردم در پیش گرفته و با پذیرش قرارداد خائنه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره از احقاق حقوق خلق عراق کوتاهی کرده و از اعمال حاکمیت کشور بر اراضی و آبهای عاجز مانده است. رژیم عراق با ریخت و پاش و اسراف، ثروت های نفتی کشور را در خدمت انحصارات نفتی امپریالیستی و حفظ قدرت گروه حاکم وابسته (طفیلی) قرار داده است. از عواقب این بحران که اکثریت مردم کشور با آن دست به گریبان هستند، سختی زندگی و تشدید بحران معیشت و افزایش سرسام آور هزینه مسکن، حمل و نقل، خدمات و موارد هولناک دیگری است که کشور با آن مواجه شده است.

سیاست داخلی رژیم در سیاست خارجی عراق در سطح جهان و دنیای عرب نیز انعکاس یافته است. همکاری و هم پیمانی عراق با سازمان های ارتجاعی و سرسپرده به امپریالیسم، مقابله با جبهه پایداری و توطئه علیه اعضای جبهه به ویژه سوریه عربی و جمهوری دموکراتیک یمن، دشمنی با جبهه دموکراتیک یمن شمالی، کوشش برای شعله ور کردن آتش اختلافات بین اعضای جنبش آزادیبخش میهن عربی، فعالیت در جهت تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین، مقابله با کنگره خلق عرب و سعی در ایجاد انشعاب در کنگره و تشکیل یک سازمان تروریستی به موازات آن که به دستور حکام بغداد علیه رژیم ها و حرکت های ترقیخواهانه توطئه چینی کند و مبارزه با جنبش های انقلابی در تعدادی از کشورهای عربی منطقه تبلور این سیاست است. این امر در پشتیبانی از رژیم شاه ایران تا آخرین روز سرنوشتی آن و مقابله و دشمنی با انقلاب ایران و فراهم کردن دشواری های در برابر آن و آواره کردن هزاران نفر از هم میهنان عراقی از این کشور و موضع دشمنانه عراق نسبت به انقلاب افغانستان به خوبی نمایان می باشد.

فعالیت عراق در جهت اختلال و تخریب روابط دوستانه این کشور با کشورهای سوسیالیستی و همکاری فعالانه عراق با امپریالیسم جهانی و خدمت به برنامه های امپریالیسم در سطح منطقه به صورت مختلف، از دیگر نمودهای سیاست خارجی رژیم حاکم در بغداد می باشد.

حل این بحران در جهت خدمت به خلق عراق و بهسرفت کشور، تشکیل یک جبهه میهنی دموکراتیک که همه احزاب و سازمان های سیاسی مخالف با امپریالیسم و مومن به دموکراسی را دربرگیرد، ایجاد

می کند. این جبهه از همه روش ها و از جمله مبارزه مسلحانه برای سقوط رژیم دیکتاتوری خائن و تشکیل یک دولت ائتلاف ملی و مومن به حقوق خلق و آزادی های دموکراتیک و اعطای خودمختاری حقیقی به کردستان استفاده می کند. جبهه برای تحقق خواست های انقلاب ملی - دموکراتیک و فراهم آوردن امکانات مادی و اجتماعی لازم برای بنای یک جامعه سوسیالیستی در کشور فعالیت می کند.

### جبهه: رهبری مشترک برای مبارزه خلق

جبهه میهنی برای مبارزه خلق در راه تحقق اهداف این میثاق (منشور جبهه) و یا اساسنامه جبهه) دست به تشکیل یک رهبری مشترک زده است. نقش هر حزب یا سازمان در رهبری جبهه محدود و مشروط به شرط قبلی نیست و تنها سیاستی که هر حزب بخاطر آن مبارزه می کند و مسئولیتی که دارد و قربانی هایی که برای تحقق سیاست خود و اجرای مسئولیت هایش داده است و توانائی در آماده کردن مردم برای مبارزه و اعتمادی که خلق به وی دارد، معیار و ملاک شرکت در جبهه خواهد بود. طبیعی است که جبهه استقلال سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی و فعالیت مستقل هر یک از اعضا را پذیرفته و اعضای جبهه مستقلا می توانند اصول و هدف های سیاست مستقل خود را در کوتاه مدت و درازمدت تبلیغ و توده مردم را به پذیرش آن دعوت کنند.

انتقاد سازنده با احساس مسئولیت در برابر خلق و منافع اساسی طبقه کارگر، عنصر مهمی در تقویست و تحکیم هم پیمانی اعضای جبهه و فعالیت مستقل و انتقاد سازنده در چهارچوب میثاق جبهه می تواند به بهترین وجه در خدمت تحقق آرمان های مشترک اعضای جبهه باشد.

جبهه میهنی دموکراتیک ملی عراق بر استقلال خود و تعهد در برابر اصول استقلال و حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی دیگران تاکید می کند و برای تحکیم پیوندهای مشترک و پیگیری سیاست همکاری و تفاهم جبهه با نیروهای ترقیخواه عرب و جهان کوشش می نماید.

### فصل اول:

#### دموکراسی و حکومت ائتلافی

خلق ما در طول ۶۰ سال گذشته برای کسب آزادی حقوق دموکراتیک و اداره سرنوشت خود به مبارزه ای پیگیر و بی امان دست زده و در این راه قربانی زیاد داده است اما رژیم های ارتجاعی و دیکتاتوری و راست به قلع و قمع آزادی های خلق و سلب حقوق مردم و زیر پا گذاشتن اراده مردم ادامه داده اند. رژیم حاکم برای تسلط بر مردم عراق و بازی گرفتن سرنوشت ملت، راه ارباب، سرکوب خونین خلق عراق و استبداد سیاسی را در پیش گرفت اما مسئله دموکراسی سیاسی و حق مردم در برپائی حکومتی که منعکس کننده اراده و آرمان های مردم باشد. به صورت یک مسئله اساسی و فوری برای عامه مردم و نیروهای ملی کشور باقی ماند. مبارزات خلق های عراق، حکام مرتجع را ناچار کرد که بعضی از حقوق و آزادی ها را در بعضی از دوره های مبارزات خلق ما بپذیرند ولی خلق همچنان از حق بهره روری از آزادی ها و حقوق دموکراتیک خود محروم مانده و به مبارزه برای کسب دموکراسی سیاسی - حقوق و آزادی های سیاسی اساسی و شیوه ها و روش های حکومت و وسیله ای برای اداره امور خود ادامه داد.

علیرغم پذیرش منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر وسیله عراق و لزوم پایبندی به آن، دولت های عراق به راه نقض این قوانین جهانی و تجاوز به آن ادامه داده اند.

رژیم دیکتاتوری حاکم سیاست های سرکوبگرانه و تروریستی و شیوه های فاشیستی را تا حدی تشدید نموده که تاکنون بی سابقه بوده است.

خلق ما از کلیه حقوق دموکراتیک و آزادی های قانونی محروم شده و حق خلق در اداره امور خویش به دست خود، زیر پا گذاشته شده و اراده و خواست مردم تحریف شده است.

نیاز مبرم خلق ما به آزادی های سیاسی و اصرار بر تحقق آن در حیات سیاسی و اداره کشور چنان است که این مسئله را در راس مسایل مهمی که خلق برای آن مبارزه می کند، قرار داده است. به همین جهت جبهه

میهنی دموکراتیک مبارزه می کند برای:  
اولا سرنوشتی رژیم دیکتاتوری و برقراری یک حکومت ائتلاف ملی و دموکراتیک که مومن به حقوق خلق و آزادی های دموکراتیک باشد. جبهه در سیاست و برنامه خود به انجام تکالیفی که منشور جبهه و هدف های آن در سطح کشور، جهان و دنیای عرب به عهده جبهه گذاشته است، پایبند می باشد.

ثانیا نابودی همه مظاهر و آثار حکومت دیکتاتوری و سیاست های دشمنانه آن نسبت به آزادی های خلق و حقوق ملی دموکراتیک به صورت زیر:

۱- پایان دادن به تمام مظاهر دیکتاتوری در ارگان های دولتی و سازمان های سندیکائی و رفع ستم ملی از خلق کرد و دیگر اقلیت های ملی و تصویب و اجرای قانون خودمختاری کردستان به صورتی که در این منشور پذیرفته شده و از بین بردن تمام آثار ستم ملی، دینی و مذهبی.

۲- پایان دادن به وضع استثنائی (شرایط ویژه) و لغو کلیه قوانین و دستورالعمل ها و انحلال کلیه موسساتی که برای تدوین و اجرای این قوانین در نظر گرفته شده است.

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازداشت - شدگان سیاسی از طریق عفو عمومی فوری و همه - جانبه.

۴- بازگرداندن کلیه کسانی که به دلایل سیاسی منفصل خدمت شده و افرادی که تحت پیگرد سیاسی می باشند اعم از کشوری و لشکری به وظایف، کارها مدارس و آموزشگاه های خود.

۵- انحلال دادگاه ها و هیئت های ویژه و قوانین و نهادهای محدود کننده آزادی های دموکراتیک.

۶- پاکسازی ارگان های دولتی از عناصر مرتجع و فاسد و کسانی که مرتکب جرایم علیه خلق شده و تحویل آنان به دادگاه های انقلابی.

۷- تصویب قانونی که حقوق شهدای جنبش میهنی را تضمین کند و برای خانواده شهدای جنبش، امکانات زندگی شرافتمندانه ای فراهم شود.

۸- بازگرداندن کلیه مهاجرین، آوارگان و تبعید شدگان به داخل و خارج عراق، به محل سکونت خود و برگرداندن حقوق و اموال آنان.

ثالثا مبادرت به اشاعه دموکراسی در زندگی اجتماعی و در سطح کشور از طریق:

۱- آزادی تاسیس و فعالیت مستقل سیاسی احزاب و جمعیت های ملی.

۲- آزادی کامل برای کارگران، کشاورزان، دانشجویان، جوانان، معلمان، زنان و دیگر گروه های خلق در برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک و تاسیس سندیکاها و اتحادیه ها و جمعیت های صنفی و سیاسی.

۳- آزادی مطبوعات و انتشارات و اجتماعات و تظاهرات و اعتصابات.

۴- تضمین آزادی انجام و برگزاری شعائر و مراسم دینی و مذهبی برای کلیه هموطنان.

۵- انتقال کشور به شرایط قانونی دموکراتیک از طریق گذراندن (وضع) قانونی دموکراتیک برای انتخاب مجلس ملی موسسان بمنظور تصویب قانون اساسی دایمی بر اساس حق انتخاب عمومی و مساوی و با رای مخفی و تضمین آزادی های انتخاباتی برای احزاب ملی، انتخاب کنندگان و انتخاب شوندها و تاسیس مجلس قانونگذاری در منطقه کردستان عراق بر همان اساس و تضمین حقوق اداری و فرهنگی برای اقلیت های ملی.

رابعا بازداشتن نیروهای مسلح از انجام وظایف سرکوبگرانه و پلیسی و آماده کردن آن برای انجام نقش میهنی خود در حفظ استقلال و حاکمیت ملی و نقش ملی آن در مبارزات امت عربی (خلق های عرب) علیه دشمن صهیونیستی و امپریالیسم و برنامه های توسعه طلبانه آن و سهیم شدن ارتش عراق در جبهه پایداری برای خنثی کردن توطئه های استعماری و ارتجاعی بر ضد جنبش آزادیبخش میهن عربی.

### فصل دوم:

#### حل مسئله کردستان

مسئله کردستان همواره یکی از مسائلی بوده که کشور ما با آن مواجه بوده است و به حل دموکراتیک در رابطه با منافع خلق های عراق اعم از کرد و عرب و



هنشور جبهه میهنی . . . بقیه از صفحه ۱۴

اقلیت‌های ملی دیگر نیاز دارد. تاریخ جدید عراق ثابت می‌کند که ستم ملی بر خلق کرد و اقدام به جنگ تجاوزکارانه علیه آن خواه به دست حکومت‌های مرتجع و وابسته و خواه به دست حکومت‌های دیکتاتوری مخالف مصالح خلق با سلب حقوق و آزادی‌های دمکراتیک تمام مردم عراق و سرکوب و فشار بر همه نیروهای میهنی و ملی ترقیخواه همراه بوده و کشور را از حرکت به سوی آینده‌ای بهتر بازداشته است. از این رو جنبش میهنی ما در برابر سیاست‌های ارتجاعی و جنگ تجاوزکارانه رژیم حاکم علیه خلق کرد، تحقق شعار زیر را در مد نظر دارد. "دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان" با تاکید بر اینکه "مسئله کرد" در عراق جزئی از مسئله کلی یک عراق ملی و دمکراتیک است و تضمین اعطای حقوق ملی خلق کرد با تحقق دمکراسی در عراق ارتباط ناگسستنی دارد.

راه تحقق حقوق ملی خلق کرد همان راه مبارزه مشترک از جانب خلقهای کرد و عرب در راه ایجاد یک رژیم دمکراتیک برای تمام مردم عراق (در سراسر عراق) است که در آن خلق کرد از حقوق ملی خود بر اساس طرح خودمختاری کردستان بهره‌مند خواهد بود. رژیم دیکتاتوری حاکم ثابت کرده است که دشمنی حکومت کنونی عراق با خلق کرد و حقوق عادلانه آن از رژیم‌های ارتجاعی پیشین بیشتر و شدیدتر است. این رژیم تنها به زیرپا گذاشتن و نادیده گرفته حقوق خلق کرد اکتفا نکرده است بلکه اقدام به نابودی خلق کرد و انهدام شخصیت ملی و مستقل ملت کرد کرده است. رژیم حاکم بر عراق تنها به استفاده از نیروهای دولت عراق علیه خلق کرد اکتفا نکرده است بلکه کوشش نموده که شیوه استعماری قدیم را در هم پیمانی با حکومت‌های ارتجاعی ترکیه و ایران (در زمان شاه) برای محاصره کردستان و مبارزه با جنبش آزادیبخش کردستان احیاء کند و به این منظور موافقتنامه‌های خائنانه با رژیم ارتجاعی (سابق) ایران و ترکیه منعقد نموده و امتیازات اقتصادی و ارضی به آنها داده است. قرارداد خائنانه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزایر این سیاست رژیم را آشکار کرده است. در مبارزه علیه این رژیم تمام نیروهای دمکراتیک خلق ما اعم از کرد و عرب دست به عملیات مشترک زده و روز به روز توده‌های خلق بر این فکر راسخ‌تر می‌شوند که راه تحقق حقوق ملی خلق کرد همان راه هم پیمانی پایدار جنبش ملی ترقیخواه کرد با مجموع نیروهای خلقی، میهنی، دمکراتیک و ملی ترقیخواه در چهار چوب جبهه میهنی دمکراتیک است که برای سقوط رژیم دیکتاتوری و تشکیل حکومت ائتلاف ملی و حل مسئله کرد به شکل سالم (صلح‌جویانه) و دمکراتیک مبارزه می‌کند و این با اقدام به اصول زیر عملی می‌شود:

۱- گذراندن قانون جدید و دمکراتیک که اداره امور خلق کرد به وسیله خود مردم کردستان و انتخاب نمایندگان خود با آزادی کامل تضمین شود.

۲- برپائی یک مجلس اجرائی (منظور هیئت اجرائی - کار) منبعت از مجلس قانونگذاری منتخب مردم که دارای بودجه خاصی باشد و درآمدهای خود را از مالیات‌های پیش‌بینی شده محلی و اختصاص دادن سهمی از بودجه عمومی کشور به کردستان به نسبت جمعیت منطقه کردستان در برابر جمعیت تمام عراق و در چهارچوب برنامه رشد عمومی کشور، تهیه می‌کند.

۳- تنظیم و اجرای یک برنامه رشد سریع اقتصادی مخصوص منطقه کردستان برای جبران بی‌توجهی‌ها و عقب‌ماندگی‌های حاصل از جنگ‌های تجاوزکارانه و سیاست تبعیض و ستم ملی اعمال شده بر خلق کرد و تادیه خسارات وارده به متضررین جنگ‌های تجاوز - کارانه کردستان.

۴- مرزبندی منطقه خودمختار کردستان بر اساس واقعیت‌ها و سوابق تاریخی و جغرافیائی بعد از برگشت منطقه به حالت عادی و بازگرداندن کسانی که مجبور به کوچ اجباری شده‌اند، به مناطق مسکونی خود و الفای سیاست کوچ اجباری و آواره کردن هموطنان و انهدام شخصیت ملی خلق کرد و کمر بند امنیتی دروغین که ارگان‌های دیکتاتوری به آن دست زده‌اند و جبران تمام آثار مترتب بر این سیاست‌ها در سایه برادری تاریخی کرد و عرب و اتکاء بر همه‌پرسی آزادانه در فضای دمکراتیک برای تعیین وضعیت مناطقی که مورد اختلاف است.

۵- واگذاری وظایف دولت مرکزی به هیئت اجرائی بجز در موارد دادگستری، دفاع، سیاست خارجی،

برنامه‌ریزی و طرح‌های اقتصادی عمومی و سیاست ارزی و پولی کشور.

۶- حق داشتن نماینده در ارگان‌های عالی حکومت مرکزی (مقننه، مجریه) به نسبت جمعیت منطقه کردستان و ممنوعیت هرگونه تبعیض در بین هموطنان عراقی به علت وابستگی‌های ملی، مذهبی و دینی.

۷- به رسمیت شناختن زبان کردی بعنوان زبان رسمی و تضمین حقوق خلق کرد در استفاده از زبان کردی در ادارات و امور آموزشی منطقه کردستان.

۸- توجه به زبان کردی و فرهنگ ملی کرد و اهتمام به نشر فرهنگ مترقی در کردستان و تاسیس مجتمع علمی کرد و گسترش و توسعه دانشگاه سلیمانیه به نحوی که جوابگوی نیازهای منطقه به کادرهای علمی و فنی باشد. دانشگاه سلیمانیه تابع هیئت اجرائی منطقه کردستان خواهد بود.

۹- تضمین آزادی تشکیل سازمان‌های سندیکائی، صنفی و خلقی در سطح منطقه کردستان و دارا بودن نمایندگانی در سازمان‌های سندیکائی و صنفی مرکزی در سطح عراق و دادن کمکهای لازم به آنها.

۱۰- فعالیت در جهت تقویت روح برادری عرب و کرد و مبارزه با مفاهیم و احساسات برتری طلبانه شوونیستی و دیدگاه‌های ناسیونالیستی تنگ‌نظرانه و تعصب ملی و تشدید مبارزه فکری برای استحکام روح برادری و وحدت ملی در بین کرد و عرب و سایر اقلیت‌های ملی برای تقویت زمینه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع.

۱۱- کوشش در جهت فراهم آوردن امکانات ضروری برای تقویت نیروهای پارتیزان و توانا کردن آن در انجام نقش مبارزاتی به عنوان جزئی از نیروهای انقلاب عراق و تقدیر از قهرمانی‌های نیروهای پارتیزان کردستان (پیشمرگه) که برضد رژیم دیکتاتوری قیام کرده‌اند. جبهه میهنی حقوق مبارزان قهرمان و شهدای بلندپایه را تضمین و به تشکیل واحدهای مسلح از نیروهای پیشمرگه بعنوان بخشی از نیروهای مسلح خلق عراق اقدام خواهد شد. جبهه، آموزش، تسلیح و تامین هزینه این نیروها را برای حمایت از دستاوردهای انقلابی - ترقی خواهانه و حاکمیت ملی عراق را به عهده می‌گیرد.

۱۲- تضمین حقوق اقلیت‌های ملی، دینی و مذهبی در کردستان عراق.

۱۳- تقویت و پشتیبانی از مبارزه خلق کرد در سایر بخش‌های کردستان برای به دست آوردن حقوق ملی و دمکراتیک خود.

فصل سوم:

### در راه اقتصاد ملی، مستقل، متوازن و شکوفا

کشور ما دارای همه پایه‌های لازم برای بنای یک اقتصاد ملی، متوازن، مستقل و شکوفاست ولی تسلط استعمار بر کشور ما در مدت زمانی طولانی و سیاست‌هایی که حکومت‌های بورژوازی و دیکتاتوری دنبال می‌کردند، سبب شد که این آرمان عمده که خلق ما سالهاست برای آن مبارزه می‌کند، تحقق نیابد. به رغم آزادی کشور ما از سلطه استعمار جهانی و سرنگونی نظام پادشاهی سرسپرده به استعمار و خروج عراق از پیمان بغداد و علیرغم کوشش‌هایی که برای آزادی و رهائی ثروت نفت از تسلط انحصارات نفتی در طول مبارزات میهنی عراق صورت می‌گرفت (از قانون شماره ۱۹۶۰/۸۰ تا آخرین قوانینی که برای ملی کردن بقایای تاسیسات نفتی که در دست شرکت‌های انحصاری بیگانه باقی مانده بود) سیاست نفتی کشور ما همواره در خدمت منافع و مصالح شرکت‌های انحصاری بیگانه بوده و اقتصاد ملی عراق همیشه یک اقتصاد نابسامان و بترکیب نامنظم و تابع بازارهای جهانی سرمایه‌داری بوده است.

اقتصاد ما بطور اساسی به استخراج و صدور نفت خام متکی بوده است بطوریکه نفت به منبع اصلی تامین بودجه عمومی کشور تبدیل شد. بعلاوه افزایش صدور نفت عراق به خارج موجب افزایش واردات کشور افزایش منبع تامین ارز خارجی، موازنه میزان پرداختها، تقویت ارز و غیره شد. همچنین فعالیت اقتصادی دولت مانند برنامه‌های عمرانی و توسعه "خطپ التمیمه" و سرمایه‌گذاری دولتی تحت‌الشعاع و ناشی از استخراج و صادرات نفت بوده و هزینه‌های آن از این راه تامین می‌شود.

سیاست اقتصادی ارتجاعی گروه حاکم خائن به سرعت اقتصاد عراق را به استعمارنو وابسته کرده تا زمینه وابستگی کامل سیاست کشور به امپریالیسم فراهم آید. این شیوه‌ها سبب شده که ملی کردن نفت در کشور ما از مضمون ترقیخواهانه پیش‌بینی شده برای آن یعنی تضمین حاکمیت کشور بر تولید، بازاریابی و فروش و توسعه صنایع نفتی بازداشته شود. افزایش تولید نفت و بالا رفتن قیمت‌های نفت در سالهای اخیر تا حدود ده برابر ثروت کلانی را در اختیار دیکتاتوری حاکم قرار داد که به عراق امکان می‌داد که منبعی برای کمک‌حقیقی به کشورهای برادر عرب که دارای نفت نیستند، باشد.

اگر این ثروت کلان و امکانات انسانی که به موازات آن در اختیار کشور است به شکل صحیح در فعالیت‌های عمرانی و رشد و توسعه کشور و با نکیه بر اصول برنامه‌ریزی علمی و حفاظت از ثروت ملی نسل‌های حال و آینده و مانند کشورهای مستقل و دمکراتیک تحت نظارت مردم به کار انداخته می‌شد، عراق امروز به یک کشور نمونه و مرفه تبدیل می‌گردید.

دیکتاتوری، ثروت‌های ملی را برای تقویت و گسترش ارگان‌های سرکوبگر و توطئه‌گر و جاسوسی و تبلیغات در راه تحکیم پایه‌های رژیم مصرف کرده و در این راه تا حد افسانه‌ای اسراف و زیاده‌روی نموده است: گروه حاکم صدها میلیون دینار را غارت و به خارج منتقل کرده است. دیکتاتوری حاکم در ثروت‌های کشور به نفع اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و شرکت‌های انحصاری و نمایندگان سیاسی آنها دخل و تصرف می‌کند همچنانکه هزاران میلیون دینار عراقی را در طرح‌هایی مصرف کرده است که نه ضرورت اقتصادی داشته و نه سودی جز وابسته کردن کشور به دول امپریالیستی داشته است رژیم حاکم با این سیاست‌ها گروه بزرگی از بورژوازی وابسته صاحبان سرمایه‌های میلیونی از کارمندان بوروکرات، وکلا و نمایندگان، دلالان و رشوه‌خواران به وجود آورده است.

نجات کشور از آثار خطرناک ناشی از تسلط استعمار و تمام سیاست‌های مخالف مصالح ملی و از جمله سیاست رژیم دیکتاتوری حاکم و درپیش گرفتن سیاست اقتصادی مترقی نیازمند توجه به تحقق وظایف و تکالیف انقلابی و میهنی - دمکراتیک و پایه‌ریزی بنیان‌های مادی کشور برای انتقال عراق به یک جامعه سوسیالیستی می‌باشد به همین جهت جبهه میهنی دمکراتیک مبارزه می‌کند در راه

۱- رهائی اقتصاد ملی از وابستگی به اقتصاد و بازار سرمایه‌داری جهانی و تحقق استقلال اقتصادی برای عراق.

۲- تکیه بر سیاست برنامه‌ریزی علمی مرکزی برای تضمین به‌کارگیری کامل تمام امکانات اقتصادی کشور و تامین کار برای تمام نیروی کار کشور و بهبود اداره اقتصاد و خاتمه دادن به اتکای کامل کشور به استخراج و صدور نفت.

۳- تقویت و گسترش بخش دولتی و تاکید بر نقش رهبری آن در کلیه بخش‌های اقتصادی کشور.

۴- اهتمام به بخش مختلط و بالا بردن قدرت تولید آن.

۵- حفظ و رعایت بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه و تکامل اقتصاد کشور و کمک به صاحبان صنایع کوچک و حمایت از تجار کوچک و کسبه و صاحبان حرفه‌های مختلف و تشویق آنان به جمع شدن در شرکت‌های تعاونی و پشتیبانی دولت از تعاونی‌ها.

۶- توسعه صنایع و اولویت دادن به صنایع سنگین و دگرگون کننده اساسی به‌ویژه پتروشیمی معادن و طرح‌های برق و انرژی.

۷- تکمیل ملی کردن تجارت خارجی و الحاق بخش‌های مهم تجارت داخلی که به زندگی مردم مربوط است به بخش بازرگانی دولتی و گسترش موسسات این بخش در زمینه بازرگانی خارجی و داخلی.

۸- درپیش گرفتن یک سیاست مالی صحیح به شیوه‌ای که از هدر رفتن و ریخت و پاش مالی اجتناب شود و متمرکز کردن ثروت کشور در صنایع و موسسات تولیدی و بازگرداندن توزیع داخلی به حدی که تفاوت فاحش درآمدها را محدود کند و از پیامدهای وخیم افزایش مخارج زندگی، گرانی، بحران مسکن، حمل و نقل و کمبود کالاهای ضروری جلوگیری کند.

۹- پی‌ریزی سیاست مالیاتی که بار سنگین را از کرده خانواده‌های کم‌درآمد بردارد و از خانواده‌ها

مشهور جبهه میهنی ۵۰۰ بقیه از صفحه ۱۵  
و صاحبان درآمدهای بزرگ، ارث و ترکه مالیات  
تصادفی وصول شود.

۱۰- کوشش در توسعه و همکاری و هماهنگی  
اقتصادی بین کشورهای عربی و فعال کردن بازار  
عربی مشترک بعنوان یک ضرورت اساسی در جهت  
اتحاد خلقهای عرب و همکاری متقابل و برادرانه  
کشورهای عرب آزاد شده و تحکیم روابط اقتصادی با  
کشورهای سوسیالیستی و کشورهای آزاد شده جهان سوم

## فصل چهارم:

### نفت و معادن

نظر به نقش حساسی که ثروت نفتی عراق در  
اقتصاد ملی دارد و بخاطر ضرورت تنوع دادن به منابع  
درآمد ملی و بهره برداری از ثروت های معدنی کشور به  
شکل عقلانی و منطقی و بهره گیری از درآمد نفت برای  
توسعه کلیه بخشهای اقتصادی کشور و اجتناب از  
ریخت و پاش در مصرف و افزایش هزینه صدور نفت و  
بازاریابی برای آن و نیز اتخاذ مواضع ضد میهنی و  
ضد ملی از جانب رژیم دیکتاتوری حاکم با کشیدن  
لوله های نفت از اراضی ترکیه و استان اشغال شده  
"اسکندرون" و در پیش گرفتن سیاست افزایش تولید  
نفت که به منافع ملی لطمه زده و در خدمت مصالح  
شرکتهای نفتی انحصاری می باشد و همچنین تشدید  
اختلافات با کشور برادر سوریه و متوقف شدن طولانی  
بهره برداری از لوله های نفتی که از اراضی سوریه عبور  
می کند و رهایی نفت عراق از وابستگی به بازارهای  
سرمایه داری، جبهه میهنی کوشش می کند:

۱- تبدیل عراق از یک کشور صادرکننده نفت خام  
به یک کشور صاحب صنایع پتروشیمی پیشرفته و با  
اقتصاد ملی در حال رشد و تکامل.  
۲- محدودیت تولید نفت به اندازه ای که محافظت  
از این ثروت ملی تضمین شود و به گسترش بخشهای  
دیگر اقتصاد باری رساند و در خدمت توجه سیاسی  
مترقیانه به کشور ما قرار گیرد.  
۳- کمک مالی، فنی و انسانی به شرکت ملی نفت با  
شیوه ای که بتواند صنعت نفت را در تمام مراحل  
کاوش، استخراج و بازاریابی به حرکت در آورده و  
شکوفه کند.

۴- هماهنگ کردن فعالیتها در زمینه صنایع نفت  
با کشورهای عربی آزاد شده به ویژه سوریه و دیگر  
کشورهای جبهه پایداری در راه ایجاد صنایع  
پتروشیمی و بالابندسازی برای صدور تولیدات و  
مشقات نفت و تقویت سازمان "اوپک" و فعالیت برای  
آزاد ساختن آن از نفوذ شرکتهای انحصاری و  
وابستگی آن.

۵- کوشش برای هماهنگی سیاست نفتی با کشورهای  
آزاد شده تولید کننده نفت و به ویژه کشورهای جبهه  
پایداری، ایران و دول سوسیالیستی و ایجاد یک بازار  
جهانی جدید برای نفت و پایان دادن به سیطره  
شرکتهای نفتی چند ملیتی.

۶- توسعه بهره برداری و سرمایه گذاری در استخراج  
معادن گزردی و دیگر معادن کشور و تکمیل تحقیق  
علمی و کاوش زمین شناسی برای اکتشاف از میزان  
محدول این معادن و امکانات استفاده از آن و انجام  
بهره برداری از این معادن با تحریم دادن امتیاز و یا  
مرجه که در حکم امتیاز باشد برای فعالیت این معادن.

## فصل پنجم:

### در راه اصلاحات ارضی ریشه ای

#### توسعه کشاورزی عمومی

توده دهقان و کشاورز در کشور ما همواره با وظیفه  
دشوار مبارزه برای نابودی کامل مناسبات شوم  
فئودالی و تکمیل اصلاحات ارضی رادیکال بعنوان  
یکی از تکالیف انقلاب میهنی دمکراتیک و گسترش  
تعاونی های دهقانی و ایجاد مزارع عمومی دولتی و  
اجتماعی با تکیه بر مبارزه کشاورزان زحمتکش و  
سازمان های دمکراتیک مواجه بوده است. تصور قبیله ای  
توده های کشاورز و محروم کردن آنان از حقوق  
دمکراتیک و تحمیل سیاست ترور و سرکوب بر کشاورزان  
مانع از ریشه کن کردن بقایای نظام فئودالی در  
روستاها شده و توده های وسیعی از کشاورزان فقیر و  
خوش نشینان و کارگران کشاورزی را از حق داشتن زمین

محروم کرده است و این در حالی است که هنوز یک  
سوم اراضی قابل کشت و غالباً حاصلخیز کشور در  
تصرف ملاکان و فئودالها می باشد.

به علت سیاست های ارتجاعی و بورژوازی مخالف  
منافع رنجبران که حاکمیت عراق در پیش گرفته است و  
هم اکنون یک خطر بزرگ کشاورزی عراق را تهدید  
می کند، توده کشاورزان با مشکلات متعدد زندگی  
مواجه شده و مجبور به مهاجرت به شهرها شده اند  
در همان حال تولیدات کشاورزی و دامی به حدی  
کاهش یافته که تاکنون در عراق بیسابقه بوده است به  
همین جهت جبهه میهنی دمکراتیک عراق در راه  
اصلاحات ارضی رادیکال و توسعه کشاورزی کشور به  
تحقق اقدامات زیر مبادرت می ورزد:

۱- بازگرداندن زمین های که در دست ملاکین  
است و بیشتر از میزانی می باشد که قانون پذیرفته  
است و توزیع آن در بین اقشار و گروه های کشاورز و  
تعمیم آن به باغات و مزارع.

۲- رفع ظلم و اجحاف از کشاورزان و الغای قانون  
دریافت آنچه که بنام "حصه الاداره" یا سهم اداری  
و "اجرت الماء" یا اجرت آب زمین های که آبیاری  
می شود.

۳- نابودی تمام آثار سیاست ستم ملی در مورد  
کشاورزان کرد که مجبور به مهاجرت شده اند و الغای  
قوانین شوونیستی که برای سلب اراضی از کشاورزان  
کرد تحت شعار "الاصلاح الزراعی" صادر شده است.

۴- احترام به مالکیت کشاورزان از هر قشر و  
گروهی.

۵- کمک به کشاورزان در ایجاد تعاونی های  
کشاورزی و کوشش در جهت تقویت تعاونی ها در  
زمین های فروش تولیدات آنها و پرداخت وام های  
اقساطی و فراهم کردن امکانات برای کشاورزان متوسط  
و فقیر که بهیچری تعاونی ها را به مهده بگیرند.

۶- توسعه مزارع دولتی و رها کردن آن از شیوه  
اداره بوروکراتیک و تشویق کشاورزان به ایجاد  
تعاونی های کشاورزی.

۷- تضمین حقوق دهقانان به تشکیل جمعیت های  
دهقانی و شرکت دادن کشاورزان به صورت عملی و  
اساسی در اجرای قانون اصلاحات ارضی.

۸- توجه به زنان کشاورز و تضمین حقوق آنان در  
عضویت در سازمان های دهقانی و حق آنان در بستن  
قرارداد و داشتن نسق در اصلاحات ارضی کشور و کار  
در تعاونی های زراعی و مزارع عمومی و دولتی و  
دریافت مزد مساوی با مردان در ازای کار مساوی  
۹- دادن کمکهای مالی و آموزشی در زمینه های  
مختلف به کشاورزان.

۱۰- توسعه و تکامل کشاورزی کشور از طریق ماشینی  
کردن آن و گسترش ایستگاه های ماشین آلات کشاورزی  
دولتی و اجاره این وسایل به تعاونی های کشاورزی با  
هزینه کمتر، بردن برق به روستاها و تشویق  
روستائیان به استفاده از کودهای کشاورزی، مبارزه با  
آفات گیاهی و اهتمام به توسعه طرح های کانال کشی و  
اصلاح اراضی کشاورزی کشور.

۱۱- مدرنیزه کردن روستاها با ایجاد دهکده های  
جدید و بردن آثار تمدن به روستاها و تامین مسکن،  
بهداشت، مبارزه با بیسوادی و بیماری های واگیر،  
افزایش و توسعه مدارس و آموزشگاه های کشاورزی و  
اولویت به پذیرش فرزندان کشاورزان در ورود به این  
آموزشگاه ها.

## فصل ششم:

### دگرگونی و دمکراتیزه کردن ارتش و نیروهای مسلح

تبدیل ارتش به یک نهاد انقلابی که معتقد به  
آزادی میهن و خلق و استقلال کشور و حاکمیت ملی  
باشد و از دستاوردهای توده مردم دفاع کند و فعالانه  
در مبارزه آزادیبخش خلقهای عرب برضد امپریالیسم  
جهانی، صهیونیسم شرکت کند و با عزم راسخ در راه  
آزادی فلسطین و تمام سرزمین های اشغالی و فصب  
شده عرب مبارزه کند. هدف فعالیت جبهه میهنی  
دمکراتیک عراق است و خود را ملزم به تحقق مسایل  
زیر می داند:

۱- پاکسازی ارتش و پلیس از فرماندهان مرتجع و  
عوامل شوونیست و تکیه بر معیار میهن پرستی و  
توانایی ها به هنگام پذیرش در دانشکده ها،  
آموزشگاه ها، مدارس نظامی و اشغال مناصب و باز  
گرداندن افسران و درجه داران ملی که از خدمت

اخراج شده اند.  
۲- پایه گذاری مجدد ارتش بر پایه های علمی و  
مسلح کردن آن به اسلحه های مدرن و تکنولوژی  
پیشرفته و بالا بردن توانائی آموزشی افراد با روحیه  
دشمنی و مبارزه با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم و  
ارتجاع و ریشه کن کردن انحطاط طلبی، زورگویی و  
خودخواهی های فرقه ای ( مذهبی )، منطقه ای و نژادی  
در داخل ارتش و در جمیع سطوح نظامی و از بین  
بردن تبعیض در بین افراد بخاطر وابستگی حزبی،  
سیاسی و ملی.

۳- تبدیل روابط حاکم بر اطاعت کورکورانه در بین  
افسران و درجه داران به روابط نظامی دمکراتیک  
بر اساس اطاعت و انضباط انقلابی و احترام به سربازان  
و عدم اهانت به آنان و اعطای حق دفاع از خود به  
سربازان در دادگاه های صالحه نظامی و شرکت افسران  
درجه داران و سربازانی که در کمیته های که راجع به  
شئون مختلف آنان فعالیت می کند.

۴- فراهم کردن فرصت های علمی برای درجه داران  
جهت بالا بردن توانائی ها و استعداد های نظامی خود  
و امکان صعود به درجات بالاتر برای آنان.

۵- استحکام پایه های وحدت و مبارزه مشترک بین  
مردم و ارتش و آموزش انقلابی و بالا بردن سطح  
فرهنگ مترقیانه ارتش و نیروهای مسلح دیگر بر اساس  
احترام به حقوق دمکراتیک خلق، نقش ملی و مترقیانه  
ارتش و هدفهایی که در این منشور ( اساسنامه جبهه )  
آمده است.

۶- انحلال سازمان های امنیتی و اطلاعاتی و  
ارگان های دولتی سرکوبگر موجود و تشکیلات گارد موزی  
و آنچه که بنام "جیش الشعبی" نامیده می شود، به  
خاطر جرافمی که مرتکب شده اند. بازسازی این  
موسسات و ارگان های امنیتی به نحوی که قدرت آنان  
را در مبارزه با شبکه های جاسوسی، تروریستی و  
تخریب تضمین کند. هدایت فعالیت این ارگان ها  
در خدمت خلق و کشور و رعایت آزادی هموطنان و  
احترام به حیثیت و امنیت آنان.

۷- آموزش و تجهیز و تسلیح توده های مردم در  
بخش های مختلف و سازماندهی آنان در نیروهای  
خلقی که بیانگر وحدت احزاب و نیروهای مولفه در  
این جبهه باشد.

## فصل هفتم:

### در جهت تضمین حقوق کارگران

#### و دیگر بخشهای خلق

کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان مانند دیگر  
گروه ها و اقشار خلق از آثار و عواقب سیاست  
تروریستی، تبعیض و محرومیت از حقوق اجتماعی و  
فرهنگی رژیم حاکم رنج می برند. این حق آنان است  
که در سازمان های دمکراتیک که استفاده از انرژی های  
سازنده را میسر می کند و نقش حقیقی و فعالانه و  
ابتکاری کارگران و دیگر بخشهای خلق را در زندگی به  
کار می گیرد و شرایط مناسب یک زندگی شرافتمندانه را  
برای آنان فراهم می آورد، متشکل شوند.

### الف - کارگران:

امروز نقش و اهمیت طبقه کارگر کشور ما روز به روز  
افزایش می یابد و از نظر زندگی سیاسی، اقتصادی و  
اجتماعی نقش طبقه کارگر از دیگر اقشار و طبقات  
حساس تر و مهم تر می شود. کارگران، امروز در تولید  
جدید کشور بزرگترین نقش را دارند و بخاطر آگاهی  
طبقاتی، قدرت سازماندهی مبارزات و وحدت و  
انسجام منافع و مصالح همه زحمتکشان کشور، در  
مبارزات برای تحقق وظایف انقلاب میهنی دمکراتیک  
در صنف مقدم نیروهای خلق ما قرار دارند.  
برای آنکه طبقه کارگر بتواند نقش خود را در تحقق  
وظایف میهنی و ملی و اجتماعی که توده های مردم  
برای آن مبارزه می کنند، انجام دهد  
جبهه هدف های زیر را تعقیب می کند:

۱- تضمین آزادی برپائی سندیکاهای کارگری و  
استقلال آن از حکومت.  
۲- تضمین حق اعتصاب و برپائی اجتماعات،  
تظاهرات و پخش و نشر برای طبقه کارگر.  
۳- حمایت از دستاوردهای قانونی که کارگران  
عراق در اثر مبارزات خود در زمینه های بازنشستگی،  
بیمه های اجتماعی و غیره به دست آورده و گسترش آن



## منشور جبهه میهنی ...

به نحوی که کارگران و از جمله کارگران کشاورزی را در بر گیرد و تضمین شرایط بهتر کار و تامین خدمات بهداشتی، مسکن و فرهنگی برای کارگران.

۴- تعیین یک حداقل دستمزد متناسب با هزینه زندگی و نفس کارها و نیز پذیرش قبلی افزایش دستمزد متناسب با بالا رفتن نرخ.

۵- حمایت از حقوق نوجوانان و برابری دستمزد زنان با مردان در مقابل کار مساوی.

۶- کوشش در جهت تحکیم و تقویت روابط سازمان‌های سندیکایی (سندیکاها) با سازمان‌های سندیکایی غرب و کشورهای مرفعی جهان

**ب- زنان:**

زن عراقی همراه با قشرهای خلقی دیگر نقش مهمی در دفاع از مسائل میهنی و ملی و اجتماعی دارد و مسئله آزاد شدن زن، از تکالیف مهمی است که خلق ما با آن مواجه است و این مسئله شرط ضروری برای قرار گرفتن کشور در مسیر پیشرفت اجتماعی می‌باشد. لذا جبهه برای تحقق این خواستها مبارزه می‌کند:

۱- تساوی مرد و زن در برابر قانون در کلیه حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

۲- حمایت از مادران و نوزادان و ممنوعیت اخراج و برکناری آنان در دوران حاملگی و زایمان و فراهم کردن تمام خدمات بهداشتی، اجتماعی مانند مهد کودک و کودکستان و دیگر مراکز پرورش اطفال و تامین خدمات بهداشتی مجانی برای زنان کارگر و اطفال آنان.

۳- تضمین حقوق زنان در ایجاد سازمان‌های دمکراتیک زنان برای دفاع از حقوق زن و مصالح زنان و شرکت دادن آنها در تمام کمیته‌هایی که راجع به امور آنان فعالیت می‌کند.

**ج- دانشجویان و جوانان:**

دانشجویان و جوانان قهرمانان در مبارزات ملی و میهنی خلق ما شرکت کرده و همواره در صف مقدم مبارزه بوده‌اند. از آنجا که جوانان و دانشجویان سازندگان حال و آینده هستند، رژیم دیکتاتوری حاکم آنان را از کسب حقوق دمکراتیک محروم کرده و برای تبدیل آنان به وسیله‌ای مطیع و فرمانبر در جهت اجرای اغراض و مصالح ضد خلقی، تاکنون دست به شیوه‌های متعدد ننگین و کثیفی زده‌است. لذا جبهه در این زمینه هدف‌های زیر را تعقیب می‌کند:

۱- بسیج جوانان و سازماندهی آنان برای مقاومت علیه سیاست‌های رژیم در زمینه‌های مختلف و متوجه کردن جوانان به سوی هدف‌های انقلابی و دمکراتیک.

۲- تضمین حقوق جوانان در شکل‌دهی سازمان‌های دمکراتیک برای وحدت صفوف و چاره‌جویی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و گسترش قابلیت‌های علمی و ادبی، ورزشی و فنی و دادن آموزش‌های فرهنگی انقلابی به جوانان و شرکت فعال آنان در اتحادیه جوانان عرب. تحکیم روابط با اتحادیه جوانان دمکرات جهان و دیگر سازمان‌های جوانان ترقیخواه در سطح جهان.

۳- تقویت سازمان‌های دانشجویی ترقیخواه به عنوان بخش مهمی از جنبش خلق و کوشش در متحد کردن این سازمان‌ها در اتحادیه دانشجویی تمام کشور و فعالیت برای تکمیل تاسیس اتحادیه دانشجویان عرب و تحکیم روابط با اتحادیه دانشجویان و دیگر سازمان‌های دانشجویی ترقیخواه در جهان.

۴- حفظ و دفاع از نشریات دانشجویی و جوانان برای شرکت در انتشار و ترویج افکار میهن‌پرستی و طرفداری از خلق و تحکیم روحیه برادری بین جوانان کرد و عرب و جوانان اقلیت‌های ملی دیگر و مبارزه با افکار شوونیستی و تنگ‌نظرانه ملی و ارتجاعی و توسعه و رشد قابلیت‌های علمی، ادبی در میان دانشجویان و جوانان.

۵- شرکت سازمان‌های دانشجویی در کمیته‌هایی که در امور دانشجویی، تعلیم و تربیت و تحقق دمکراسی دانشگاهی فعالیت می‌کنند و تامین امکانات لازم برای تحقیق علمی و تغییر راه‌ها و شیوه‌های تحقیق و باز-سازی آن بر اساس علمی و مترقیانه

۶- گسترش و توسعه رشته‌های داخلی، آزمایشگاه‌های علمی، مدارس با کلیه مراحل آموزشی و تشویق فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی و فنی و بالا بردن سطح دانشجویان در کلیه زمینه‌ها.

### فصل هشتم:

#### فرهنگ و آموزش

جبهه میهنی دمکراتیک عراق مبارزه می‌کند برای رهایی خلق ما از تسلط جابرانه حکومت دیکتاتوری و شیوه‌های فاشیستی و بهره‌برداری از ثروت‌های ملی و تضمین زندگی شرافتمندانه برای همه فرزندان این کشور. در همین حال جبهه برای تحقق زندگی سرشار از آگاهی و معرفت و برپایی روح ابتکار فنی، فرهنگی و علمی در جامعه و گسترش آموزش به عنوان نیاز اساسی برای انسان کوشش می‌کند. اشاعه آگاهی علمی در بین توده‌ها برای مبارزه با جهل و خرافات و مفاهیم ارتجاعی و استعماری نیز از هدف‌هایی است که جبهه برای آن مبارزه می‌کند به همین جهت جبهه در دستیابی به اهداف زیر مبارزه می‌کند:

۱- ریشه‌کن کردن بیسوادی در کوتاه‌ترین مدت ممکن با درپیش گرفتن شیوه‌های علمی و به‌کارگیری همه توانایی‌های کشور برای تحقق این وظیفه.

۲- متحقق کردن دمکراسی آموزشی با توسعه تعلیمات اجباری برای جمیع کودکان دختر و پسر در مرحله ابتدائی و ازدیاد تعداد مدارس در مراحل مختلف و به‌ویژه در روستاها و مناطق فقیر نشین و انتقال تدریجی به تعمیم آموزش تا مرحله متوسط و عالی.

۳- توسعه برنامه‌های تعلیم و تربیت بر اساس علمی و مترقیانه و مرتبط کردن آن با برنامه‌های عمرانی و رشد کشور و اهتمام به آموزش‌های حرفه‌ای که شرایط عراق و امکانات توسعه اجازه آن را می‌دهد.

۴- گسترش دانشگاه‌های فعلی عراق و توسعه آموزش دانشگاهی بر اساس نیازهای کشور به بخش‌های تطبیقی و احترام به استقلال علمی دانشگاه‌ها و تضمین آزادی‌های آکادمیک و احترام به اساتید دانشگاه‌ها.

۵- احترام به معلمین و یاری به آنان در تحقق وظایفشان در تربیت نسل جوان با مفاهیم ترقیخواهانه میهنی و دمکراتیک و ملی و بهبود شرایط زندگی معلمان به‌ویژه آموزگاران روستاها.

۶- مبارزه با فرهنگ‌های استعماری، ارتجاعی، شوونیستی و تنگ‌نظرانه و پاکسازی ارگان‌های آموزشی از عناصر مرنج مخالف با پیشرفت و ترقی.

۷- تعالی فرهنگ ملی ترقیخواهانه عربی و کردی و فرهنگ دیگر اقلیت‌های ملی برادر و تقویت حرکت‌های ادبی و هنری و احترام به سنت‌ها، آداب و هنرهای خلقی.

۸- گسترش وسایل ارتباط جمعی و متوجه کردن (هدایت) آن به سوی وجهه میهنی، دمکراتیک و ملی ترقیخواه.

### فصل نهم:

#### سیاست عربی و قضیه فلسطین

##### الف- وظایف فوری جبهه در قبال جنبش

##### آزادبخش ملی عربی:

جنبش آزادیبخش ملی عربی و در ضمن آن انقلاب فلسطین در شرایط کنونی در معرض هجوم وحشیانه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع قرار دارد و این هجوم وحشیانه با امضای قرارداد "کمپ دیوید" میان دار و دسته سادات خائن دشمن صهیونیستی زیر نظارت امپریالیسم امریکا خطرناک‌ترین شکل را به خود گرفته است.

هدف این قراردادها نادیده گرفتن مسئله ملی خلق عرب فلسطین و انقلاب مسلحانه آن و نابودی دستاوردهائی است که جنبش آزادیبخش عربی به دست آورده‌است. هدف، تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بر منطقه‌است. امپریالیسم و صهیونیسم با وسایل مختلف تجاوزکارانه و شیوه‌های مختلف توطئه‌گرانه و از جمله درهم‌کوبیدن و تکه‌تکه کردن جبهه داخلی کشورهای آزاد شده و عضو جبهه پایداری، افزایش تجاوزات نظامی اسرائیل علیه سوریه و انقلاب فلسطین و جنوب لبنان، تمرکز قوای نظامی امپریالیسم امریکا در منطقه عربی و به‌ویژه خلیج فارس، کوشش می‌کند هدف‌های خود را عملی سازد. کوشش برای ایجاد تفرقه و جدائی در جبهه پایداری، اجرای توطئه‌های گوناگون علیه اعضای جبهه پایداری (جبهه‌رد) و از هم‌پاشاندن وحدت نیروهای ملی عربی، جدا کردن آنان از هم‌پیمانان طبیعی و یاران صادقشان که با شعارهای مزرورانه عدم وابستگی،

استقلال و ملی‌گرایی معمول همراه است و همان نسخه‌های آراسته شده پیمان‌های تجاوزکارانه فراموش شده‌است، از جمله اقدامات مذبحخانه امپریالیسم برای تامین هدف‌های پلید آن‌است. در این میان ایجاد درگیری و تشدید خصومت و اختلاف با انقلاب ایران و تضعیف پیوند مبارزه‌جویانه خلق‌های منطقه در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم، تلاش امپریالیسم برای عملی ساختن اهداف خوداست.

رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق با سیاست خائنانانه خود و سهیم شدن در استمرار و تقویت این هجوم تجاوزکارانه و ارتجاعی عربی وابسته به استعمار امریکا عملاً در خدمت هدف‌های آن قرار گرفته و استمرار این نقشه‌ها و تحقق غرض‌های آن را تسهیل نموده‌است. همچنانکه رژیم دیکتاتوری حاکم در عاقل ماندن نقش عراق در مبارزات امت عرب (ملت عرب) برضد این هجوم وحشیانه و تضعیف قدرت مقابله با آن اخلاص می‌کند و نیروها را از پرداختن فعال به مقاومت در برابر این هجوم وحشیانه باز می‌دارد. به همین دلیل جبهه در همان حال که برای سقوط رژیم دیکتاتوری حاکم و تشکیل یک حکومت انقلابی ملی، مبارزه می‌کند، هدف‌های زیر را در نظر دارد:

۱- پیوستن فوری عراق به جبهه پایداری (جبهه رد) و شرکت جدی در تحکیم و تقویت توانائی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و افزایش فعالیت‌های جبهه رد و گسترش آن به نحوی که تحقق تکالیف ملی را کاملاً ممکن سازد.

۲- تشدید مبارزه فعال برای ساقط کردن توطئه "کمپ دیوید" و خنثی کردن نقشه‌های خطرناک مرتب بر آن و درهم‌کوبیدن پیمان‌های خائنانانه‌ای که امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و دار و دسته سادات بسنه‌اند و کوشش برای تمرکز نیروهای نظامی عراق در جبهه مقابل با دشمن صهیونیستی.

۳- نحقق کوتاه‌ترین شکل هماهنگی، همکاری و اتحاد سیاسی، اقتصادی و نظامی بین عراق و سازمان‌های ملی عربی برای هدایت مبارزه اعراب در جهت آزادی تمام اراضی عربی و فلسطینی که اشغال و غصب شده و بازگرداندن حقوق ملی، ثابت و برحق به خلق عرب فلسطین.

۴- تقویت مبارزه توده‌های عرب و نیروهای ترقیخواه ملی علیه استعمار و سازمان‌های عربی مرنج و تحکیم روابط هم‌پیمانی با تمام شرکت‌کنندگان در جنبش آزادیبخش ملی عربی و الحاق عراق به کنگره خلق عرب و پشتیبانی و تقویت آن و نیز شرکت بعدی در گسترش فعالیت‌های کنگره خلق عرب.

۵- تحکیم روابط و پیوند مبارزاتی با انقلاب ایران و تقویت آن در مبارزه با استعمار امریکا، صهیونیسم و بقایای نظام شاهنشاهی سرنگون شده برای نحقق کلیه هدف‌های آن در پیشرفت اجتماعی و دمکراتیک و در تضمین حقوق ملی و دمکراتیک برای کلیه خلق‌هایی که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند.

##### ب- وحدت عربی:

از زمانی که میهن عربی ما در آغاز قرن حاضر مورد تجاوز امپریالیسم جهانی و نوکر سرسپرده آن صهیونیسم قرار گرفت و این دو برای تثبیت تجزیه میهن عربی و تحکیم جای پای خود و تسلط امپریالیسم بر کشورهای عرب شروع به برانگیختن احساسات منطقه‌ای و مذهبی نمودند، مبارزه برای وحدت عربی به مبارزه ضد امپریالیستی برای آزادی میهن و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی درآمیخت و جای مشخصی در مسیر حرکت آزادیبخش ملی عربی و تحقق وظایفش اشغال کرد. هنوز طبقات ارتجاعی در جهان عرب و کشورهای تازه استقلال یافته بر مواضع خود در مخالفت با وحدت عربی ترقیخواه که توده‌های مردم خواهان تحقق آن برپایه‌های دمکراتیک می‌باشند، پافشاری می‌کنند.

توده‌های عرب و جنبش ملی عراق بخوبی دریافته‌اند که راه وحدت خلق‌های عرب همان راه آزادی کامل از یوغ امپریالیسم، صهیونیسم و استعمار نو و نابودی طبقات اجتماعی وابسته به آنان است. تحقق وحدت عربی بر پایه‌های دمکراتیک برای تکمیل پیشرفت، توسعه اقتصادی و اجتماعی که استقلال میهن را تحکیم بخشد و امت عربی (خلق‌های عرب) را همچون نیروی فعالی که در خدمت



## توطئه جدید امپریالیسم امریکارا در بلوچستان در هم شکنیم

● از مشکلات بزرگ زحمتکشان بلوچ حضور ضدانقلابیون افغانی است که باید به سرعت به وضعیتشان رسیدگی شود.

● انقلاب رهائی بخش ایران هر روز گام‌های تازه‌تری به پیش برمی‌دارد. خلق قهرمان ما ضربات تازه به تازه‌ای بر پیکر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، رژیم صدام، سرمایه‌داران وابسته، زمینداران بزرگ و بقایای رژیم شاه مزدور وارد می‌کند. انقلاب بنا بر خواست تاریخی کارگران و زحمتکشان در همه عرصه‌ها تعمیق می‌یابد. در مقابل، ضدانقلاب در داخل و خارج به مقاومتی مذبحخانه برخاسته است. اکنون هر نقطه میهن انقلابی شاهد سایش رنگارنگ دوستان امپریالیسم امریکا برای ممانعت از پیشروی انقلابی است. بلوچستان از جمله این نقاط و یکی از حساس‌ترین آنهاست.

مبنتی ساخته‌اند. باید این تاکتیک‌ها را شناخت و بیدرنگ و قاطع، با تدابیر کوبنده به مقابله با آنها برخاست.

### ضدانقلاب در بلوچستان

#### کیست و چه می‌کند؟

سردارها، خوانین، سرمایه‌داران قاچاقچی، مولویهای مرتجع و مزدوران افغانی در ارتباط با هم جبهه ضدانقلاب را در منطقه تشکیل می‌دهند. اینان از یکسو با سرمایه‌داران لیبرال، بزرگ مالکان و دیگر دوستان امپریالیسم در داخل ایران ارتباط دارند، از سوی دیگر با ضدانقلاب در منطقه از جمله رژیم‌های مرتجع سلطان قابوس در عمان، ضیاءالحق در پاکستان، شیخ‌نشین‌های خلیج و... پیوندهای نزدیکی برقرار ساخته‌اند.

سردارها و خوانین که در رژیم سابق حافظان نظم شاهنشاهی در منطقه بودند، عمده نیروی اردوی ضد انقلاب در بلوچستان‌اند. شاه از نفوذ آنها در عشایر برای سرکوب زحمتکشان منطقه استفاده می‌کرد. در جریان قیام نیز، چماقداران حرفه‌ای را با بودجه‌ای که ارتش و ژاندارمری در اختیار آنها قرار می‌داد، به جان زحمتکشان انقلابی می‌انداختند. خانها از همان زمان تلاش می‌کردند تا با نفاق افکنی بین بلوچ و فارس انرژی انقلابی آنها را به نفع مقاصد ضدانقلابی خود به هرز برند. محمد خان میر لاشاری، میرمولاداد سردار زهی، حاج کریم بخش سعیدی (نماینده مجلس‌شاه) امان‌الله باران (بارکزی)، از جمله فعال‌ترین خوانین

بلوچستانند. هریک از آنها دسته‌های مسلح خود را دارد و هر از گاهی زندگی زحمتکشان را تاراج می‌کنند. برخی از آنها پس از سقوط دولت موقت شرکای لیبرالشان به پاکستان گریختند تا اقدامات ضدانقلابی خود را از آنجا هدایت کنند.

خوانین آشکارا با صدام متجاوز، سلطان قابوس، ضیاءالحق و سایر رژیم‌های ارتجاعی منطقه در ارتباطند. از آنها پول و اسلحه دریافت می‌کنند و البته نفوذ مذهبی مولویهای مرتجع را نیز پشتوانه اعمال ضدانقلابی خود قرار می‌دهند. گرچه تاکنون این عناصر ضد انقلاب نتوانسته‌اند زحمتکشان بلوچ را به خود جذب کنند لیکن روابط گسترده‌شان با ضدانقلاب داخلی و خارجی انقلاب مردم ما را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد.

خوانین و سردارها با سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سایر نقاط ایران تماس دارند. بسیاری از فرماندهان ارتش، ژاندارمری، شهربانی در مقابل جهاد سازندگی و پاسداران، از آنها حمایت می‌کنند. فرماندهان ژاندارمری تاکنون هیچگاه درصدد دستگیری آنان برنیامده‌اند.

ارتباط خوانین با ضد انقلاب خارجی عمدتاً از طریق پاکستان برقرار می‌شود سرگرد درخشان از فرماندهان مزدور ارتش سلطان قابوس تاکنون چندبار از همین طریق با آنها تماس گرفته است. شخصی به نام جما بلوچ (سرکرده به اصطلاح جبهه آزادیبخش بلوچستان) رابط آنان با صدام است. سرمایه‌داران پاکستانی و فئودال‌های افغانی نیز با آنها همکاری گسترده‌ای دارند.

خانها تا قبل از سقوط دولت موقت می‌کوشیدند زیر پرده دفاع از حقوق ملی خلق بلوچ، توده‌های کارگر و زحمتکش را به زیر پرچم خود بکشند. لیکن حيله آنان نگرفت. چه مردم آنها را خوب می‌شناختند. پس مولویهای مرتجع را جلو انداختند. این بار حربه آنها به اصطلاح دفاع از سنی مذهب در برابر اجحافات تشیع است. آنها اختلافات بین کارگران و زحمتکشان سنی و شیعه را دامن می‌زنند. می‌کوشند سنی را از شیعه جدا کنند تا نیروی اولی را برای سرکوب هر دو به کار گیرند. اکنون دیگر مشخص شده است که این نقشه مستقیماً توسط امپریالیسم امریکا هدایت می‌شود. کیسینجر در همین رابطه گفته است که: "با همکاری پاکستان باید امریکاییان و

سرحد و زاهدان، حاج دوشکی، مراد بخش و بادپا در چاه‌بهار فعال‌ترین این دشمنان مردمند. مواد مخدر طلا، اسلحه و اجناس لوکس از جمله مهم‌ترین کالاهایی است که قاچاق می‌شود. نقل و انتقال این کالاها مسلحانه صورت می‌گیرد. فئودال‌های فراری افغان نیز در این کار فعالانه شرکت دارند. قاچاقچیان عمده امکانات نظامی بسیار در اختیار دارند برخی از آنها نظیر حاج بلوچ‌خان و آریان نارویی با اشرف خواهر شاه در باند قاچاق بین‌المللی همکاری داشته‌اند. این دسته از ضد انقلابیون برای حفظ منافع خود همواره می‌کوشند منطقه را در آشوب و تشنج نگاهدارند. آنها در جلوگیری از استقرار امنیت و کارشکنی در اقدامات ترقیخواهانه جهاد سازندگی و پاسداران

● سردارها، خوانین، سرمایه‌داران قاچاقچی، مولویهای مرتجع و مزدوران افغانی، جبهه ضدانقلاب را در منطقه تشکیل می‌دهند.

با خوانین همکاری فعال دارند.

### مولوی‌های مرتجع در خدمت

#### مطامع ضد انقلابی خانها

#### وسردارها

مولویهای مرتجع روحانیون سنی مذهب مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ هستند. آنها یا خود مستقیماً املاک وسیعی را در اختیار دارند و یا تمام نفوذ مذهبی‌شان را در خدمت توجیه اعمال ضدانقلابی خانها و قاچاقچیان عمده قرار داده‌اند. عواطف مذهبی کارگران و زحمتکشان بلوچ در

دوستانش پیشقدم شوند و به کمک اهل تسنن در نقاط سنی نشین خراسان و بلوچستان و بندرعباس ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند.!! (اطلاعات پنجشنبه ۱۱/۹)

### سرمایه‌داران قاچاقچی برای

#### حفظ منافع خود می‌کوشند

#### منطقه را در آشوب و تشنج

#### نگاهدازند

قاچاقچیان عمده، تجار سرمایه‌داران که سرمایه خود را در کار قاچاق به کار می‌گیرند. حاج بلوچ‌خان در

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

## توطئه جدید...

خیلی خوب می‌شناسند.

### مزدوران افغانی مشکل بزرگ مردم بلوچستان

با روی کار آمدن حکومت "تره‌کی" در افغانستان، خیل عظیم فتوادل‌های افغان با قطار فشنگ و اتومبیل‌های گران‌قیمت به بلوچستان سرازیر شد. رژیم مزدور شاه آنها را به گرمی پذیرفت. از آن زمان قاچاقچی‌گری، ناامنی، فساد و رشوه‌خواری در بلوچستان ابعاد وحشتناکی به خود گرفته‌است. فتوادل‌های مزدور افغان پس از قیام، کارشکنی در امر

دست آنها وسیله‌ای برای حفظ منافع زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران قاچاقچی است. مولویهای مرتجع درصددند با طرح مسئله شیعه و سنی یک جریان سیاسی علیه روحانیت "خط امام" به راه‌اندازند. این وظیفه‌ای است که مستقیماً از سوی زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران و ارباب همه آنها امریکای جنایتکار به روحانیت مرتجع اهل سنت محول شده‌است. بیهوده نیست که مولوی نظر محمد نماینده ایرانشهر در مجلس همزمان با جار و جنجال رسوای لیبرال‌ها پیرامون "آزادی" مجلس را به حالت اعتراض ترک می‌کند. او در ظاهر به عدم رعایت حقوق مذهبی هم‌میهنان اهل سنت اعتراض دارد. اما در باطن بر آتش نفاق بین شیعه و سنی می‌دمد. مولوی قمرالدین پیشنماز مسجد جامع ایرانشهر از همین دار و دسته، با وقاحت تمام خطاب به زحمتکشان می‌گوید:

"اگر به کمک صدام نمی‌روید، لااقل به جنگش نروید. زیرا صدام سنی مذهب است."

مولوی عبدالملک (پسر مولوی عبدالعزیز) ۲۲ دی‌ماه گذشته را به خاطر "دفاع از خواسته‌های مذهبی" مردم بلوچ اعلام راهپیمایی کرد. هدف او مشخصاً به آشوب کشاندن مدارس و ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی بود. از سوی دیگر همین به اصطلاح هواداران حقوق مردم، مدام فریاد می‌کشند که "صدام سنی است، او برای نجات سنی‌ها می‌آید." و بانگ برمی‌دارند که: "شوروی و سوسیالیسم کفر است، هر کس با شوروی بجنگد و کشته شود، شهید است نه با امریکا!!"

براستی چه خوب هم‌کاسگی همه کاسه‌لیسان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا رومی‌شود. خوب می‌توان فهمید که چگونه این بار هم حمله به کمونیست‌ها، سوسیالیسم و شوروی وسیله تطهیر امریکا است. این حربه را مولویهای مرتجع نیز به کرات در بلوچستان به کار گرفته‌اند آنها همچون شرکای لیبرالیستان، دشمنان خود را

بر اینکه در میان آنها دسته‌های بظاهر "مسلمانی" نیز وجود دارد، عملاً جناح‌هایی از آنها را زیر چتر حمایت خود گرفته‌است. این معیار زیانبار که جریانات اجتماعی را نه بر مبنای موضع‌گیری آنها در قبال امپریالیسم امریکا سرکرده همه امپریالیست‌های جهان و طبقات حامی آن، که بر پایه معتقدات ظاهری ایدئولوژیک فرهنگی آنان طبقه‌بندی می‌کند تاکنون ضربات مهلکی بر انقلاب ما وارد آورده‌است. هم‌اکنون نیز ضدانقلابیون افغان از این چشمه سیراب می‌شوند.

در همین اواخر عده‌ای از سران ارتش مستقر در بلوچستان و برخی محافل جمهوری اسلامی، پس از تجارب مکرر نظیر کردستان و آذربایجان غربی، دوباره و چندباره بر آن شده‌اند تا خوانین را ارشاد، سربراه و

### فلاکت اقتصادی و نابسامانی اجتماعی در بلوچستان بستر مناسبی برای گسترش اعمال ضد انقلابی فراهم آورده است.

احیاناً تسلیح نمایند. این سیاست شوم تاکنون به قیمت ناامنی، هرج و مرج و تقویت بی‌سابقه ضدانقلاب در غرب و شمال غربی میهن و شهادت صدها تن از زحمتکشان کرد و ترک تمام شده‌است. هم‌اکنون نیز عواقب آن بر دوش مردم بلوچ سنگینی می‌کند. باید با چشم باز به این واقعیات نگریست، باید از گذشته درسهای لازم را فرا گرفت. باید دریافت که فتوادل‌ها و سرداران چه ایرانی، چه افغان و ضدانقلابیون افغانی چه شیعه، چه سنی همگی دشمنان استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی در هر دو کشور ایران و افغانستان هستند. آنها ضدانقلابند، باید بر آنها همان رود که با هر دشمن انقلاب می‌رود. باید قلع و قمع شوند، بدون تسامح، بدون تاخیر، سرکوب قاطعانه به اتکاء زحمتکشان مجهز و متشکل تنها راه چاره آنهاست. بهترین راه بسیج توده‌ها نیز پاسخگویی به مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌شان است. موثرترین شیوه برای سرکوب ضدانقلاب تعمیق انقلاب و اتکاء بر توده‌های میلیونی زحمتکشان است. برای این کار دولت و مجلس جمهوری اسلامی

ارگان‌های مترقی را نیز بر دیگر اعمال ضد مردمی خود افزودند. هم‌اکنون بیش از صد و پنجاه هزار افغان در بلوچستان به سر می‌برد. این عده اکثر زحمتکشانی هستند که طعمه عوام‌فریبی فتوادل‌ها شده‌اند. بخش اعظم آنها به هوای پول فراوان در پی فتوادل‌ها راهی ایران شدند تا ملعبه مقاصد شوم خوانین برای جلوگیری از تحولات ترقیخواهانه در افغانستان قرار گیرند. مراکز تجمع آنها هم‌اکنون لانه گروه‌های ریز و درشت بسیاری است که مستمراً علیه پیشرفت انقلاب ایران و برضد برپائی ساختمان جامعه‌ای پیشرفته و دمکراتیک در افغانستان فعالیت می‌کنند و برطبق یک خبر کاملاً موثق اخیراً نیز تعدادی از ضدانقلابیون که در کشور چین تعلیم دیده‌اند! برای ایجاد بلوا به بلوچستان وارد شده‌اند!!

مزدوران افغان همواره از حمایت فعال روحانیت لیبرال به ویژه آیت‌الله شریعتمداری برخوردار بوده‌اند. آنها ارادتی خاص نسبت به او در دل دارند. متأسفانه علیرغم خصلت آشکارا ضدانقلابی دار و دسته‌های نامبرده، حاکمیت جمهوری اسلامی با تکیه صرف

موظفند هرگونه تعلل و تاخیر و تزلزل را کنار بگذارند. باید بیدارنگ دست سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ را از جان و مال مردم کوتاه نمود همه سرمایه‌ها و اموال آنها باید ملی شود. زمین‌های زمینداران بزرگ ملی گردد، طرح‌اصلاحات ارضی بدون فوت وقت اجرا شود. گرانی و کمبود کالا را از طریق کوتاه کردن دست تجار سرمایه‌دار و واسطه‌ها هرچه سریع‌تر از میان برد دولت و مجلس باید از کردستان درسهای لازم را فرا گیرند. حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم باید به رسمیت شناخته شود. این در خدمت قوام و تعمیق هرچه بیشتر انقلاب نوین ماست. اقدامات ارتجاعی نظیر تسلیح فتوادل‌ها جز آنکه بر آتش تشنج در بلوچستان بدمد، ثمر دیگری به بار نمی‌آورد. محافل مترقی و مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی باید در سیاست خود نسبت به افغانستان تجدید نظر جدی به عمل آورند. دو رژیم ایران و افغانستان هر دو با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و عمال آن در منطقه درگیرند

خلفها و دولت‌های دو کشور در این مبارزه سرنوشت‌ساز باید یاور و متحد هم باشند. مسائل و مشکلات فیما بین از طرق مسالمت‌آمیز و گفتگوی سازنده حل‌شدنی است. باید سوء تفاهات و تیرگی‌ها را در جریان مشاورات متساوی - الحقوق دوجانبه و چندجانبه برطرف کرد. به وضع افرادی که از افغانستان فرار کرده‌اند هرچه سریع‌تر باید رسیدگی شود. اکنون خلقهای افغانستان به انرژی هزاران زحمتکش افغانی که ناآگاهانه در مقابل خلقهای کشورشان قرار گرفته‌اند، نیاز حیاتی دارد. این انرژی عظیم باید در خدمت سازندگی کشور خود قرار گیرد. مرزهای دو کشور باید به شدت کنترل و هرگونه عبور و مرور غیر قانونی از مرز مستوجب شدیدترین مجازات قانونی باشد. اگر این اقدامات صورت گیرد، ضدانقلاب مسلمان‌هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. آنگاه کوچکترین تحریک و توطئه یا اقدام مستقیم آشوب - برانگیز را خود خلق است که متحد و یکپارچه برای همیشه در گورستان تاریخ دفن می‌کند.

### از میان اعلامیه‌ها و نشریات بقیه از صفحه ۱۰

#### شاخه‌ها و هواداران سازمان

هواداران سازمان در استان سمنان اعلامیه‌ای با عنوان "مدارس را به سنگری علیه امپریالیسم تبدیل کنیم" منتشر کرده و در آن یادآور شده‌اند:

"... عدم توجه به خواسته‌های بحق دانش‌آموزان باعث شده که بعضی از مدارس به اعتصاب کشیده شوند و جو متشنج در مدارس بالا گیرد. وابستگان به لیبرال‌ها سعی می‌کنند هرچه بیشتر این وضعیت را دامن بزنند."

"... اما دانش‌آموزان باید هشیار باشند و به همین علت باید حرکتشان در راستان مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران باشد."

#### قاتلین دانش‌آموزان، مرگان اسدی و

#### بهرام کردستانی چه کسانی هستند؟

دانش‌آموزان پیشگام خرم‌آباد در تاریخ ۳ بهمن ماه اعلامیه‌ای تحت عنوان "قاتلین دانش‌آموزان مرگان اسدی و بهرام کردستانی چه کسانی هستند" منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن محکوم کردن اعمال جنایتکارانه باندهای سیاه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌اند تا عاملین این جنایات را تعقیب، محاکمه و مجازات کنند. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است:

"... امروز همه می‌دانند که قاتل مرگان اسدی، مجید جزایری و بهرام کردستانی - "عظیم مرادی" بوده‌است و مقامات و ارگان‌های مسئول نیز آنها را می‌شناسند."

"... بر همه دانش‌آموزان مبارز و انقلابی است که با درک شرایط و موقعیت کنونی از هرگونه حرکت بی‌رویه خودداری کرده و قابلیت انقلابی خود را بار دیگر به نمایش بگذارند."

## سنگ‌های مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

تجهیزات و سلاح‌های سنگین دشمن دلاورانانه مقاومت می‌کرد و دهها متجاوز را به خون غلطانده بود پس از اتمام مهماتش به شهادت رسید و به شهدای قهرمان فدائی و خلق پیوست.

اکنون خاطره تابناکش نوید بخش فدای روشن کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان میهنمان است.

روز ۱۳ آبان ماه پیکر پاک رفیق سعید آقاپور طی مراسم باشکوهی در زادگاهش نشیع شد که در این مراسم دوستان و آشنایان رفیق و تمامی زحمتکشانی که او را از نزدیک می‌شناختند و با خصلت‌های برجسته انسانی او آشنا بودند، شرکت داشتند و با اندوه فراوان به سوگش نشستند و یاد پرفروغ او را گرامی داشتند.

ما ضمن گرامیداشت یاد رفیق سعید (عباس) آقاپور به همه شهدای راه استقلال میهن درود می‌فرستیم.

فرصت، خود را به بسیج و سپاه معرفی نمود و آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام نمود که عابریغم کوشش بسیار موفق نشد. اما این عدم پذیرش خللی در اراده استوار رفیق پدید نیاورد و بدون اتلاف وقت، خود را به پادگان قصر رساند و اعلام آمادگی نمود. اتفاقاً روزی که رفیق سعید به پادگان قصر مراجعه کرد، یک واحد از نیروهای رزمی این پادگان برای شرکت در جنگ مقاومت اعزام جبهه بود و رفیق نیز به همراه آنان به دزفول اعزام شد. در مدت کوتاهی که در این جبهه می‌جنگید، دلاوری و پایداری‌هایش زبانزد همزمانش بود.

سرانجام در اواخر سپهرماه در نزدیکی "گرخه" بعد از روزها و شبها مبارزه بی‌امان با متجاوزین به انقلاب و استقلال میهن در حالیکه با تفنگ ژ-۳ و عزم استوار و فدائی‌وارش در مقابل

او پس از اتمام دوره آموزشی در شاهرود به پادگان قصر نهران منتقل گردید و هنوز بیش از ۶ ماه از خدمت رفیق در این پادگان نگذشته بود که گردانی که رفیق جزو آن بود به کردستان اعزام شد. رفیق سعید با درک اینکه ماهیت جنگ کردستان بردارکشی است و جنگ راه حل مسئله کردستان نیست از رفتن به کردستان امتناع کرد و به شهر خود بازگشت و نا آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام در همین شهر بود.

از روز اول مهر ماه که هجوم گسزده و وحشیانه مزدوران صدام به میهنمان آغاز شد، رفیق که نمی‌توانست شاهد تجاوز ددمنشان رژیم ضد خلقی صدام باشد و تحت رهنمود سازمانش که عمیقاً به آن اعتقاد و اعتماد داشت تصمیم خود را مبنی بر شرکت در جنگ و دفاع از میهن و استقلال آن گرفت و در اولین

فدائی خلق رفیق شهید



### سعید (عباس) آقاپور

ما بالاخره مراسم یادبود شهدای خلق را با مراسم جشن پیروزی توده‌ها پیوند خواهیم زد

(از نامه‌ی از هم‌زمان رفیق به سازمان)

سربازی با نوزبع کتب و نشریات و اعلامیه‌های سازمان در میان توده‌ها در ارتقاء آگاهی آنان می‌کوشید و ضمن شناساندن دوستان واقعی انقلاب ما با تمام نوان انقلابی خود به افشای جریان‌ات و عناصری که آگاهانه صف دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می‌کنند، می‌پرداخت. در حین خدمت سربازی هم رفیق همواره چون مشعل فروزانی در کنار دیگر رفقای خود روشنگر راه پرفراز و نشیب خلق و خدمتگزار نداوم و تعمیق انقلاب بود.

★ رفیق سعید آقاپور در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده پر جمعیت در بهشهر منولد شد. پدرش کارگر زحمتکشی بود که در کارخانه چیت سازی بهشهر کار می‌کرد و با حقوق ناچیزش به سختی قادر به تامین مخارج خانواده خود بود و رفیق نیز در شرایط مشقت‌باری که از ویژگی‌های زندگی زحمتکشان میهنمان است دوره دبیرستان را به پایان رساند و پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی رفت. او قبل از خدمت

جبهه گیلانغرب اعزام شد و سرانجام در روز ۲۳ مهرماه ۵۹ در این جبهه در نبرد قهرمانانه با متجاوزین عراقی به شهادت رسید.

خاطره زندگی پر از تلاش و مبارزه رفیق تقی اسکویی هرگز از یاد پویندگان راه استقلال و آزادی میهن و طبقه کارگر قهرمان ایران که تقی فدائی آرمان والایشان بود، نخواهد رفت.

لیبرال که تصمیم به نابودی دستاوردهای انقلاب گرفته‌اند پرداخت و با شناساندن ماهیت سازشکارانه و ضد انقلابی آنها به مردم به وظیفه انقلابی خود عمل می‌کرد. با آغاز درگیری در مرز و تجاوز ضدانقلابی رژیم صدام و کشتار مردم بیگناه و وطنمان رفیق تقی با درک این موضوع که این تهاجم علیه انقلاب ایران است و از سوی امپریالیسم جنایتکار امریکا رهبری می‌شود طبق رهنمود سازمان داوطلب شرکت در جنگ مقاومت گردید و به

منابع ملی ایران و آخرین رمق کارگران و زحمتکشان گوی سبقت از هم می‌ریابند و به همین دلیل وجودش مالا مال از نفرت نسبت به این خودفروختگان و عشق به استقلال و آزادی میهن بود.

با شروع مبارزات توده‌ای انقلابی مردم میهنمان درهای دنیای نازهای بر روی انقلابیون و مبارزین گشوده شد تا به سنیزی همه‌جانبه با دشمنان خلق برخیزند و با شرکت فعال در مبارزات توده‌ها و سازماندهی و هدایت آنان بیشترین صربه را بر پیکر رژیم وابسه و دست‌نشانده پهلوی و اربابان امپریالیستش وارد آورند.

رفیق تقی همچون آرزومند به آرزو رسیده‌ای سرشار از شوق و ایمان جانبازانه در این مبارزات شرکت نمود و بارها تا پای شهادت پیش رفت.

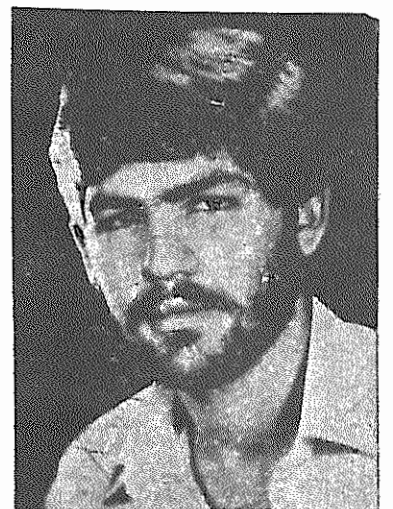
بعد از پیروزی انقلاب به پیروی از رهنمودهای سازمان و با تکیه بر عشق عظیمش به انقلاب، پیگیرانه به افشای توطئه‌های سرمایه‌داران

فدائی خلق رفیق شهید



### تقی اسکویی

چنین هم بود چون در جامعه سرمایه‌داری فقر، حاکم بر زندگی کارگران و زحمتکشان است و درحالی که وسایل تولید در مالکیت مشتی سرمایه‌دار و زمیندار است غیر از این هم نمی‌توان انتظار داشت. رفیق تقی همچون سایر فرزندان کارگران و زحمتکشان بی‌بهره از امکانات لازم برای زندگی و تحصیل راه پرمشقنی را برگزید و ضمن تحصیل برای کمک به خانواده‌اش به کار کردن پرداخت و سالها بار گران این زندگی پررنج را بر دوش کشید و در این دوران شخصیت و احساسات و اندیشه‌اش شکل گرفت. رفیق بخوبی دریافته بود که سرمایه‌داران بزرگ داخلی با همکاری انحصارات امپریالیستی بر سر غارت



★ رفیق تقی اسکویی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محلات فقیر نشین تبریز در یک خانواده کارگری پا به عرصه وجود نهاد. از هنگامی که پاهای کوچک و چابکش نوان ایستادن و حرکت یافت، محرومیت چون سایه‌ای همه‌جا به دنبالش روان بود. اصلاً گوئی ناکامی همزادش بود و

**کارگران مبارز ایران!**  
**با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار**  
**جبهه انقلاب را تقویت کنید**

# پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★



## یاد مجاهد شهید احمد رضائی گرامی است



با سپری شدن یازدهم بهمن ماه ۹ سال از شهادت احمد رضائی نخستین شهید سازمان مجاهدین خلق گذشت. او پس از دستگیری بنیانگذاران سازمان مجاهدین و ضرباتی که در سال ۵۰ بر این سازمان وارد آمد، وظیفه بازسازی تشکیلات مجاهدین خلق را برعهده گرفت و با تلاش و پشتکار توانست سازمان را از نو احیاء کند. در احیاء و بازسازی تشکیلات مجاهدین خلق ایران، احمد رضائی به آرمان بنیانگذاران این سازمان وفادار ماند و همه توان خود را به کار برد تا هویت مجاهدین خلق را بعنوان جوانان مسلمان مبارزی که خواهان پیشبرد مبارزهای قاطع با رژیم شاهنشاهی پهلوی و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاست محفوظ نگهدارد. او همواره بر طرد سازشکاران، اتحاد با مدافعان سوسیالیسم علمی تاکید می‌ورزید و در اثر معروف خود تحت عنوان "امام حسین" کوشش کرد این آرمانخواهی را در قالب اسطوره‌ها، مفاهیم و معتقداتی که بدان پایبند بود، آموزش دهد. در کتاب "امام حسین" چهره احمد رضائی بمانند یک دمکرات مسلمان انقلابی با وضوح نمایانی قابل درک است. احمد رضائی مانند اغلب دمکرات‌های انقلابی سالهای خفقان و دیکتاتوری محمدرضا شاه، معتقد بود که قهرمانی پیشرو، عامل اساسی بیداری و آگاهی خلق است. او که با قهرمانی و ایثار، با رژیم پهلوی مبارزه می‌کرد سرانجام در غروب روز ۱۱ بهمن ماه سال ۵۰ در حالیکه از هر سو در محاصره دژخیمان رژیم شاه قرار داشت، زیر رگبار مسلسل مزدوران شاه به شهادت رسید. یادش گرامی باد

### منشور جنبه میهنی دمکراتیک ملی عراق

## از جنبه میهنی...

بقیه از صفحه ۱۷

آزادی و ترقی ملل جهان باشد، چشم‌انداز وسیعی فراروی ما خواهد گشود. جنبه میهنی بر این نکته تاکید می‌کند که مبارزات توده‌های مردم ما در عراق برای وحدت، مستلزم تضمین حقوق ملی و مشروع خلق کرد در چهارچوب دولت واحدی است که عراق جزئی از آن خواهد بود. خارج از این مسئله جنبه برای وحدت عربی علیه امپریالیسم و ارتجاع بر پایه‌های دمکراتیک و آزادی توده‌ها مبارزه می‌کند و در این راه جنبه کوشش جدی به عمل می‌آورد تا با فراهم آوردن امکانات ضروری برای الحاق عراق به یک دولت واحد بین سوریه و لیبی و بسیج تمام نیروها و تمرکز آن در خدمت مبارزه علیه پیمان امپریالیستی - صهیونیستی دار و دستد مرتجع سادات به وحدت عربی دمکراتیک متکی به توده‌ها و تضمین حقوق ملی خلق کرد در عراق دست‌یابد. جنبه همچنین برای تقویت و گسترش همکاری و هماهنگی با تمام سازمان‌های عربی ترقیخواه در همین راه مبارزه میکند.

### قضیه فلسطین:

جنبه میهنی تاکید می‌کند قضیه فلسطین اولین و اساسی‌ترین مسئله ملت عرب و جوهر نبرد عربی - صهیونیستی است. این مسئله از تجاوزات صهیونیسم بعنوان یک جنبش نژادپرستانه وابسته به امپریالیسم به عربیت فلسطین و کیان ملی خلق عرب فلسطین و حقوق تاریخی و طبیعی مردم فلسطین ناشی می‌شود که مردم فلسطین را آواره و سرزمین مردم عرب فلسطین را غصب کرده است و کوشش می‌کند شخصیت ملی مردم فلسطین را به انهدام کشاند و نیز از این حقیقت ناشی می‌شود که ایجاد یک کشور یهودی در تمام فلسطین که سرشت و طبیعت تجاوزکارانه صهیونیسم را منعکس می‌کند و تابع امپریالیسم جهانی و مجری نقشه‌های آنست با این هدف تشکیل شده که سلطه امپریالیسم را در منطقه بگستراند و در راهی که خلقهای عرب به سوی آزادی، دمکراسی، وحدت و پیشرفت اجتماعی می‌پیماید، مانع ایجاد کند.

این تجاوز صهیونیسم و توطئه صهیونیستی - امپریالیستی و آثار مترتب بر آن، تجاوز وقیحانه به حقوق اساسی و ثابت خلق عرب فلسطین و اراده ملی و مقابله آشکار با منشور ملل متحد است که آزادی تمام خلقهای جهان را برای حق تعیین سرنوشت خود به وسیله خود مردم پذیرفته است.

جنبه میهنی در همان حال که برای سقوط رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق مبارزه می‌کند در تأمین شرایط لازم برای تحقق مشارکت فعال عراق در نبرد امت عربی (خلقهای عرب) علیه تجاوزات امپریالیسم صهیونیسم و تقویت خلق عرب فلسطین در مبارزه علیه سیاست استعماری اسکان صهیونیست‌ها در سرزمین‌های عربی و بازگرداندن آنان به سرزمین خود و اعاده حقوق ملی، اساسی و ثابت غیرقابل تغییر خلق فلسطین کوشش می‌کند. در پیشاپیش این حقوق، حق مردم فلسطین در بازگشت به سرزمین ملی خود و تعیین سرنوشت خود و تشکیل یک دولت ملی و مستقل است. جنبه در این راه می‌کوشد:

۱- پشتیبانی از مبارزه سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان یگانه نماینده مشروع و قانونی خلق عرب فلسطین و منعکس کننده اراده ملی و خواست آنان.

۲- کمک بلاقید و شرط به گروه‌های شرکت کننده در جنبش مقاومت فلسطین با کلیه وسایل ممکن در مبارزه و بالابردن سطح فعالیت‌های مبارزاتی جنبش مقاومت و تحقق هدفهای آن.

۳- پشتیبانی و کمک به مبارزه قهرمانانه‌ای که توده‌های فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی هم‌اکنون با آن درگیر هستند.

۴- بسیج تمام امکانات و توانائی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی عراق و مشارکت فعالانه آن در نبرد ملی بزرگ علیه تجاوزات دشمن صهیونیستی و امپریالیسم.

### فصل دهم:

#### سیاست خارجی

خط مشی سیاست خارجی ارتجاعی که رژیم دیکتاتوری خائن آن را دنبال می‌کند و ماشاات آن با امپریالیسم و همکاری با سازمان‌ها و نیروهای ارتجاعی و شرکت عراق در محور ارتجاعی عرب و روش مخرب و مشکوک عراق در صفوف جنبش غیرمتعهدها و کوشش برای دور کردن حرکت آزادیبخش ملی از هم‌پیمانان خود و به‌ویژه بلوک شرق و توسعه و تحکیم هرچه بیشتر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عراق با کشورهای اردوگاه سرمایه‌داری به مصالح مبارزه ملی و میهنی مردم عراق ضررهای فراوانی وارد کرده و مانع شده که عراق نقش خود را در نبرد مقاومت در برابر هجوم امپریالیسم، صهیونیسم به میهن عربی و منطقه ایفاء کند.

سیاست‌های ارتجاعی رژیم حاکم تاکنون از به کار گرفته توانائی‌های وسیع عراق در نبرد خلقهای عرب علیه تجاوزات صهیونیسم و امپریالیسم جلوگیری کرده است. جنبه برای هدفهای زیر کوشش می‌کند:

۱- درپیش گرفتن سیاست خارجی بر اساس مشی مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی براساس مصالح دوجانبه (طرفین) در روابط عراق با کشورهای دیگر، توازن در روابط بین‌المللی و رد معاهدات و قراردادهای ظالمانه و غیرمتوازن و الغای معاهده خائنه ۶ مارس ۱۹۷۵ بین شاه خائن و صدام جلاد.

۲- پیروی از سیاستی که در خدمت مسائل میهنی و ملی باشد و برقراری روابط دوستانه با تمام جنبش‌های رهاشی‌بخش ملی و انقلابی که برای آزادی و به دست آوردن حق تعیین سرنوشت و دمکراسی و سوسیالیسم و نابودی استعمار و تبعیض نژادی در جهان مبارزه می‌کند.

تحکیم پیوند برادری با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی و نیز کشورهای آزاد شده جهان و پیکار در راه گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و مقابله با پیمان‌های نظامی تجاوزکارانه و جنبش غیر متعهدها و تشریک مساعی در تحکیم و تقویت صلح و آزادی جهانی.

### پایان

توضیح درباره یادداشت‌های فدائیان خلق

به علت تراکم مطالب، از درج "یادداشت‌های

فدائیان خلق" در این شماره خودداری شد.

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را  
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

## در حاشیه مصاحبه مجاهدین خلق با عبدالرحمن قاسملو

● نشریه مجاهد شماره ۱۰۷ متن مصاحبه مجاهدین خلق را با قاسملو منتشر کرد. مجاهدین در مقدمه کوتاهی که بر مصاحبه نوشته‌اند، علت مصاحبه را شایعاتی ذکر کرده‌اند که در مورد اعلام خودمختاری یک‌جانبه از طرف باند قاسملو وجود دارد. مجاهدین در مصاحبه خود خواسته‌اند جهت تحقیق مستند پیرامون ماهیت مسئله به منبع اصلی مراجعه کنند و پاسخ سئوالات پرمعنا و جانبدارانه خود را جهت پایان بخشیدن به شایعات و نگرانی‌ها، بی‌واسطه از زبان عبدالرحمان قاسملو دریافت نمایند.

این مسئله بسیار قابل توجه است که مجاهدین درست در زمانی اقدام به انتشار مصاحبه جانبدارانه خود با عبدالرحمان قاسملو نموده‌اند که جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران با شدت ادامه دارد و باند قاسملو تحت پوشش دفاع از حقوق خلق کرد با حمایت همه‌جانبه از رژیم صدام جنگ علیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران را شعله‌ور کرده است.

مصاحبه مجاهدین در زمانی صورت می‌گیرد که توطئه لیبرال‌ها علیه خط امام گسترش یافته است و شاهد یک سری زد و بند و مذاکرات غیررسمی میان لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها - آنچنانکه رئیس جمهور در یادداشت‌های روزانه‌اش بدان اشاره کرده‌است - با دار و دسته قاسملو در کردستان و تهران هستیم که هدف آن اعمال فشار بیشتر بر خط امام و گسترش نفوذ و قدرت لیبرال‌هاست.

همچنین مجاهدین در شرایطی سعی در تطهیر چهره باند قاسملو می‌نمایند که این جریان به اعتبار نقش ضد انقلابی خود در حوادث کردستان از نظر افکار انقلابی و ترقیخواه داخل و خارج کشور به صورت یک گروه ورشکسته درآمده، تا جایی که متحدین وی در کردستان نیز به خاطر حفظ ظاهر، جرات دفاع از این باند خیانت‌پیشه را به خود راه نمی‌دهند.

به یاد داریم که مجاهدین خلق در زمانی که لیبرال‌ها

در راس حکومت قرار داشتند و اکثر ارگان‌های حکومتی در قبضه آنها بود، هیچگاه موضع جانبدارانه‌ای در مقابل دارودسته قاسملو نگرفتند. در آن زمان آنها بیشتر سکوت کردند. سکوتی که وجه غالب آن دال بر حمایت از دولت لیبرال‌ها بود. اما امروز که لیبرال‌ها از راس قدرت حاکم فرو افتاده‌اند و دارودسته قاسملو نیز در ادامه خط انحرافی خود کاملاً به‌دافین رژیم صدام فرو غلطیده است، مجاهدین ناگهان به‌یاد دفاع از حقوق حقه خلق ستم‌دیده کرد افتاده و با کلمات آتشین اعلام می‌کنند که ما از همان آغاز نیز حق خودمختاری خلق کرد را به رسمیت شناخته بودیم!

مجاهدین خلق در ادامه سمت‌گیری‌های خود اکنون متوجه نیرویی شده‌اند که تاکنون نسبت بدان کم‌لطفی کرده‌اند. شاید تنها به این دلیل که این نیرو از نظر آنها یکی از فعال‌ترین جریانات مخالف و به‌اعتباری دشمن "جبهه متحد ارتجاع" است.

رهبری مجاهدین خلق که در راه استقرار "دمکراسی" از نوع آنچه که قاسملو مدافع آن است از معتقدات سنتی بنیانگذاران این سازمان روی برتافته است، چاره‌ای ندارد جز آنکه با "قاسملو" که خط امام را همانند مجاهدین به اصطلاح "ارتجاع" می‌خواند، متحد شود و به پشتوانه حیثیتی که در حال برباد دادن آنند، برای قاسملو و باند او حیثیت بتراشند و همه حقایق مربوط به قاسملو و سیاستش را وارونه جلوه دهد.

شاید برای عده‌ای که هنوز در موضع انحرافی مجاهدین خلق در مقابل انقلاب ایران دچار توهم هستند، اما حداقل اطلاعات لازم را در مورد ماهیت نیروهای درگیر در کردستان دارند. درج این مصاحبه بسیار حیرت‌انگیز باشد و این سؤال را ایجاد کند که هدف رهبری مجاهدین خلق از درج این مصاحبه که با صراحت از موضع حمایت از باند قاسملو صورت گرفته چیست؟ بسیار روشن است که منظور رهبری مجاهدین از درج این مصاحبه پاسخ به

شایعات و نگرانی‌های موجود درباره کردستان نیست چرا که قبل از طرح سؤال پاسخ آن روشن است. هیچ‌گاه ضد انقلابیون به ضدانقلابی بودن خود اعتراف نمی‌کنند. بازرگان با آن دولت رسوایش هنوز هم هرگاه که فرصت می‌یابد، با وقاحت و پرروئی تمام خود را برحق می‌داند. چه کسی انتظار دارد که عبدالرحمان قاسملو در پاسخ به این سؤال که شایع است! شما با ضدانقلاب همکاری دارید پاسخی غیر از آن بدهد که در متن مصاحبه آمده است. قاسملو در مسافرت اخیر خود به پاریس در مصاحبه با "اریک رولسو" بسیار مفصل‌تر از آنچه مجاهدین خلق منتشر ساخته‌اند، در مورد یکایک این سئوالات صحبت کرده است. با این تفاوت که قاسملو در آن مصاحبه بی‌پرده از حق دوستی خود یا بختیار دفاع کرده است. اما در مصاحبه خود با مجاهدین صحیح‌تر دانسته است که نعل وارونه بزند. خوانندگان توجه دارند که بختیار نیز برای تحکیم اتحاد خود با قاسملو اعلام کرده است که حق خودمختاری مردم کردستان را در چارچوب تمامیت ارضی ایران به رسمیت می‌شناسد. با این همه دیگر همه می‌دانند میان آنچه که ادعا می‌شود و آنچه در عمل تحقق می‌یابد و هم‌اکنون در کردستان طشت رسوایی آن از بام بوزیر افتاده فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد. و بسیار کودکانه و ساده‌لوحانه خواهد بود هرگاه کسی بپندیشد که رهبری مجاهدین خلق خواسته است برای سئوالات خود پاسخی بیاید.

مصاحبه نشریه مجاهد با قاسملو بیش از هر چیز یک موضع‌گیری صریح در مقابل به اصطلاح "جبهه متحد ارتجاع" یعنی جبهه انقلاب ایران است.

به نظر می‌رسد که رهبری مجاهدین پس از طرح "جبهه متحد ارتجاع" این بار خواسته است از طریق مصاحبه با قاسملو، به‌زعم خود به معرفی جبهه متحد انقلاب بپردازد.

انتشار مصاحبه مجاهدین خلق با قاسملو گام ناگزیر و طبیعی دیگری است که

رهبری مجاهدین در راه نزدیکی و همگامی با هدف‌های بورژوازی لیبرال ایران برمی‌دارد.

بورژوازی لیبرال غیر کرد که می‌داند قاسملو قادر به درک این نکته می‌باشد که تجزیه کردستان غیرممکن است، و به این دلیل نیز هراسی از این بابت به دل راه نمی‌دهد، بیش از پیش تلاش دارد قاسملو و باند او را به مثابه متحد مسلح خود فعالانه علیه به اصطلاح "ارتجاع حاکم" یعنی خط امام وارد میدان سیاست ایران کند و تا آنجا که می‌تواند برای او حیثیت و اعتبار بترشد.

نشریه مجاهد نیز همین هدف را دنبال می‌کند. مصاحبه کننده با صراحت تمام نشان می‌دهد که مجاهدین خلق تا چه میزان مدافع آن به اصطلاح "دمکراسی" هستند که قاسملو در کردستان و بنی‌صدری‌ها و لیبرال‌های "میزان" بنویس از آن دفاع می‌کنند. در سرتاسر مصاحبه قاسملو علیرغم ضربات سختی که به انقلاب مردم ما وارد آورده است، تطهیر می‌شود و به‌عنوان متحد قدرتمند و مسلح جبهه

طرفداران "دمکراسی" که با "انحصارطلبان مرتجع" مبارزه می‌کنند معرفی شده است.

از نظر مصاحبه کننده این اهمیت ندارد که باند قاسملو چه ضربات هولناکی بر پیکر انقلاب ضدامپریالیستی مردم ایران وارد می‌کند. آنچه که برای مصاحبه کننده اهمیت دارد، این است که به مردم بگوید "قاسملو" تنها با کسانی که مجاهدین خلق آنان را دشمنان مردم معرفی می‌کنند و بر آن نام "جبهه متحد ارتجاع" نهاده‌اند، دشمن است!

ما بار دیگر با تاکید بر رسالتی که نیروهای انقلابی و ترقیخواه در موقعیت حساس کنونی برعهده دارند، از مجاهدین خلق می‌خواهیم با صداقت و شهامت انقلابی در جهت تصحیح مواضع خود مجدانه گام بردارند. مردم انتقاد صادقانه از جانب فرزندان خود را با آغوش باز استقبال می‌کنند. آنچه را که آنها هرگز نخواهند بخشید اصرار در ادامه اشتباهات و درغلطیدن به خود - خواهی‌هایی است که مصالح خلق و انقلاب را زیر پا می‌نهد.

زمان را برای تصحیح اشتباهات دریابید.

### دو سؤال از ...

بقیه از صفحه ۱۲

صراحتاً نمی‌گویند، آدم ممکن است به اشتباه بیفتد و احیاناً خلاف‌گوئی کند!!

و اما سؤال ما از نخست وزیر این است که چرا علیرغم این بلا تکلیفی مژمن و علیرغم کوشش‌هایی که برای معرفی افراد مختلف کرده‌اند واقعیت اختلاف خود با رئیس جمهور را بطور عریان و بی‌پرده برای مردم روشن نمی‌نمایند؟ چرا نخست وزیر به مردم واقعیت نشست و برخاست‌های پشت پرده و کوشش‌های تاکنون بی‌نتیجه مانده را توضیح نمی‌دهد؟ چرا مردم را در تصمیم‌گیری بی‌طرفی یاری نمی‌دهد؟ سؤال ما از نخست وزیر این است که چرا مشکلات و دردها را با مردم تقسیم نمی‌کند؟

با کارکرد این وزارتخانه‌ها دارند، روشن نمی‌کنند تا از همه مردم رفع ابهام شود که رئیس جمهور فقط کلی‌بافی نمی‌کند؟ هر چند آقای رئیس جمهور کم و بیش گفته‌اند که وزارت خارجه مانند دوران قطب‌زاده و یزدی باید با ضیاءالحق دوستی کند و به فتوادل‌ها و ضدانقلابیون افغانستان هرچقدر که می‌تواند بیشتر کمک کند و نیز گفته‌اند که وزارت اقتصاد و دارائی باید پیوندهای اقتصادی با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را تحکیم بخشد و غیره... آقای رئیس جمهور چرا صراحتاً نمی‌گویند که اختلافشان با آقای رجائی و خط امامی‌ها اختلافاتی از این قبیل است؟ معلوم است وقتی آقای رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۱۱

### چگونه می توان...

به زعم ایشان قوی هستند، چرا قوی هستند و آنان که امروز ضعیف هستند، چرا ضعیفند؟ اینان نمی خواهند بپذیرند که وابستگی جوامع زیر سلطه نتیجه رشد و تکامل سرمایه داری در مراکز امپریالیستی کنونی است که جوهر و ماهیت آن استثمار کارگران و ستم بر زحمتکش و خلق های

### گسترش وابستگی و گسترش رابطه با امپریالیستها، کشورهای سوسیالیستی به مفهوم حرکت در جهت از میان بردن وابستگی است.

جهان است. اینان نمی خواهند بپذیرند که رابطه و پیوند سرمایه های داخلی، انحصارات امپریالیستی، به هرگونه که باشد، جز تداوم و تشدید وابستگی ثمره ای ندارد.

انحصارات امپریالیستی که در آغاز برای غارت منابع طبیعی و یافتن بازار در جوامع زیر سلطه به آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین راهی شدند، در پی آن بودند که با به دست آوردن مواد اولیه ارزان به نرخ سود سرمایه بیفزایند و با فروش محصولات خود در این جوامع، محدودیت هایی را که برای رشد آنها در اقتصاد داخلی به وجود آمده بود، برطرف سازند. این انحصارات سرمایه های تمرکز یافته ای را که در اختیار داشتند به دنبال نرخ سود بالاتر به صورت وام و برای ایجاد تاسیسات زیربنایی اقتصادی، مانند راه آهن، بنادر، تلگراف و... به جوامع زیر سلطه راهی کردند. این سرمایه گذاری ها خود امکانات انتقال مواد اولیه به جوامع سرمایه داری و نیز زمینه رشد سرمایه داری در این جوامع را فراهم می ساخت. تقسیم کاری که میان جوامع امپریالیستی و جوامع زیر سلطه پدید آمد، بدین ترتیب بود که کشورهای "پیشرفته" (لفظی که توجیه گران امپریالیسم برای اشاره به کشورهای امپریالیستی به کار می گیرند) کالاهای صنعتی را تولید و صادر کنند و کشورهای "عقب مانده" (لفظی که آنان برای اشاره به جوامع زیر سلطه به کار می برند) مواد اولیه کشاورزی و معدنی را تولید و صادر کنند. اقتصاد جوامع زیر سلطه که پیش از آن در جهت تامین نیازهای جامعه طبقاتی خود فعالیت داشت، به سوی تامین نیازهای انحصارات امپریالیستی جهت گیری یافت. در همین سالها بود که در جوامع زیر سلطه کشت محصولات صادراتی مانند قهوه، موز، تریاک و کائوچو جانشین محصولاتی شد که به مصرف داخلی می رسید (مانند غلات، حبوبات، سیب زمینی و...) و در همین سالها بود که استخراج مواد معدنی مانند نفت، مس، سرب، روی، و... به وسیله شرکت های انحصاری امپریالیستی گسترش یافت.

سرمایه های بومی کوچکی که در این جوامع فعالیت داشت، در پیوند با انحصارات امپریالیستی قرار گرفت. چرا که رقابت با این انحصارات برای سرمایه های بومی ناممکن بود و تجارت با آنها عظیم بود و پر سود. در این

پروسه میلیون ها پیشه ور و صنعتگر کوچک در این جوامع، که در مقابل سیل کالاهای ساخته شده انحصارات امپریالیستی یارای رقابت نداشتند، ورشکست شدند و خیل کارگران مزدبگیری را به وجود آوردند که بخشی از آن ابتدا در معادن و در کشتزارهای بزرگ سرمایه داری و سپس در صنایع وابسته ای که این انحصارات برپا کردند مورد استثمار سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های وابسته قرار گرفتند. گفتیم "بخشی از آن" از آن روی که از ویژگی های رشد اقتصاد وابسته این است که به سرعتی بیش از آن چه می تواند نیروی کار را به کار گیرد وسایل معاش زحمتکش را از آنان سلب می کند. یعنی این که همواره تعداد پیشه وران، صنعتگران و دهقانان زحمتکشی که تحت فشارهای اقتصاد وابسته از وسایل معاش خود (از دکان، کارگاه و زمین کوچک خود) جدا می شوند بیش از آن است که سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های وابسته توان جذب آن را دارند. و این بدان معناست که همواره بخش عظیمی از نیروی کار به صورت ارتش ذخیره بیکاران در حاشیه شهرهای بزرگ جوامع وابسته در اعماق فقر و نگونبختی، روزگار می گذرانند حاشیه نشینان حلی آبادها، حصیرآبادها، زورآبادها، و دیگر "ناآباد"ها از برجسته ترین داغ دیدگان وابسته به امپریالیسم هستند. و فقط این نیست که تصور شود تنها در تهران، اهواز، اصفهان و... چنین حاشیه نشینانی هستند که به خیال آقای رئیس جمهور برای خریدن گوشت "ارزان" یخ زده به شهرها روی آورده اند. در کراچی، استانبول، بانکوک، ساثوپولو، سانیاگو و... نیز میلیون ها انسان رنج دیده در میان مرگ و زندگی دست و پا می زنند.

بانک های وابسته که با سرمایه های انحصارات مالی امپریالیستی در این جوامع برپا شدند، از یک سو وسیله ای بودند برای انتقال ارزش از اقتصادهای وابسته به مراکز امپریالیستی و تسهیل جریان سرمایه مالی به اقتصادهای وابسته و از سوی دیگر، شرایط مناسب برای گسترش روابط پولی و مجتمع کردن سرمایه های کوچک بومی و به سوی سرمایه های وابسته و انحصارات امپریالیستی.

پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم جهانی که در اثر رشد فزاینده اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب های آزادی بخش جهان بازارهای خود را بسیاری از نقاط جهان از دست می دهد، در مقابل تضادهای روزافزون سرمایه داری انحصاری و برای به دست آوردن سود هرچه بیشتر، بیش از پیش به صدور سرمایه تولیدی به کشورهای زیر سلطه دست می زند. اگر پیش از آن سرمایه های امپریالیستی بیشتر به صورت وام یا برای استخراج معادن و برای به دست آوردن مواد اولیه کشاورزی به جوامع وابسته سرازیر می شد، پس از جنگ جهانی دوم، انحصارات امپریالیستی سیاست گسترده ای را برای برپا ساختن کارخانه های وابسته در این جوامع در پیش گرفتند. بدین ترتیب در کشورهای وابسته صنعتی را برپا کردند که جزء شبکه انحصارات امپریالیستی بود. این صنایع که با سرمایه انحصارات امپریالیستی و با مشارکت سرمایه داران وابسته داخلی ایجاد می شود، صنعتی هستند که در اساس برای برآوردن نیازهای انحصارات امپریالیستی پدید می آیند. این صنایع که اصطلاحاً به آنها صنایع "مونتاژ" نیز می گویند، تجلی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و نتیجه فعالیت آنها و تشدید وابستگی به امپریالیسم است. ما در شماره دیگر به بررسی خصوصیات این صنایع، به تفصیل می پردازیم.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۲۸

### پایبندی به وجدان علمی...

پایبندی ارانی به وجدان علمی، ایمان و ایقان او به علم، اعتقاد بدون تزلزل و آهنین ارانی به جهان بینی علمی، بزرگترین آموزش ارانی است. رفیق تقی ارانی این آموزش اساسی مارکسیسم را که پایه وحدت آهنین پیشاهنگان طبقه کارگر و اساس هویت آنان را وحدت در اصول و پایبندی به ایدئولوژی می شناسد تعمیق برد و از این رهگذر در احیای حزب کمونیست ایران تاثیر پراچ و تاریخی برحای گذاشت.

ارانی برای اشاعه مارکسیسم و جهان بینی علمی کتابها و مقالات بسیاری نوشته است. او برای تربیت کمونیستهای ایران مجله "دنیا" را انتشار داد که در پرورش روحیه انترناسیونالیستی و اشاعه مارکسیسم-لنینیسم سهم بااهمیتی داشت. ارانی نه تنها تئوریسین و دانشمند بزرگی بود بلکه همانند تمام انقلابیون کمونیست، مبارز پرشور و خستگی ناپذیر علیه فاشیسم، امپریالیسم و رژیم منفور شاهنشاهی پهلوی بود.

سرسختی و پایداری ارانی در مبارزه با رژیم دست نشانده رضاخان، مایه وحشت مزدوران رژیم رضاشاه بود. ارانی به اتفاق همزمانش در سال ۱۳۱۶ توسط مزدوران رضاشاه دستگیر شد و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت. دفاعیات ارانی که در برابر دژخیمان رضاشاه صورت گرفت، چهره انقلابی ارانی را با روشنی خیره کننده ای به مردم می شناساند. دفاعیات ارانی نمونه های درخشانی از عشق و ایمان کمونیستی او به مردم و قدرت زحمتکش را بازگو می کند. او از جمله به دژخیمانی که او را به جرم مبارزه در راه رهایی مردم میهنش از یوغ امپریالیسم و متحدانش محاکمه می کردند، در دفاع از منافع زحمتکش ایران و سراسر جهان اعلام کرد:

"هر قانونی مقدس نیست. فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد." او خطاب به دژخیمان گفت:

"چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات می شود. چرا اینقدر از رنجبران می ترسید؟"

ارانی در زندان رضاشاه نیز لحظه ای از پیکار علیه ستمگران بازناستاد. او در راه رهایی مردم و زحمتکش میهن خود زندان را به دانشکده انقلاب مبدل کرد.

به این دلیل بود که دژخیمان رضاشاه مصمم شدند که او را به هر ترتیبی که هست به شهادت برسانند و سرانجام در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸ جلادان رژیم رضاخان به شیوه ای ناجوانمردانه این فرزند ارزنده خلق را در زندان، پس از شکنجه های وحشتناک به شهادت رساندند.

ارانی را کشتند، لیکن راه ارانی، پیام ارانی و آرمان ارانی نه تنها پایدار ماند، بلکه باشکوه دمافزون سراسر گیتی از آن آذین یافته است.

ارانی برای همه پویندگان راه صلح، استقلال ملی، آزادی و سوسیالیسم آموزگار بزرگی است. "رسالت" او "نه از آن گونه است که مرگ نقطه پایانش باشد، چراکه مرگ در راه خلق خود کمال رسالت ماست."

سازمان ما با بزرگداشت سالگرد شهادت ارانی، خاطره همه کمونیستهای ایران را که در راه استقلال میهن و رهایی زحمتکشان جانهای پاکشان را فدا کرده اند، گرمی می دارد و با وفاداری به آرمان "ارانی" راه سترگ او را پی می گیرد.



## مهاجرین جنگ‌زده در اردوگاه‌های "شهرک آناهیتا" و "سراب نیلوفر"

● پتوهای نازکی که در کف اتاقهای یخ‌زده پهن شده در و پنجره‌هایی که با کاغذ و مقوا پوشانده شده و انسان‌هایی که از شدت سرما به خود می‌پیچند و... از درد ورنج هم‌میهنان جنگ‌زده در غرب کشور حکایت می‌کنند.



انسان‌هایی که از شدت سرما به خود می‌پیچند، همه و همه حکایت از درد ورنج مهاجرین ساکن در اردوگاه دارد.

خانواده‌های مستقر در اردوگاه سراب نیلوفر، مشکلات و کمبودهای فراوانی دارند که کمبود آب و برق و سوخت، نداشتن کفش و لباس گرم و پتو، ناکافی بودن ارزاق عمومی و وسایل گرم‌کننده و از همه بدتر سردرگمی و بلا - تکلیفی و بیکاری از جمله آنهاست.

زحمتکشان مستقر در این اردوگاه نیاز به کمک و یاری دارند. بی‌درنگ به یاریشان بشتابیم.

می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- با توجه به سرما و سردسیری منطقه و اینکه خانواده‌ها عموماً از مناطق معتدل و گرمسیر به شهرک آناهیتا آمده‌اند باید نفت و سوخت کافی، چراغ و بخاری پتو و پوشاک گرم به این منطقه فرستاد.

۲- نبودن دارو و دکتر و دیگر امکانات درمانی، بهداشتی نبودن محیط و عدم همکاری شهرداری در جمع - آوری زباله، مشکلات زیادی برای خانواده‌ها و به ویژه کودکان به وجود آورده است.

۳- ارزاق عمومی به اندازه کافی در دسترس خانواده‌های این شهرک نیست. در این رابطه عدم تحویل سهمیه آرد از طرف استانداری به نانوایی‌های شهرک، مشکلات زیادی به وجود آورده است.

کمیت‌های امداد و نهادهای انقلابی باید در این زمینه به کوشش خود بپردازند. ۴- تأمین نیازهای آموزشی و شریطی که دانش‌آموزان بتوانند به تحصیل ادامه دهند، از دیگر خواسته‌های مهاجرین شهرک آناهیتاست.

لازم به یادآوری است که خانواده‌های مهاجره شورایی برای حل مشکلات خود به وجود آورده‌اند و از مسئولین می‌خواهند که برنامه‌های خود را با این شورا هماهنگ کنند و از نیروی انسانی آنها بیشتر استفاده نمایند.

اردگاه سراب نیلوفر بجز شهرک آناهیتا،

● هنگامی که تانک‌ها، نفربرها و سربازان عراقی گوشه‌ای از میهن انقلابی ما را در قصر شیرین و گیلانغرب مورد تجاوز قرار دادند، گشتار و جنایت و وحشیگری را به اوج رساندند.

مزدوران عراقی هرآنچه را که نشانی از حیات و آبادانی داشت به نابودی گشانند و حاصل دسترنج کشاورزان رنج‌دیده را به تاراج بردند. آثار شوم جنگ چون ابرهای سیاه بی‌باران بر دشت‌های سرسبز و گوه‌های سرسخت غرب کشور سایه افکند و به دنبال آن انبوه مردم زحمتکش، آواره شهرها و روستاهای پشت جبهه شدند.

مهاجرین غرب بیشتر به شهرهای اسلام‌آباد و کرمانشاه و روستاهای اطراف روی آوردند. آنان ماهیست که در سخت‌ترین شرایط روزگار می‌گذرانند. بیشتر آنان دشمن اصلی خود، امپریالیسم امریکا و ایادیش را شناخته‌اند. می‌دانند که هدف از این جنگ تجاوزکارانه به نابودی گشاندن انقلاب ایران و ضربه‌زدن به استقلال میهن است.

سلحشوران غرب کشور از پیر و جوان، زن و مرد آماده‌اند تا پای جان در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کنند اما آنان در این شرایط سخت باید از حداقل امکاناتی که برای زیستن لازم است، بهره‌گیرند. باید به یاری آنان شتافت، دردها و مشکلاتشان را شناخت و به رفع آنها پرداخت.

● در ۵ کیلومتری کرمانشاه به "شهرک آناهیتا" که اکنون محل استقرار گروهی از هم‌میهنان جنگ‌زده غرب کشور شده است، می‌رویم. در این شهرک یکصد دستگاه خانه نیمه تمام وجود دارد که در اختیار بنیاد مستضعفان است پس از بمباران قصر شیرین و گیلانغرب هزاران خانواده که در زیر آتش دشمن قرار گرفته بودند به کرمانشاه آمدند. عده‌ای از آنها به "شهرک آناهیتا" رفتند و نیمه تمام آن مهاجرینی که به شهرک آناهیتا آمده‌اند، مانده

هزاران خانواده جنگ‌زده دیگر با مشکلات و نارسائی‌های فراوانی روبرو هستند. هم‌چنانکه ما بارها تأکید کرده‌ایم حل مشکلات آوارگان نیاز به برنامه‌ریزی گسترده و سازماندهی مشخص دارد. ما با انگکاس خواسته‌های خانواده‌هایی که در شهرک آناهیتا مستقر شده‌اند با هم به مسئولین و تمامی کسانی که در فکر حل مشکلات آوارگان هستند یادآور می‌شویم که باید با تمام امکانات و نیرو و با شتاب هرچه تمام‌تر به یاری آوارگان شتافت.

و اما مشکلات عمده جنگ - زدگان شهرک آناهیتا را

محل زورآباد در شمال شرقی بوشهر در کنار جاده بوشهر - برازجان در جاشیه قبرستان شهر قرار دارد. از دور که به این محله نگاه می‌کنی، خانه‌های یک طبقه به ظاهر زیبایی به رنگ‌های زرد و آبی و سفید دیده می‌شود، اما وقتی از نزدیک محله را می‌بینی، کثیفی کوچه‌ها و فاضلابی که از خانه‌ها به کوچه می‌ریزد، دیوارهای محقری که زحمتکشان بخاطر کمبود جا از چوب و حصیر و تخته‌پاره جلوی خانه‌هایشان درست کرده‌اند و نیز در تابستان بوی گند لجنزارهای دور و

## "زورآباد" (بوشهر) محله کار و رنج و فقر

ساکنین زورآباد:

استانداری بوشهر باید تکلیف خانه‌های ما را مشخص کرده و به ما سند بدهد

کیرنشینان این ساختمان‌ها را صادره کرده‌بودند، این محله به نام "زورآباد" معروف شد.

ساکنین فعلی محله زور - آباد را بیشتر روستائیان مهاجر و کارگران و زحمتکشان تشکیل می‌دهند که از سالها پیش به امید پیدا کردن کار از شهرهای دیگر به بوشهر آمده‌بودند و از فقر و بی‌خانمانی به حاشیه شهر پناه برده و برای همیشه در این شهر ساکن شدند.

قبل از انقلاب بیشتر زحمتکشان "زورآباد" در

بقیه در صفحه ۲۵

را به کیرنشینان می‌فروشد، تعدادی از این خانه‌ها را به چندبرابر قیمت اعلام شده در اختیار دلان زمین گذاشتند تا اینکه در پائیز ۵۷ همزمان با مبارزات توده‌ها برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری، جمعی از کپر - نشینان بوشهر بقیه خانه‌ها را که تا آن موقع خالی مانده بود، به تصرف خود درآوردند. از آنجائی که

کرد که این خانه‌ها را از طریق بانک عمران در ازای پرداخت ۵۷ هزار تومان (نقد و اقساط) در اختیار کپر - نشینان می‌گذارد اما از آنجائی که بی‌خانمان کردن مردمان زحمتکش و سرکوب آنها ماهیت حکومت‌های دست‌نشانده است، کپر - نشینان بوشهر پایشان به این خانه‌ها نرسید. مسئولین دولتی به عنوان اینکه زمین‌ها

بر ساختمان‌ها و هجوم بگس‌ها، آن زیبایی ظاهری را هم از محله می‌گیرد.

در سالهای ۵۷ - ۵۶ بر اثر مبارزات کیرنشینان برای به دست آوردن خانه، رژیم سابق مجبور شد در این محل (که در موقع بارندگی تبدیل به لجنزاری می‌شود) ۴۰۰ دستگاه خانه‌های درجه ۳ بسازد. پس از آماده شدن خانه‌ها، دولت وقت اعلام

بقیه از صفحه ۲۴

## "زورآباد" (بوشهر) محله ۰۰۰

ساختمان انرژی اتمی و شرکت‌های متعدد ساختمانی که حدوداً تا ۲۵۰۰۰ نفر کارگر نیاز داشتند، کار می‌کردند اما با تعطیل شدن کار ساختمان انرژی و خوابیدن کار بیشتر شرکت‌های ساختمانی، تعداد زیادی از زحمتکشان محله بیکار شده و یا به دستفروشی دلالی، دوره‌گردی و غیره افتادند با این وجود هر روز صبح دو مینی‌بوس پر از کارگر به کارخانه نساجی اعتمادی می‌روند و در آنجا کار می‌کنند.

در زورآباد خانه‌ها آب لوله‌کشی ندارند. در تمام محله فقط چند شیر آب هست که مردم به وسیله حلبی و سطل آب مورد نیازشان را به خانه می‌برند، شهرداری به زورآباد هیچ توجهی ندارد، زباله‌هایی که روبهم جمع شده‌اند، در گوشه و کنار محله دیده می‌شود، گودالهای گندابه و لجنزارها دور و بر محله را گرفته است. موقع تابستان بر اثر هوای گرم بوشهر و تابش خورشید به سطح گندابه‌ها بوی تعفن کوچه‌ها و خانه‌ها را می‌گیرد با هر باران، شدیدی که می‌بارد، تعدادی از خانه‌ها که در غرب محله قرار دارند بخاطر پائین بودن آنها از سطح کوچه، آب باران وارد خانه‌ها می‌شود و مردم آنجا با هزار زحمت دست به کار می‌شوند که با خاک و تخته و کهنه جلوی ورود آب به خانه‌هایشان را بگیرند. بر اثر درخواست‌های مکرر مردم ماموران شهرداری پمپ آبی به محل آورده و آب باران جمع شده جلو خانه‌ها را می‌کشند اما با وجود این با هر بارانی که می‌بارد، زحمتکشانی که در این قسمت می‌نشینند، با نگرانی درصدد جلوگیری آب به خانه‌هایشان می‌شوند.

گندابه‌ها که محل رشد و نمو انواع میکربها بوده، بچه‌های ساکن منطقه را به بیماری‌های عفونی مبتلا کرده است با وجود ۴۰۰ خانواری که در این محله زندگی می‌کنند مسئولین شهر حتی ابتدائی‌ترین امکانات زندگی را در اختیار این زحمتکشان قرار ندادند.

با شروع جنگ تحمیلی از

جانب عراق و آواره شدن هزاران نفر از جنگ‌زدگان خوزستانی، چهل‌هزار نفر آواره جنگ‌زده نیز به بوشهر آمدند که گروهی از آنها در "زورآباد" اسکان داده شدند.

زحمتکشان محله با اینکه برای خود به اندازه کافی جا نداشتند، اما با آغوش باز هموطنان جنگ‌زده را به خانه‌های خود پذیرفتند. حالا اغلب خانه‌های یک خانواری زورآباد، دو یا سه خانوار را در خود جای داده است. این روزها جمعیت زورآباد به چند برابر رسیده است. موقع غروب که به محله می‌روی در هر کوچه‌ای دهها نفر نشسته یا کنار دیوار ایستاده و دارند صحبت می‌کنند، جنب و جوشی در محل افتاده است قیافه خوزستانی‌های جنگ زده را به آسانی می‌توان در میان آنها تشخیص داد. بیشتر صحبت‌ها درباره جنگ، آوارگی، گرانی و بی‌خانمانی است. بچه‌ها دنبال هم می‌دوند و بازی می‌کنند. عده‌ای مهاجم عراقی شده‌اند و عده‌ای دیگر مبارزان ایرانی و با پایاها برهنه چوب به دست به دنبال هم افتاده‌اند.

زورآباد هم مثل هر محله فقیرنشین دیگر درگیر مسائل و مشکلات فراوانی است که مسئولین شهر بوشهر باید به آنها توجه کرده و با همکاری خود مردم، در جهت حل مشکلاتشان اقدام کنند. عمده‌ترین مشکلاتی که مردم زورآباد با آنها مواجه‌اند، به شرح زیر است:

- ۱- کمبود آب.
- ۲- وجود لجنزارها و بی‌توجهی مسئولین شهرداری در نظافت کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف محله.
- ۳- قطع شدن مداوم برق.
- ۴- مشخص نبودن تکلیف خانه‌ها.
- ۵- نداشتن حمام، درمانگاه و مدرسه (برای بچه‌های کوچک).
- ۶- گود بودن جلوی خانه‌هایی که در قسمت غرب محله هستند.

مسئولین شهر بوشهر باید به خواسته‌های زحمتکشان محله زورآباد توجه نموده و در جهت آسایششان، مشکلات آنها را از سر راه بردارند.

## مدیریت لیبرال بانک ملت زیر پرده "صرفه‌جویی انقلابی" کمک هزینه کارکنان کم درآمد را حذف کرده است

نگهبان‌ها، نامه‌رسان‌ها، نظافت‌چی‌ها، تحصیل‌دارها، خدمتگزاران راننده‌ها و تحویل‌داران زحمتکش بانک  
آماج این اقدام ضد انقلابی اند

در جریان مبارزات خود نمونه‌ای از این آگاهی انقلابی را به نمایش گذاشته‌اند. آنها، از طریق کمیته هماهنگی سندیکاها و شوراهای خود عملکرد سرمایه‌دارانه مسئولین بانک را شدیداً مورد اعتراض قرار داده‌اند. مدیریت لیبرال بانک زیر پرده صرفه‌جویی انقلابی دوهزاروپانصدریال کمک هزینه مسکن و هزار ریال کمک هزینه ایاب و ذهاب بیش از هزار و چهار صد نفر از گروه‌های کم درآمد بانک را حذف کرده‌اند. نگهبان‌ها، نامه‌رسان‌ها، نظافتچی‌ها، تحصیل‌دارها، خدمتگزاران، راننده‌ها و تحویل‌داران زحمتکش بانک، آماج این اقدام ضد انقلابی‌اند. آنها بیش از چهل درصد حقوق اضافه‌کاری خود را از دست داده‌اند. کمیته هماهنگی سندیکاها و شوراهای کارکنان بانک ملت خود در این زمینه می‌گویند:

"دریافتی کم گروه‌های کم‌درآمد موجب شده است که آنان کمتر بتوانند نیازهای ساده زندگی‌شان را تامین کنند و گرانی که توسط توطئه‌های گوناگون امپریالیسم جهان‌خوار و همه سرمایه‌داران وابسته و تجار محترک روزبه‌روز تشدید می‌شود، موجب کم شدن درآمد واقعی گروه‌های کارکنان مبارز بانک همچنین می‌گویند:

"وظیفه انقلابی و انسانی این است که در این شرایط حساس برای خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم، باری از دوش گروه‌های کم‌درآمد برداشته شود. در صورتی که لیبرال‌ها، این طرفداران سرمایه‌داری غرب که متأسفانه هنوز در برخی از موسسات

میهن‌مان هنوز هم که هنوز است یکه‌تاز میدان هستند برای پیشبرد سیاست‌های سازشکارانه خود کاملاً عکس آن عمل می‌کنند. لیبرال‌های سازشکار می‌خواهند فشار بر دوش مردم محروم افزایش یابد تا بدین‌وسیله مردم محروم از ادامه انقلاب منصرف شوند."

این حرف دل میلیون‌ها انقلابی میهن‌ماست که این بار از زبان کارکنان بانک ملت به گوش می‌رسد.

مسئولین مملکتی، دولت و مجلس باید این فریادهای انقلابی را به گوش جان بشنوند. کارکنان بانک ملت خواهان آنند که:

صرفه‌جویی در هزینه‌های بانک به شیوه انقلابی به نفع اقشار زحمتکش صورت بگیرد. مطالبات معوق بانک از طریق دادگاه‌های انقلاب اسلامی وصول گردد.

اعتبارات بانک به جای کمک به سرمایه‌داران، تجار بزرگ، دلالان و محترکان به خدمت تولیدات داخلی درآید.

میزان مال‌الاجاره ساختمان‌های مورد اجاره بانک از طریق بنیاد معاملات مسکن تقلیل یابد.

از شعب تخلیه شده بانک به‌عنوان تعاونی‌های مصرف استفاده گردد.

حقوق رده‌های تنگ‌بالای بانک تعدیل شود.

تجاوز به حقوق و مزایای کارکنان کم‌درآمد بانک متوقف شود.

کمک هزینه مسکن و ایاب و ذهاب حذف شده تا تصویب و اجرای آیین‌نامه استخدامی مشترک مجدداً برقرار گردد.

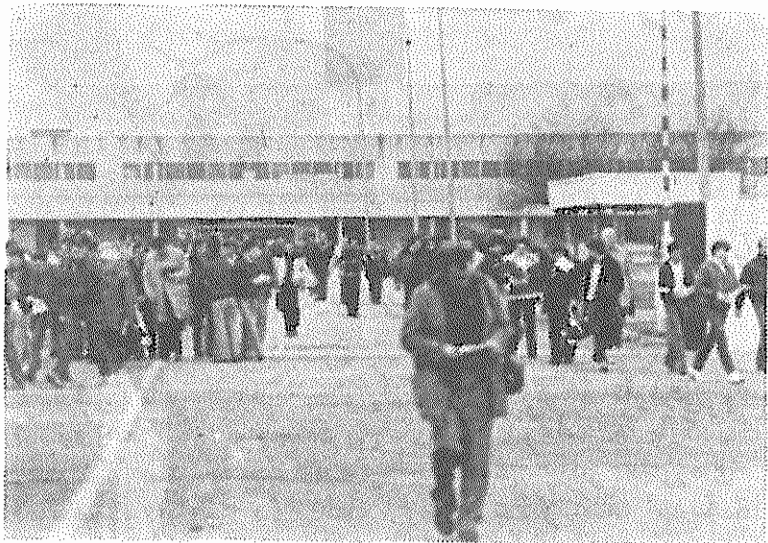
محاسبه اضافه‌کاری با استفاده از فرمول گذشته و احتساب ۳۵٪ آن محاسبه و پرداخت گردد.







## کارگران کارخانجات میراث فرانسه، از پیام کارگران ایران استقبال کردند



قدرت‌های خودکامه به‌کار رود. جهان هنوز حمایت شما کارگران عزیز را از خلق قهرمان و تحت ستم الجزایر به‌یاد دارد. صدام خائن دسترنج و حاصل زحمات شما را، آلت قتاله خلق قهرمان و مظلوم ما قرار داده است. به‌زودی توسط دولت فرانسه تعداد زیادی هواپیمای میراث به دولت خودکامه و نژادپرست (عراق) تحویل خواهد شد. شما اجازه ندهید حاصل دسترنج شما نابود کننده انسان‌ها و انسانیت‌ها باشد و اجازه ندهید که نام شما با نام صدام مزدور در قتل‌عام زحمتکشان ایران همراه گردد با درود به رنج‌دیدگان و زحمتکشان پرتوان جهان

رفقای هوادار در گزارشی که در رابطه با پخش این اعلامیه در کارخانجات اسگما (سازنده موتور انواع هواپیماهای میراث، کنکور و ... فرستاده‌اند چنین

نمایند. در این پیام که تحت عنوان "اجازه ندهید حاصل دسترنج شما نابود کننده انسانیت باشد" پخش شد، آمده بود: "شما کارگران غیور و پرتلاش فرانسه که سال‌های سال پیشگامان جبهه نبرد با استبداد و استکبار و استعمار بوده‌اید و پیام آزادیخواهی شما زبانزد جهانیان است، بدانید که هم‌اکنون امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و به مزدوری صدام خیانتکار در دل شب با موشک‌های زمین به زمین و بمباران هوایی هزاران کارگر و زحمتکش را در خون خود غوطه‌ور کرده و می‌کند... می‌دانیم که آنچه از صنعت، چه نظامی و چه غیرنظامی به دستان پرتوان و اندیشه‌های شما ساخته می‌شود، با این هدف شکل و فرم می‌یابد که علیه استبداد و ظلم و

رفقای هوادار سازمان (اکثریت) در فرانسه، پیام "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات (خانه کارگر)" خطاب به کارگران کارخانجات میراث‌سازی فرانسه را که در "کار" ۸۴ چاپ شده بود، به‌زبان فرانسه ترجمه نموده و به صورت اعلامیه، بین هزاران کارگر این کارخانه پخش کردند.

● به‌دنبال تصمیم امپریالیسم فرانسه دایر بر ارسال هواپیماهای جنگنده میراث به رژیم متجاوز و مرتجع عراق، کانون هماهنگی شوراهای کارگران مبارز کارخانجات میراث خواست که این اقدام ضد بشری و ضدانقلابی را، با توجه به مسئولیت انسانی و طبقاتی‌ای که در قبال کارگران و زحمتکشان ایران برعهده دارند، مورد اعتراض قرار داده و محکوم

نوشته‌اند: "کارگران کارخانه، با علاقمندی این پیام را دریافت می‌نمودند و نگهبانان در خروجی کارخانه که متن پیام را مطالعه کرده بودند، خودشان به ما پیشنهاد می‌کردند که در ساعات و شیفت‌های دیگر نیز که بقیه کارگران از کارخانه خارج می‌شوند، به توزیع مجدد آن بپردازیم." سازمان، این اقدام انقلابی رفقای هوادار در فرانسه را که بیانگر درک مسئولانه‌شان از ادای تعهد تاریخی در قبال انقلاب و جنبش کارگری ایران بوده و در خدمت تقویت و تحکیم روح همبستگی بین‌المللی کارگران جهان است، عمیقاً ارج می‌نهد.

نوشته‌اند: "کارگران کارخانه، با علاقمندی این پیام را دریافت می‌نمودند و نگهبانان در خروجی کارخانه که متن پیام را مطالعه کرده بودند، خودشان به ما پیشنهاد می‌کردند که در ساعات و شیفت‌های دیگر نیز که بقیه کارگران از کارخانه خارج می‌شوند، به توزیع

که "طرح‌ها با ضوابط بانک تجدید نظر شوند". علاوه بر این، خواسته‌اند که پرسنل فنی جزء هیئت مدیره باشد و وثیقه مورد قبول بانک را نیز تهیه‌نمایند که اینها موانعی را برای این شرکت‌ها به‌وجود آورده است. علاوه بر مشکلات فوق، شرکت‌ها با موانع دیگری از جمله عدم همکاری ارگان‌های مسئول و نیز عدم تجانس گروهی و اختلافات داخلی اعضا و غیره مواجه‌اند. مجموع این مشکلات امکان راه‌اندازی و توسعه اغلب این شرکت‌های کوچک را دچار مشکل ساخته است. هنوز قسمت اعظم این شرکت‌ها در مراحل اولیه تاسیس و ساختمانی‌اند و آنها که وارد مرحله تولید شده‌اند با مشکل هزینه تامین مواد اولیه اعتبار و غیره مواجه‌اند. البته در این میان شرکت‌هایی هم هستند که با مشکلات کمتری مواجه بوده و حتی پاره‌ای از آنها با موفقیت در حال گسترش‌اند.

نگهدارد، در شرایط موجود شرکت‌های وارد کننده مواد اولیه و تجهیزات، می‌توانند با کنترلی که روی قیمت‌ها و موجودی بازار دارند، لطمه‌های اساسی به آن وارد سازند. از نظر اعتبار، با آنکه تسهیلاتی از جمله پرداخت وام با بهره کم برای این شرکت‌ها پیش‌بینی شده اما به‌خاطر افزایش هزینه تولید و عدم تکافوی وام پرداختی مرکز گسترش، به‌تدریج اتکاء این واحدها به وام‌های بانکی افزایش یافته و زمینه نفوذ و کنترل بانک‌ها را بر این تعاونی‌ها فراهم آورده است. برای نمونه در اصفهان جهت تامین کمبود اعتبارات قرار شده که "طرح‌های صنعتی مرکز را که ۳۰ درصد از وام آنها توسط مرکز پرداخت شده به بانک واگذار کرده و ۷۰ درصد بقیه را بانک به‌صورت وام در اختیار شرکت‌ها بگذارد". بانک نیز در مقابل، "ضوابطی" تعیین کرد و از جمله خواسته است

بقیه از صفحه ۶

## چرا طرح اشتغال بیکاران در ...

بیشتر مصداق دارد. از نظر مواد اولیه و ماشین‌آلات، اغلب شرکت‌های تولیدی از آنجا که مستقیماً قادر به تامین این مواد نیستند و بناچار باید از تجار و سرمایه‌داران خریداری کنند یا مشکل افزایش مداوم قیمت‌ها مواجه‌اند. در سمینار مراکز گسترش در کرمان اشاره شده است که این مسئله اعضا شرکت‌ها را "مجبور نمود تا هرچه وام می‌گیرند، مستقیماً تحویل تجار دهند و از آنجا که تجار هر روز بر قیمت مواد اولیه و ماشین‌آلات می‌افزایند، در بسیاری موارد عملاً قادر به ادامه طرح نیستیم". و یا در نشریه شماره یک تولید و عمران "مرکز اصفهان، می‌خوانیم که "مرکز هر قدر که سعی کند تعاونی‌ها را سرپا

کشاورزی که بیشترین تعداد شرکت‌ها در آن فعالیت دارد به‌خاطر عدم آشنائی به امور زراعت و کشت، هزینه تولید به‌مراتب بیشتر از هزینه تولید کشاورزان بومی است. به‌علاوه به‌خاطر فقدان تجارب و اطلاعات آشناسی و در موردی عدم همکاری مسئولین مربوطه، بسیاری از چاه‌های حفر شده یا به سفره آبی برخورد نکرده و یا آب آن برای زراعت ناکافی بود. طبق یک تخمین، حدود ۲۰ الی ۴۰ درصد چاه‌های حفر شده در اصفهان با این مشکل مواجه شده‌اند. این مسئله خود سبب شد که رقم سرمایه‌گذاری شده عملاً به هدر رود و وام دیگری نیز به این افراد داده نشود. همین مسئله کمبود تخصص در رشته صنعت به‌مراتب



# استقلال - کار - مسکن - آزادی

## می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طغیان کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌های از پیکار تاریخی مبارزانه، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دست‌ها و درمهای میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- |               |                               |                  |
|---------------|-------------------------------|------------------|
| اکبر بدلی     | غلام عباس بخرد                | کاظم عبدی        |
| اکبر فخور     | عنایت‌الله رئیسی              | علیرضا کاظمی     |
| امیر آقائی    | محمد رضا آذربان               | علی حاتم‌زاده    |
| علی معاف      | سهیلا مستان‌زاده              | ابرج حسین‌نیا    |
| جواد تنجی     | حسب‌الله فرخجنش               | لطف‌علیرزاده     |
| البرز یوسفی   | ابراهیم سکرچی                 | پرویز کریمیان    |
| مریم رئیسی    | عبدالحسین شاه‌میر             | اسحاق بابازاده   |
| رحیم مفیعی    | محمود اشرف‌آبادی              | مرتضی دارابی     |
| سعید کونش     | فریدون مرتضی‌زاده             | زهره موسویون     |
| بهرام ورامینی | محمد قاسم فلاح‌بیگی           | وحید نیک‌سیر     |
| محمود آبخو    | محمد مهدی بن‌اندام            | شهریار باقرزاده  |
| خسرو کریمی    | محمد اسدالله نژاد رودبه       | کوروش پاک‌بین    |
| حسین شریعتی   | محمد حسن صدرآبادی             | حمید ولادوست     |
| عبدالله مرادی | رحمت‌الله (اسر) اسفندیاری‌پور | غلامرضا صفر نژاد |
| محمد بازدار   | نوری نیسان                    | محمد رضا جعفری   |
| تقی اسکویی    | سعید (عباس) آقاپور            |                  |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

## محاكمه هواداران سازمان ما ضدیت با انقلاب است

روزنامه‌های صبح و بعد از ظهر در تاریخ ۸/۱۱/۵۹ خبر محاکمه یکی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) بنام عبدالباسط احمدی اهل بانه را که در تاریخ ۸/۲۳ توسط پاسداران در تهران بازداشت گردیده بود، درج نمودند. در کیفرخواست دادستان اتهاماتی از قبیل قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، حمله به ستون نظامی در بانه و سردشت و به گروگان گرفتن افراد نظامی ذکر شده است. ما ضمن رد اتهامات بی‌اساس فوق، پرونده‌سازی و محاکمه هواداران سازمان را که در موضع دفاع پیکار از انقلاب و کوشش جهت حل صلح‌آمیز مسئله کردستان و افشای ضدانقلاب در منطقه قرار دارند، به زیان انقلاب دانسته، چنین محاکماتی را با روح پیام اول بهمن امام خمینی که همه مردم را به صلح و آشتی و زندگی در صلح و صفا بخاطر ساختن ایران عزیز فرامی‌خواند، بیگانه می‌دانیم. ما با تاکید بر اجرای دقیق رهنمودهای امام خمینی، برائت و آزادی عبدالباسط احمدی را از مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی خواستاریم.

به مناسبت ۱۴ بهمن سالروز شهادت دکتر ارانی

## پایبندی به وجدان علمی و اعتقاد بدون تزلزل به ایدئولوژی طبقه کارگر



چهاردهم بهمن‌ماه ۱۳۱۸ "قصر قجر" شاهد بازایستادن قلب سرخ و پرشوری بود که به عشق رنجبران و برای رهائی آنان می‌تپید. این قلب به ارانی تعلق داشت.

دکتر تقی ارانی بدون تردید یکی از برجسته‌ترین رهبرانی است که جنبش کمونیستی ایران در دامان خود پرورش داده است. نقش بزرگ و تاریخی رفیق ارانی در اشاعه مارکسیسم-لنینیسم، در مبارزه‌های بطور پیکر علیه اندیشه‌های غیرعلمی به پیش می‌برد، بعنوان آموزگار رهبران سوسیالیسم علمی در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نامی همیشه ماندگار باشد.

## در حاشیه مصاحبه مجاهدین خلق با عبدالرحمن قاسملو

در صفحه ۲۲

## قطع رابطه سیاسی ایران با دول شاهنشاهی اردن و مغرب گامی مثبت در سیاست خارجی

بهباد نبوی سخنگوی دولت در هفته اخیر تصمیم دولت جمهوری اسلامی مبنی بر قطع رابطه سیاسی با دولت‌های اردن و مغرب را اعلام نمود. ماهیت رژیم‌های شاه‌حسین اردن و شاه حسن مغرب بر مردم ایران پوشیده نیست. نقش رژیم حسین در سرکوب خلق قهرمان فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۰ (که به سپتامبر سیاه معروف گردید)، سرکوب مبارزه استقلال طلبانه خلق صحرا و اشغال خاک این کشور توسط رژیم مغرب، حمایت آیین دو رژیم از تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما همکاری دو رژیم با دول مرتجع منطقه همچون عربستان سعودی، عمان، پاکستان، مصر و... تحت هدایت وزارت خارجه آمریکا برای ضربه زدن به خلق‌های منطقه و حفظ منافع ارباب امپریالیست‌ها ماهیت رژیم‌های شاه حسین (عضو رسمی سازمان جاسوسی سیا) و شاه حسن را به خوبی فاش ساخته است. قطع رابطه سیاسی ایران با این رژیم‌ها گام مثبتی خواهد یافت.

## سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

### روز جمعه ۱۷ بهمن ماه در هیچ مراسمی شرکت نمی‌کند

بدین وسیله به آگاهی هم‌میهنان و هواداران می‌رسانیم که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) برای روز جمعه ۱۷ بهمن‌ماه هیچ‌گونه مراسمی نه در میدان آزادی و نه در هیچ جای دیگری اعلام نشده و در این روز در هیچ مراسمی شرکت ندارد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۵۹

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر